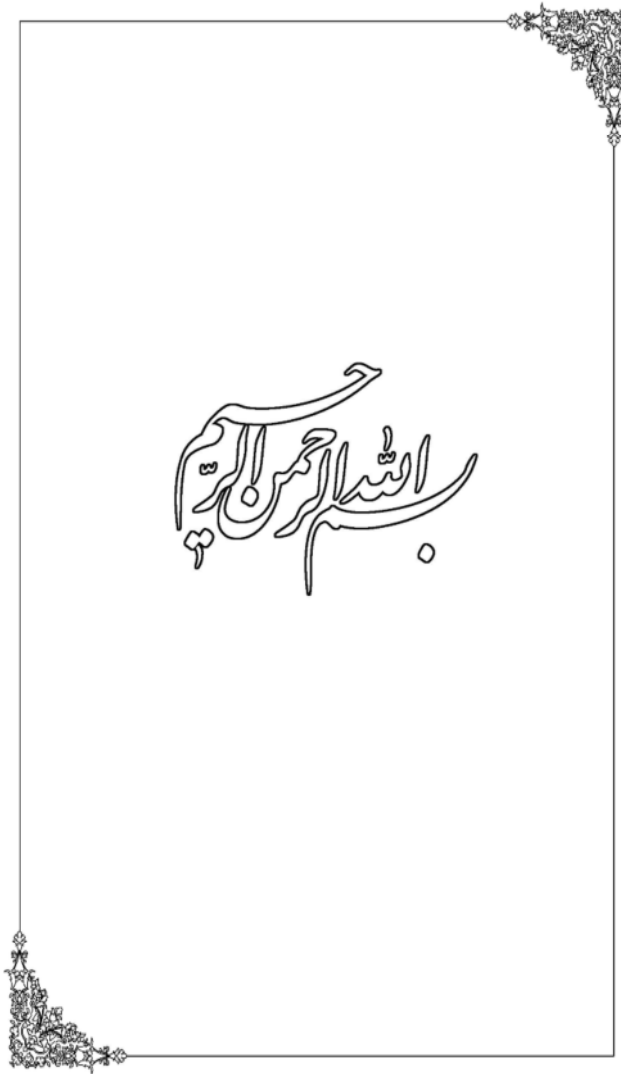




نامہ ہامی تاریخی

گزیدہ ای از نامہ ہامی رجال دین و سیاست بہ
حضرت آیت اللہ العظمی سید محمد صادق روحانی (مدظلہ العالی)

بہ کوشش
سید محمود خسرو شاہی

مقدمہ و پاورقی
ناصر الدین انصاری قمی

سرسنانه	: خسروشاهیان، سیدمحمود، ۱۳۵۵ - ، گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور	: نامه‌های تاریخی: گزیده‌ای از نامه‌های رجال دین و سیاست به حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدمحمّدصادق روحانی مدظله‌العالی/ به کوشش سیدمحمود خسروشاهیان: با مقدمه از ناصرالدین انصاری‌قمی.
مشخصات نشر	: قم: کلبه شروق، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۵۲۸ ص: مصور، نمونه.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۷۲۵۵-۴۷-۹ : ۲۰۰۰۰ ریال.
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
عنوان دیگر	: گزیده‌ای از نامه‌های رجال دین و سیاست به حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدمحمّدصادق روحانی مدظله‌العالی.
موضوع	: روحانی، سیدمحمّدصادق، ۱۳۰۵ -
موضوع	: خوئی، سیدابوالقاسم، ۱۲۷۸ - ۱۳۷۱ - نامه‌ها
موضوع	: مجتهدان و علما - ایران
موضوع	: فقیهان شیعه - ایران
موضوع	: نامه‌های فارسی - قرن ۱۴ - مجموعه‌ها
شناسه افزوده	: انصاری، ناصرالدین، ۱۳۴۶ - مقدمه‌نویس
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۲ خ ۵ / ۳ / ۵۵ BP
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۹۹۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۱۰۴۳۳۴

نامه‌های تاریخی

گزیده‌ای از نامه‌های رجال دین و سیاست به حضرت آیت الله العظمی سید محمد صادق روحانی

به کوشش:.....	سید محمود خسروشاهی
مقدمه و پاورقی:.....	ناصر الدین انصاری قمی
ناشر:.....	کلبه شروق
نوبت چاپ:.....	اول / ۱۳۹۲
چاپخانه:.....	طله
شمارگان:.....	۱۰۰۰ نسخه
قیمت:.....	۲۰۰۰۰ تومان
شابک:.....	۹۷۸ - ۹۶۴ - ۷۲۵۵ - ۴۷ - ۹

مرکز پخش: قم، ابتدای خیابان صفائیه، پلاک ۶۹۲، کلبه شروق
تلفن: ۷۷۳۶۴۲۴ - ۰۲۵۱

فهرست

-
- فصل اول: مجموعه نامه‌های مرحوم آیت الله العظمی خوئی ◀ ۱۳
- فصل دوم: مجموعه نامه‌های مراجع عظام و علمای اعلام ◀ ۲۲۷
- فصل سوم: مجموعه نامه‌های شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی ◀ ۳۶۳
- فصل چهارم: تلگراف‌ها ◀ ۴۴۳
- فهرست اعلام ◀ ۵۲۳
- فهرست اماکن ◀ ۵۲۶
- فهرست کتب ◀ ۵۲۷
-

یادداشت

مکاتبات میان علما و مراجع، رجال و شخصیت‌های برجسته روحانی و سیاسی، در هر عصر و زمانی، می‌تواند به عنوان اسناد تاریخی، نشان دهنده حقایق تاریخی آن دوران باشد.

مجموعه کنونی - نامه‌های تاریخی - که هم اکنون در اختیار علاقمندان قرار می‌گیرد شامل بخشی از نامه‌ها و تلگراف‌های واصله به محضر شریف آیت الله العظمی سید محمد صادق روحانی (دام ظلّه) می‌باشد که از بحران‌ها!! و حوادث گوناگون روزگار، در امان مانده و به دست ما رسیده است و نشر آنها، می‌تواند برای اهل تاریخ مفید و ارزشمند باشد.

البته باید اشاره کرد که متأسفانه متن نامه‌های حضرت آیت الله العظمی روحانی (دام ظلّه)، به علت مرور زمان و عدم دسترسی به اسناد و بایگانی بیوت مراجع عظام بلاد، در اختیار ما نیست، ولی پاسخ‌های آن بزرگواران، که در دفتر خاص معظم له نگهداری می‌شد، هم اکنون، چاپ و منتشر می‌گردد.

همانطور که ملاحظه می‌نمایید، در نقل متن نامه‌ها، امانتداری کامل رعایت شده است و این امر می‌تواند الگوی خوبی برای کسانی باشد که اسناد تاریخی معاصر را جمع‌آوری نموده و منتشر می‌سازند.

این مجموعه با تلاش و پی گیری مستمر اینجانب آماده چاپ و نشر گردیده و مقدمه و توضیحات جناب حجت الاسلام ناصرالدین انصاری نیز در توضیح بعضی نکات مطرح شده در نامه ها کمک شایانی به استفاده محققین از مطالب کتاب می نماید.

در خاتمه بر خود لازم می دانم که از ارشادات و اظهارنظرهای ثاقب و مثبت والد ماجد، در انتخاب و تنظیم اسناد این مجموعه، سپاسگزار باشم که خود در پژوهش مسائل تاریخی صاحب نظر و مثبت اندیش و حافظ حقوق حقّه همه بزرگان در حدّ امکان و توان هستند.

سید محمود خسروشاهی

سر آغاز

مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی سید محمد صادق روحانی (دام ظلّه)، از خاندانی کهن و ریشه‌دار - که در شهر قم از سابقه دیرین علمی و اجتماعی برخوردار است - برخاسته، و در جهان تشیع، نامی است آشنا. خدمات ایشان و تألیفاتشان، مواضع و نظریاتشان، بیش از نیم قرن است که در دنیای اسلام مطرح و مورد توجه همگان است. معظم له، در پنجم محرم الحرام ۱۳۴۵ ق (۱۳۰۵ ش)، در پایگاه جهاد و اجتهاد: شهر مقدس قم و در بیت علم و فضیلت زاده شد. پدر بزرگوارش آیت الله حاج میرزا محمود روحانی^۱ (۱۳۰۷-۱۳۸۱ ق) و نیای پدری‌اش آیت الله حاج سید صادق قمی^۲ (۱۲۵۵-۱۳۳۸ ق) و نیای مادری‌شان آیت الله حاج آقا احمد طباطبایی قمی^۳ (۱۲۷۱-۱۳۳۴ ق) بوده است. ایشان، در کودکی به تحصیل علوم دینی روی آورده و در نوجوانی - در حالی که نبوغ و استعدادشان زبانزد حوزه علمیه نجف شده بود - سطوح عالیّه را در مدت اندکی پشت سر نهادند و به درس خارج اساطین حوزه همانند آیات عظام: شیخ محمد حسین غروی اصفهانی، سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ محمد کاظم شیرازی، شیخ محمدعلی کاظمی خراسانی، شیخ محمدرضا آل یاسین و بیش از همه سید الطائفه آیت الله العظمی خوئی (ره) حاضر شدند و سالیان فراوان (۱۵ سال) از بحث‌ها و درس‌های آنان بهره بردند و اجتهادشان مورد تأیید آیت الله العظمی خوئی (ره) قرار گرفت. ایشان در سال ۱۳۶۹ ق، به زادگاهشان بازگشتند و در آنجا علاوه بر حضور در درس حضرت آیت الله العظمی بروجردی (ره)،

۱. انصاری، ناصرالدین، اختران قم، ص ۴۹۷-۵۰۰

۲. همان، ص ۱۶۱-۱۷۲

۳. همان، ص ۱۴۹-۱۵۴

به تدریس خارج فقه و اصول پرداختند و به زودی در زمره علمای برجسته حوزه علمیه قم درآمدند و ستاره اقبالشان، درخشیدن گرفت و در همان زمان کتاب فقهی ایشان «فقه الصادق» به تدریج به چاپ رسید و مورد توجه حضرت آیت الله العظمی بروجردی (ره) قرار گرفت.^۱ از آن پس بود که کتابها و بحث‌هایشان در حوزه قم شهرتی به‌سزا یافت و پس از وفات آیت الله بروجردی (شوال ۱۳۸۰/ فروردین ۱۳۴۰ ش) به عنوان یکی از علمای بزرگ حوزه قم مطرح شده و مواضع و بیانه‌ها و اعلامیه‌هایشان راهگشا و روشنگر مردم مسلمان ایران بود. معظم‌له، در پنجاه سال گذشته ضمن مکاتبه با رؤسای کشورها نسبت به مسائل جهان اسلام - همچون: فلسطین، لزوم اتحاد مسلمین در برابر اسرائیل، مسائل عراق و وضع قوانین ضداسلامی در آن، ساخت فیلم زندگی رسول الله (ص) - حساسیت نشان دادند و نامه‌هایی به: انور سادات رئیس جمهور مصر، حافظ اسد رئیس جمهور سوریه، ملک فیصل پادشاه عربستان نگاشتند. همچنین مواضع انقلابی معظم‌له از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ ش، که اگر بطور کامل گردآوری شود مجلدی بزرگ خواهد شد، و رنج‌ها و زندان‌ها و تبعیدهای ایشان از اذهان مردم مسلمان ایران هرگز فراموش نخواهد شد.

معظم‌له، در سال ۱۳۴۵ ش به دنبال سخنرانی افشاگرانه و اعتراض آمیزشان به لایحه کاپیتولاسیون و اعمال ضد دینی و ملی دولت، دستگیر و به شهرهای: زابل و یزد و سپس روستای میگون (تهران) تبعید شدند. پس از آزادی، در سال ۱۳۵۶ با اعلامیه‌های توفنده-اشان مجدداً وارد عرصه مبارزه صریح با رژیم شدند و اطلاعاتی شدیدالحنشان باعث سختگیری و تندی بیشتر رژیم با ایشان شد و باعث شد از ۲۶ اردیبهشت تا شهریور ۱۳۵۷ ایشان را در حصر خانگی قرار دادند، که مردم قهرمان قم در این زمان به خانه‌اشان رفتند و حصر را شکستند و نماز عید فطر را با شکوه هرچه تمامتر به امامت ایشان به جای آوردند، به دنبال این رویدادها رژیم پهلوی ایشان را مجدداً دستگیر کرده و تا دی ماه، در بازداشت به سر بردند و با پیروزی انقلاب اسلامی، با استقبال باشکوه وارد شهر و محل اقامتشان شدند. آیت الله العظمی روحانی، پس از پیروزی انقلاب هم، ارشادات و راهنمایی‌های خود را به رؤسای جمهور وقت، مراکز قانون گذاری، رؤسا و وزرا دنبال نمودند و علیرغم همه فشارها ایشان هرگز از مواضع بر حق خود کوتاه نیامده‌اند «و لا یخافون لومة لائم».

۱. حضرت آیت الله العظمی بروجردی (ره) دوبار از کتاب فقه الصادق در منبر تدریس خود مطالبی نقل فرمودند و حضرت آیت الله العظمی خویی (ره) در وصف این کتاب طی نامه‌ای مرقوم فرمودند که: من کتاب فقه الصادق را شخصاً برای آیت الله کاشف الغطاء بردم و گفتم: ببینید من چه خدمت بزرگی به عالم اسلام و فقاقت نمودم و چنین عالم محققى را تربیت کرده‌ام.

در همه سال های مبارزه و زندان، ایشان به فعالیت های علمی و تألیفات علمی و تألیف کتب فقهی و اصولی ادامه داده اند که همواره جاودانه خواهد ماند از جمله می توان به:

فقه الصادق (۴۱ جلد) * زیادة الاصول (۶ جلد) * منهاج الفقاهه (۶ جلد)
 * منهاج الصالحین (۳ جلد) * مسائل المستحدثه و دهها جلد کتب استفتائی شرعی، اعتقادی و قضایی به زبان های فارسی عربی و انگلیسی.

* * *

درباره کتاب

این کتاب، مجموعه ای از نامه های علما و مراجع بزرگ جهان تشیع، رؤسا و پادشاهان کشورهای اسلامی، علمای اهل سنت جهان، رجال سیاسی ایران به حضرت آیت الله العظمی روحانی است، که جایگاه بلند معظم له را در جهان اسلام، در نیم قرن گذشته می-نمایاند. این استاد تاریخی - که اینک حجاب برانداخته است - دریایی است مشحون از در و جواهر، که تواضع و فروتنی ایشان، مانع از ظهور و بروز آنها در سالیان گذشته بوده است. آدمی با مطالعه آنها از میزان علاقه و ارادت و شیفتگی و امید اعلام تشیع مانند آیات عظام: آقای خوئی، امام خمینی، آقای حکیم، آقای میلانی، آقای خوانساری، میرزا مهدی شیرازی، سید عبدالهادی شیرازی رحمه الله علیهم و دهها نفر از علمای ایران، عراق، لبنان به آیت الله العظمی روحانی آگاه می شود.

قسمت نخست این کتاب، شامل نامه های متعدد حضرت آیت الله العظمی خوئی رحمه الله به معظم له است، که البته این به دلیل شناخت عمیق و دقیق استاد از این شاگرد پراستعداد و نابغه اشان و ریشه در سوابق علمی و تاریخی اشان دارد. آیت الله العظمی خوئی (ره) از دیرباز با بیت عظیم و فخیم روحانی ارادت و آشنایی داشته و این دو برادر بزرگوار (حضرات آیات: سید محمد (ره) و سید صادق روحانی) سالیان فراوان در تمام درس های استاد شرکت داشتند و آیت الله العظمی خوئی (ره) هم در سفر تاریخی خود در نیمه قرن چهاردهم به قم، به منزل پدر بزرگوارشان آیت الله حاج میرزا محمود روحانی وارد، و تمام علمای قم - از جمله آیت الله العظمی بروجردی - در این منزل به دیدار آقای خوئی آمدند، این نامه ها، خواننده را با عمق علاقه و ارادت آیت الله العظمی خوئی (ره) به

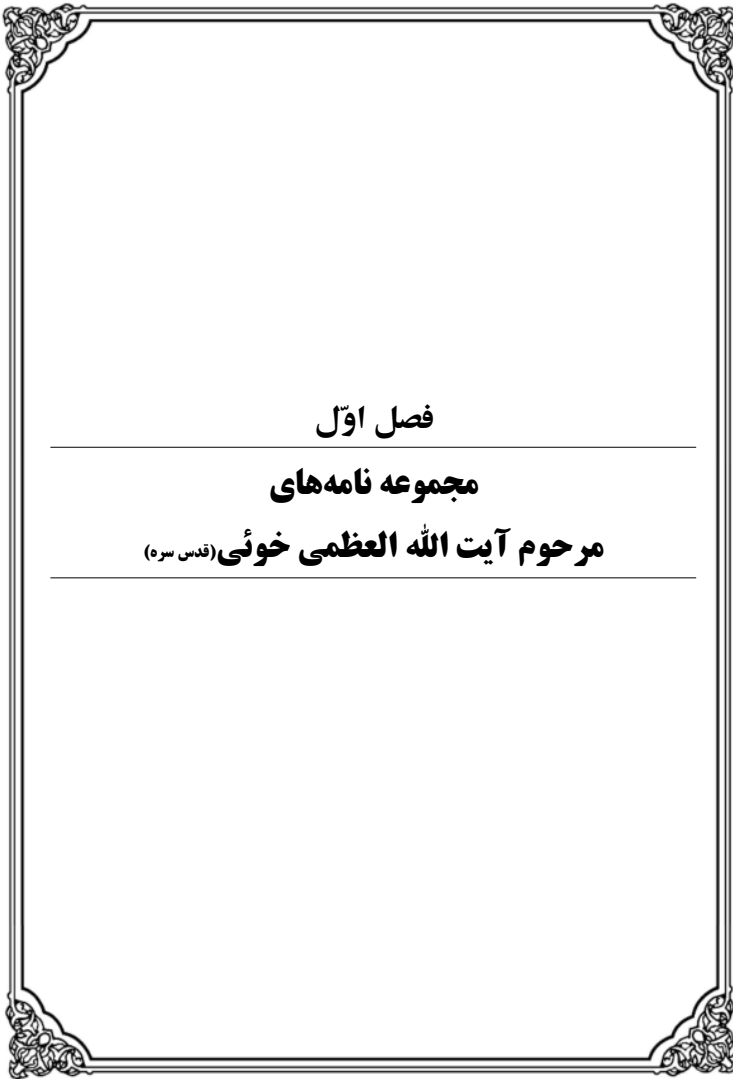
حضرت آیت الله العظمی روحانی آشنا می سازد. بدون شک این تعابیر: (شما خود من هستید)، (شما عین من هستید)، (من با بودن شما هیچ غمی از موت ندارم)، (من خوشحالم که اگر روزی نباشم شما جایگزین من خواهید بود)، (شما نور چشم احقر هستید)، (عزّ شما عزّ من است). در هیچ جا سابقه ندارد. آیت الله العظمی خوئی (ره) با هیچ یک از شاگردانشان این همه نامه نگاری و اظهار ارادت نداشته اند، و از این نامه ها روشن می شود که تثبیت و تحکیم مرجعیت آیت الله العظمی خوئی (ره) در ایران و در حوزه علمیه قم، کار حضرت آیت الله العظمی روحانی بوده است. من در شگفتم که: حضرت آیت الله العظمی روحانی با چه سعه صدر و روحیه بالایی این نامه ها را در این سال ها پوشیده داشته است؟ این کتاب، علاوه بر آنکه حقایق سیاسی را در تاریخ معاصر روشن می سازد، نشان از هوش سیاسی و زمان شناسی فقیه بزرگ شیعه می دهد.

این مجموعه از چند بخش تشکیل شده است که عبارتند از:

- ۱) بخش نخست: دربرگیرنده مجموعه نامه های مرحوم آیت الله العظمی خوئی (ره) است، این مراسلات که تعداد آنها ۱۰۵ نامه می باشد از سال ۱۳۶۷ هـ. ق آغاز و آخرین آن به تاریخ ۱۴۰۹ هـ. ق می باشد، تعداد نامه ها و مطالب مطرح شده در آنها و رابطه نزدیک میان طرفین موجبات قرار گرفتن این مجموعه از بخش نخست شده است.
- ۲) بخش دوم: دربرگیرنده نامه دیگر مراجع عظام تقلید گذشته، و علمای بلاد مختلف در ایران و خارج آن می باشد که با ملاحظه تاریخ درگذشت آنان تنظیم گردیده، در این بخش نامه هایی از آیات عظام خمینی - میلانی - حکیم و... قرار دارد.
- ۳) بخش سوم: دربرگیرنده نامه های شخصیت های سیاسی و اجتماعی می باشد، نامه های این بخش نشان دهنده طیف وسیع و گسترده مرتبطین با حضرت آیت الله العظمی روحانی می باشد، که شامل سران احزاب سیاسی و فعالین اجتماعی و مذهبی با مشرب های گوناگون و تفکرات سیاسی و اجتماعی متنوع، و دیدگاه های متفاوت است. از این رو نامه های این بخش از اهمیت ویژه ای برخوردار است.
- ۴) بخش چهارم: دربرگیرنده مجموعه تلگراف هایی است که در پاسخ نامه یا پیام یا تلگراف حضرت آیت الله العظمی روحانی داده شده است.

ناصرالدین انصاری قمی

اردیبهشت ۱۳۹۲



غزوہ شریلی
۱۳۶۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

[illegible][illegible]

غره شهر جمادی الاولى

۱۳۶۹

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می‌رساند: ان شاء الله تبارک و تعالی وجود مبارک آن جناب و عموم خانواده محترمه در زیر سایه حضرت آقای والد^۱ - دامت برکاته - قرین صحت و عافیت و منظور نظر مقدس حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه - بوده باشد. اگرچه مدتی است مستقیماً از آن جنابان بی‌اطلاعم، ولی غالباً توسط جناب آقای اخوی،^۲ - دام تأییده - از حالات آن جنابان مطلع و مسبوق می‌باشم. از قرار نقل ایشان بحمدالله تعالی حوزه بحث جنابعالی اهمیت پیدا کرده و طلاب قم فی الجمله به مقام سرکار آشنا و مشغول استفاده می‌باشند. ولی امید ما این بود که به نجف اشرف مراجعت و بعد از چندی به فضل الهی از مدیران حوزه علمیه نجف یا قم بوده باشید. علی کل حال امیدواریم آن چه خیر آن جناب باشد، پیش بیاید. دیگر این که احقر بعد از مراجعت به نجف اشرف عریضه‌ای حضور آقای والد سرکار - دامت برکاته - و عموم اعمام عرض کرده و در ضمن عریضه حضرت آقا به جنابعالی و آقای آقا مهدی هم اظهار ارادت نمودم. ولی متأسفانه تا حال به جواب هیچ یک نائل نشده‌ام. با همین عریضه خدمت همه آقایان عارض سلام و از زحمات و الطاف حضرت آقا، زیاده متشکر و ممنون می‌باشم. حسب الامر حضرت آقا - دامت برکاته - در جواب عریضه تهران خدمت آقای فاضل لنکرانی^۳ هم از نجف عریضه نوشتم. جواب آن هم نرسیده. به خدمتشان عارض سلام و از همگی التماس دعا دارم. محضر مقدس حضرت آیه الله بروجردی دام ظلّه و بقیه آقایان که حضرت تعالی مناسب ببینید، عارض سلام و التماس دعا دارم. حضرت آقای اخوی و عائله‌شان سلامت و همه روزه به خدمتشان می‌رسیم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته
ابوالقاسم الموسوی الخوئی

۱. آیت الله حاج میرزا محمود روحانی.

۲. آیت الله العظمی حاج سید محمد روحانی.

۳. مرحوم آیت الله فاضل از اطرافیان آیت الله العظمی بروجردی و داماد باجناب آیت الله میرزا محمود روحانی (حاج سید عباس فقیه میرقع) بود.

www.takbook.com

۱۸ شهر ج ۲

۱۳۶۹

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض می‌رساند: ان شاء الله تعالی وجود مبارک قرین صحت و اعتدال و عزت و سعادت بوده باشد. محترم رقیمة کریمه مورخه ۱۴ شهر ماضی واصل، از سلامتی مزاج شریف و بنای شروع به بحث خارج بسی مسرور، ان شاء الله تعالی پیوسته موفق و مؤید بوده باشید. از تأخیر عریضه احقر با ضمیمه اعتقاد بر این که احقر مکاتیب زیاد نوشته‌ام، گمانی را که فرموده بودید، از باب الجواد قد یکبو بوده، چه طور چنین گمانی فرمایید؟ با این که جنابعالی و امثال شما مایه افتخار احقر، بلکه ان شاء الله تعالی ذخیره آخرت من و نتیجه عمر احقر می‌باشید. اگر عمر بیش از این باقی نباشد، دلم به این خوش است که به زندگی شماها زنده هستم و زحمات و بی‌خوابی‌های شب‌های من هدر نرفت. کسانی هستند که به نشریات نتایج عمر من از علم و دین ترویج نمایند و بالجمله غیر از امثال جنابعالی در دنیا به چه دلخوش بوده و هستم. عز شما عز من است. مرقوم داشته بودید که آقایانی که به احقر اعتراض علمی یا غیره داشته باشند، به آن جناب متوجه می‌سازند، البته حق دارند. زیرا که درست احراز کرده‌اند که جنابعالی به منزله خود احقر می‌باشید. اگر چه جنابعالی بحمدالله تعالی هر جا که باشید، مورد استفاده خواهید شد، ولی البته بودن در نجف بر جهات ثبوتی آن جناب خواهد افزود. در صورت امکان به نجف مشرف شوید، گمان می‌کنم بهتر باشد. علاوه بر این که ما هم به خدمتتان خواهیم رسید. از ماه گذشته ایام تعطیل بالمعنی الاعم به مباحثه تفسیری و نوشتن آن شروع کرده‌ام. گمان می‌کنم فایده آن به عالم دیانت عامه و به عالم تشیع خاصه بیشتر از خدمات دیگر بوده باشد. مخصوصاً التماس دارم، دعا فرمایید که موفق به اتمام آن بوده باشم در حقیقت به فضل الهی دایرة المعارف علوم اسلامیة خواهد شد. حضور محترم آقایان عموماً هر کس که صلاح بدانید و حضرت آقای بروجردی و آقای والد و آقای اخوی خصوصاً - عارض سلام و التماس دعا دارم. با همین عریضه جداگانه به محضر آقای والد - دامت برکاته - عریضه عرض نمودم آقای اخوی و متعلقینشان همه سلامت هستند. آقای آقا شیخ محمد تقی ابروانی در اثر مرض دایی اهل بیتش عازم حرکت، ظاهراً دو سه ماه در قم مشرف باشند.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته
ابوالقاسم الموسوی الخوئی

بسمہ الرحمن الرحیم

[illegible]

۱- در صورتی که در وقت خواب
 ۲- در صورتی که در وقت بیداری
 ۳- در صورتی که در وقت غذا خوردن
 ۴- در صورتی که در وقت استراحت
 ۵- در صورتی که در وقت کار کردن
 ۶- در صورتی که در وقت تفریح و بازی
 ۷- در صورتی که در وقت درس خواندن
 ۸- در صورتی که در وقت نوشتن
 ۹- در صورتی که در وقت صحبت کردن
 ۱۰- در صورتی که در وقت شنیدن

۲۴ شهر ذیقعدة الحرام

۱۳۶۹

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می‌رساند: ان شاء الله تعالی وجود مبارک قرین عزت و سعادت و عافیت بوده و در بث علوم دینیه و تربیت طلاب معارف اسلامیة مستدام باشید. مرقومه محترمه مورخه غرة جاری واصل از سلامتی وجود مبارک و اشتغال به تدریس و عزم به تدریس تفسیر مسرور شدم، امید است پیوسته به خدمات دینیه موفق باشید. فرمایشات عالی را به جناب آقای اخوی سرکار تبلیغ نمودم. راجع به استنساخ جزوات تفسیر، آقای آقا شیخ سلمان حاضر شدند که با به مباشرت یا بالشیب استنساخ نمایند، ولی نوشتجات احقر در تفسیر قابل این که کسی غیر احقر استنساخ کند نیست زیرا که زیاده قلم زده و حاشیه رفته دارد. گاهی احقر هم به زحمت پیدا می‌کنم مباحثی که تا حال مذاکره شده در مقدمات تفسیر است و این سنخ مطالب غالباً در کتب منتظم نیست لذا خیلی تغییر و تبدیل می‌شود. امید است که به فضل الهی خودم موفق به تبیض شوم که بعد از آن استنساخ سهل خواهد شد. غرض این که نه از قبل احقر و نه از قبل آقا شیخ سلمان مانع هست ولی خود مطلب میسور نیست. چندی قبل کسی حاضر شد برای احقر تبیض کند چند صحیفه نوشته و عاجز شد. این اقدام جنابعالی بسیار قابل تقدیر است ان شاء الله تعالی بعد از شروع، فوائد روحیه آن را مشاهده خواهید فرمود. راجع به طبع جزوات سرکار بسیار با محل و با موقع است، فقط در عبارت آن نظر ثانی و ثالث فرمایید که مغلق و غلط ادبی نداشته باشد و از حیث کاغذ و طبع و قطع خوب باشد. راجع به مباحث اقل و اکثر احقر موفق به نوشتن نشدم استنساخ آن از جزوات آقایان ممکن است، هر که را میل داشته باشید معین فرمایید عملی شود و محل اثر را معین فرمایید که چه قدر لازم است. زیاده عرض قابلی نداشته و مخصوصاً التماس دعا دارم. این ایام با این که هوا بسیار گرم، یومیه علاوه بر بحث منزل سه مباحثه در ایام تحصیل و یک مباحثه شب‌های پنج شنبه و جمعه اداره می‌نماییم، بحث سیمی بحث معاملات است که تازه شروع نموده‌ایم حقیقتاً محتاج به دعا هستم.

و السلام علیکم و رحمة الله و بركاته
ابوالقاسم الموسوی الخوئی

۱. مرحوم آیت الله حاج شیخ سلمان بن عبدالمحسن خاقانی از علمای بزرگ خرمشهر، متوفای سال ۱۳۶۷ ش.

بسم الله الرحمن الرحيم

روضه طاهره
ان شاء الله تعالی وجود بابرک و حقیت دعوت سعادت
معبد خدیو قبر مرقوم مکرمه زیارت قبر از آن هم عالم و فیضی
تسکین کثرت بهشت برادر مرقد و به عرفیه هم محال نمیدانم از این
مذرت و از لطافت عالی متشرع ذات هدایت هر قصه در اظهار
ارادت مستد وجود مانع است نه عدم تعقی در مرقوم مرقوم شری راجع
تکلیف بعضی هر روز دیکر مرقوم داشته بودید جواب بعضی ششم بعد
مجلسه کردم در رکعت شایده رهنمای الهی بهتر باشد از آن عینه
رفع ید و این عینه را تا نایز ششم بهر جهت را بر این گشته ام در بعد
امکان از جهول و فرج دین حمایت تمام دایره جرات و بهر حال که است
امرو دنیا بهر جهت بهتر خواهد بود و بعد از این را بعضی نیست بخاطر
لایف ارداتیه رضاء بناس ملک مثل لقمان و پیش و این دعا را می
سرود و در کتاب دایره مذکور است یک خطی است
که از ایشان گفته شده حقوق صادره بیه در این ضرب شده
آن ها نزد یک یا در رقبه نماید از لایه چون نامی مرتب خواهد
دکین گمان بعد از از فرات است عالی که از هر در در هر است
و حق شمس بهر متشرع و منون شدم خداوند بابرک و تعالی

۹۹ شرح اول
۱۳۷
در این نامه
بسم الله الرحمن الرحيم
روضه طاهره
ان شاء الله تعالی
وجود بابرک و حقیت
دعوت سعادت
معبد خدیو قبر
مرقوم مکرمه
زیارت قبر از آن
هم عالم و فیضی
تسکین کثرت
بهشت برادر
مرقد و به عرفیه
هم محال نمیدانم
از این
مذرت و از لطافت
عالی متشرع ذات
هدایت هر قصه
در اظهار
ارادت مستد
وجود مانع است
نه عدم تعقی
در مرقوم
مرقوم شری
راجع
تکلیف بعضی
هر روز دیکر
مرقوم داشته
بودید جواب
بعضی ششم
بعد
مجلسه کردم
در رکعت شایده
رهنمای الهی
بهتر باشد
از آن عینه
رفع ید و این
عینه را تا
نایز ششم
بهر جهت
را بر این
گشته ام
در بعد
امکان
از جهول و
فرج دین
حمایت تمام
دایره جرات
و بهر حال
که است
امرو دنیا
به هر جهت
بهتر خواهد
بود و بعد
از این را
بعضی نیست
بخاطر
لایف ارداتیه
رضاء بناس
ملک مثل
لقمان و
پیش و این
دعا را می
سرود و در
کتاب مذکور
است یک خطی
است
که از ایشان
گفته شده
حقوق صادره
بیه در این
ضرب شده
آن ها نزد
یک یا در
رقبه نماید
از لایه چون
نامی مرتب
خواهد
دکین گمان
بعد از از
فرات است
عالی که از
هر در در
هر است
و حق شمس
بهر متشرع
و منون شدم
خداوند
بابرک و
تعالی

۲۹ شهر ربیع الاول

۱۳۷۰

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می‌رساند: ان شاء الله تعالی وجود مبارک قرین صحت و عزت و سعادت بوده باشد. چندی قبل مرقومه محترمه زیارت، قبل از آن هم عازم عریضه نگاری بودم. متأسفانه کثرت ابحاث برای امور ضروریه عرفیه هم مجال نمی‌دهد. از تأخیر، معذرت و از الطاف عالی متشکر، خدا شاهد است که قصور در اظهار ارادت مستند به وجود مانع است، نه به عدم مقتضی. در مرقومه محترمه شرحی راجع به گلایه بعضی دور و نزدیک مرقوم داشته بودید. جواب مفصلی نوشتم. بعداً ملاحظه کردم که در سکوت شاید رضای الهی بهتر باشد. از آن عریضه رفع ید و این عریضه را ثانیاً نوشتم. احقر همت را بر این گماشته‌ام که به قدر امکان از اصول و فروع دین حمایت نمایم و این امر ان شاء الله تعالی کفایت امور دنیا و آخرت احقر را خواهد نمود. بعد از این ما را غمی نیست و علی الظاهر کما فی الروایة رضاء الناس لایملک، مثل لقمان و پسرش و الاغ سواری معروف و در کتاب وافی مذکور است. بلی یک مطلب هست و این که گاهی از انسان غفلة منافی حقوق صادر شود. البته در این صورت لازم است آن آقای نزدیک یا دور تنبیه نماید، از گلایه چه فایده مترتب خواهد شد و کیف کان جداً از فرمایشات عالی که از دور در فکر احقر هستید و حق شناس هستید، تشکر و ممنون شدم. خداوند تبارک و تعالی بر توفیقات آن جناب بیفزاید. و اما در موضوع بحث مکاسب بسیار پشیمان شده‌ام و مزاج تحمل ندارد. چیزی که احقر را بر این مطلب وادار نمود، این که جمعی از مستعدین طلاب اظهار داشتند که بحث مکاسب متروک شده و مورد حاجت آنها است. تقریباً خود را ملزم بر این بحث دیدم. خیال دارم تابستان را تعطیل کنم، تا زمستان آینده خدا چه بخواهد.

محضر شریف آقای والد - دامت برکاته - و جناب آقای آقا مهدی^۱ - حفظه الله تعالی -

عارض سلام و مخصوصاً التماس دعا دارم والسلام علیکم و رحمة الله برکاته

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

۱. مرحوم دکتر سید مهدی روحانی.

www.takbook.com

۶ شهر ربیع الثانی / ۱۳۷۰ بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض می‌رساند: بعد از تقدیم مراتب مرسومه و استعلام از صحت مزاج شریف خاطر شریف را مستحضر می‌دارد که یک هفته قبل عریضه‌ای به خدمت عالی ارسال، الیوم هم رقیمة محترمه غیر موزّخه زیارت، ضرورت ایجاب کرد که جواب او را فوری بنویسم. ان شاء الله تعالی از حقیر نسبت به جنابعالی بی‌ارادتی نخواهد شد.

اگر در جواب رقیمة تأخیر می‌شود از بی‌اخلاصی و العیاذ بالله از بی‌اعتنایی نیست. غالباً احقر نمی‌رسم و جواب مکاتیب تعطیل می‌شود. چندی قبل ملاحظه کردم که جواب‌های لازمه تأخیر شده، قسم خوردم تا ده شب هر شبی یک مکتوب بنویسم. یکی از آنها مکتوبی بود که به خدمت عالی ارسال داشتم. جنابعالی نور چشم احقرید. عزت شما عزّت من است. بعد از مردن، حیات من به حیات شماها است. نتیجه عمر و زحمات احقر جنابعالی و امثال آن جناب است. چگونه متصوّر است که احقر کم‌اعتنایی به شماها بنمایم. احقر که از دنیا خیری ندیده‌ام به جز تربیت چند نفر که به منزله اولاد و ثمره قلب احقرند. دو مطلب مرقوم داشته بودید که بعضی از طلاب مراجعین یکی راجع به رساله جبر و تفویض و دیگری راجع به سفارش بعضی و تشویق طلاب به حضور بحث ایشان از احقر نقل نموده‌اند. جای عجب نیست. زیرا که تا حال از قبل احقر از این نقلیات زیاد بوده و لیس هذا بأول قاروره، بلکه جای تعجب این که جنابعالی باور فرموده‌اید. هر دو مطلب برخلاف واقع و کذب محض است. اگر ناقل اشتباه نکرده باشد، دروغ گفته است. بنده از هر دو مطلب خبر ندارم. به فرض محال اگر احقر راجع به مقامات سرکار در مواضع مناسبه اظهاراتی هم ننمایم، بایستی نعوذ بالله توهمین کنم؟ بسیار تعجب می‌کنم که چه طور جنابعالی باور کردید و به احقر نوشته و تقریباً یا تحقیقاً گلایه فرمودید؟ به قدری که جنابعالی از سماع این دو مطلب متأثر شده‌اید، شاید از باور کردن شما، احقر بیشتر متأثر شدم. راجع به طبع حاشیه مکاسب از قبل احقر مانعی نیست و مقتضی هم دارد و گمان می‌کنم بعد از تبیض اگر احقر ملاحظه نمایم، بهتر باشد، ولی به شرط این که جناب آقای اخوی سرکار یا شخص دیگر که از این مطالب سابقه داشته باشد، روزی مقداری از آن را در معرض ملاحظه بگذارد و اگر چنین باشد که خود جنابعالی ایام تعطیل را مشرف شوید و این مطلب انجام داده شود، شاید اولی باشد و ضمناً معلوم باشد که اگر امر تبیض را به دیگری واگذارید، بهتر خواهد شد، زیرا که هر چه خط خوانا باشد، برای ملاحظه ←

www.takbook.com

→ و طبع بهتر خواهد شد. زیاده از این تصدیع ندهم، خدمت حضرت آقای والد - دامت برکاته - و جناب عمدة الافاضل آقای آقامهدی - حفظه الله و کل من رأیت الصلاح فی تبلیغ سلامی الیه -، عارض سلام و از همگی التماس دعا دارم.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

ابوالقاسم الموسوی الغوثی

مجدداً معروض می‌دارد، چنانچه آقای ایروانی نقل کرده، اخیراً نظر احقر بر این شد که در موارد عدم قدرت به تمام اجزای صلوٰة و اضطرار به ترک یکی از دو یا سه جزء مثلاً از موارد تعارض است و از حسن نظر عالی که به این مطلب برخورد، بسیار مشعوف و شکر الهی نمودم که بحمدالله توانستم چنین افکاری را به راه ترقی وادارم. ذلک فضل الله و له المنة والحمد.

و اما نتیجه این تعارض این که مقتضای اطلاق کل من الدلیلین ثبوت مفاده فی مفروض المثل و التعارض بما انه بالعموم من وجه، فلامحالة یسقط کل من الاطلاقین فیرجع الی الاصل و یرفع خصوصية کل من الامرین مثلاً باصالة البرائة فیثبت التخییر هذا فیما کان لكل من الدلیلین اطلاق و الا فالمتبع هو ما له الاطلاق فاذا دار الامر بین ترک الاستقرار الثابت وجوبه بالاجماع و ترک شیء آخر مبادل دلیل لفظی علی وجوبه کان المتعین سقوط الاستقرار. نعم لو فرض العموم اللفظی فی کل من الدلیلین وجب الرجوع الی مرجحات باب المعارضة کما انه اذا کان العموم فی احدهما دون الاخر لزم الاخذ به و لیبان التفرقة فی موارد التعارض بالعموم من وجه بین کونهما عامین و کونها مطلقین حیث ان مقتضی القاعدة فی الاول الرجوع الی المرجحات و فی الثانی التساقط و الرجوع الی الاصل او العموم او الاطلاق الفوقین. محل آخر که این مختصر گنجایش بیان آن را ندارد. به آقای اخوی عرض می‌کنم به خدمتتان بنویسند، قبول می‌کند یا نه، خود می‌داند. اگر قول نداد کسی دیگر را و ا می‌دارم بنویسد.

مرقومه‌ای که این مسئله را داشت، تاریخ نداشت. البته بعد از این تمام مکاتیب را تاریخ هم بگذارید، فواید زیاد دارد.

157.

سید علی حسینی

[illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

۸ شهر شوال المکرم

۱۳۷۰

بسمه تعالی

عرض می‌شود: پیوسته صحت‌مندی و تندرستی جنابعالی را از درگاه ایزد متعال خواسته و خواهانم و ان شاء الله وجود مبارک از جمیع بلیات مصون و محروس و در ظل عنایات و توجّهات خاصه ولی عصر - ارواح العالمین له الفداء - موفق به نشر و ترویج شریعت مقدسه بوده باشید. از حالات داعی خواسته باشید تا حال صحت جسمانی حاصل و ملالی نیست و به سلامت در حرم مطهر مولی الموالی دعاگو و نایب الزیارة بوده و می‌باشم. ضمناً رقیمه شریفه حضرت تعالی که حاکی از سلامتی وجود مبارک بود در چند یوم قبل واصل و از مضمونش اطلاع حاصل نموده، خیلی خوشوقت شدم. اما راجع به تفسیر که نوشته بودید، قدریش مبیطه شده و هنوز مقدمات تکمیل نشده و قبل از تکمیل مقدمات میل به نشرش ندارم، ان شاء الله دعا کنید که تکمیل شود. و اما راجع به نوشتن جواب نامه که فرموده بودید کسی دیگر بنویسد، این اولین مرحله است. تبلیغ سلام خدمت آقای اخوی - سلمه الله تعالی - که در عهده مرحمت سرکار می‌گذارم و چون مدتی بود که از احوالات حضرت اخوی اطلاع نداشتم و در نیمه شعبان خدمت حضرت حجة الاسلام آقای ابوی - دام ظلّه - کاغذی نوشته و تبریک ورود ایشان و استفسار حالانشان که نموده بودم، در ضمن عرض سلام به جناب محترم آقای اخوی و به حضرت تعالی عرض کرده بودم. و بحمدالله تعالی از خود حضرت آقای اخوی کاغذی داشتم، رفع نگرانی شد. ولی تا حال از خود حضرت آقای والد جواب نرسیده و به خدمتشان عرض سلام و اظهار ارادت می‌نمایم. خدمت جناب آقای آقا مهدی - حفظه الله تعالی - عارض سلام و از همگی التماس دعا دارم، والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

٢٥ شهر صفر الحز

بسم الله الرحمن الرحيم

[illegible]

مردم ام دیگر به ایشال جنبه را در حوزه علمیه با دیگران گذاشته ام خدمت مکتب

۵. دلدادہ است بر کائنات و حجاب بقا ہے روح حق خوئے دہشت و فضا ہے غم

و اما بعد اتمام از هر حدیثی که مستحق باشد باین باب بمقتضای

نشده و از مزایای بهتر و در آن راه رفتن با ده لایحه و از آن به بعد به فضل

اور صلیح خود ز اعلیٰ عرض ہے جا فرماتے وہاں سے داسم داسم علیکم وعلیٰکم السلام

ابو الحسن امدادی لکھو

۲۵ شهر صفر الخیر

۱۳۷۱

به عرض عالی می‌رساند: ان شاء الله تعالی وجود مبارک قرین صحت و سعادت و عزت و عافیت بوده باشد. محترم مرقومه مبارکه مورخه ۱۳ جاری حاکیه از سلامتی مزاج شریف و از عواطف آن جناب واصل، بسی مسرور و متشکر، بحمدالله بلایی رسیده بود از برکت ادعیه صالحه آقایان و توجهات خاصه حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه - رفع شد. فشکراً له مادامت السماوات و الارض.

از اشتغالات جنابعالی بسی مسرور و خوشنود می‌باشم. امید است به فضل الهی پیوسته موفق به خدمت شرع مقدس باشید. حقیقه دلم به این خوش است که اگر اجل رسید، بی‌نتیجه نمرده‌ام و بحمدالله امثال جنابعالی را در حوزه علمیه به یادگار گذاشته‌ام. خدمت شریف آقای والد - دامت برکاته - و جناب مستطاب آقا آقاشیخ صادق خوئی^۱ - دامت توفیقاته - عارض سلام و التماس دعا دارم.

از آقای آقا شیخ صادق بسی معذتر، حق با ایشان است. محبت‌های ایشان فراموش نشده، ولی از موانع احقر و گرفتاری‌های فوق العاده اطلاع ندارند. امید است به فضل الهی همه امور اصلاح شود. زیاده عرض قابلی نداشته و التماس دعا دارم.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته
ابوالقاسم الموسوی الخوئی

۱. مرحوم آیت الله حاج شیخ صادق خویی، از فضلاء مشهور حوزه دینی آیت الله العظمی حجت و عالم بزرگ شهر خوی.

مهر و مهریام سلطان

بسم الله الرحمن الرحیم

فایده

بمهر علی میرزا و در روزی که از نوارت میرزا میرزا

با کسوف قندهار نوارت و جواب کسوف ارس است

از طاباک که نشسته باشد بهر استحضار من است

مروم عزیز است و حبابه لاله طالع و عزت و دین

عزیز فرموده و هر که از احوال من مخوم یا لاله

دشمن که هر روز در دم رفته بود به رسم است بهر من

و بهر از دست کثرت شغل و معذرت و بهر خیر طبع

از نمرده اما راجع به کسوف به طالع که نکرده حاج میرزا

خود من خبره نموده بود تعبیه مان هم باید رفقا را می

ایشان عمر و طبع خود بکنند و من است به هر یک

یا سوره در این نکرده ایم که حکم طالع را

صفا طالع از آن در این صفت نکرده اند شکر

و عنونم و از حضرت کار و به رفیق است

قبل نوارت و جواب بهر شد در خانه سردار است

بسم الله الرحمن الرحیم
مهر و مهریام سلطان
بمهر علی میرزا و در روزی که از نوارت میرزا میرزا
با کسوف قندهار نوارت و جواب کسوف ارس است
از طاباک که نشسته باشد بهر استحضار من است
مروم عزیز است و حبابه لاله طالع و عزت و دین
عزیز فرموده و هر که از احوال من مخوم یا لاله
دشمن که هر روز در دم رفته بود به رسم است بهر من
و بهر از دست کثرت شغل و معذرت و بهر خیر طبع
از نمرده اما راجع به کسوف به طالع که نکرده حاج میرزا
خود من خبره نموده بود تعبیه مان هم باید رفقا را می
ایشان عمر و طبع خود بکنند و من است به هر یک
یا سوره در این نکرده ایم که حکم طالع را
صفا طالع از آن در این صفت نکرده اند شکر
و عنونم و از حضرت کار و به رفیق است
قبل نوارت و جواب بهر شد در خانه سردار است

مورخه ۹ شهر صیام سنه ۷۱

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می‌رساند: مرقومه محترمه که حاکی از تأثرات قلبی آن جناب در این فاجعه^۱ بود، با یک تلگراف قبلاً زیارت و جواب تلگراف ارسال شد، شاید از لحاظ مبارک گذشته باشد. امید است حضرت حق سبحانه آن مرحوم را غریق رحمت و جنابعالی را طول عمر و عزت و توفیق عنایت فرموده و احقر را از اجر صابرین محروم ننماید.

اما اشکالاتی که بر بنده مرقوم رفته بود، بر سه قسم است. بعضی مبنی بر تسامح و بعضی از جهت کثرت مشاغل و معذوریت و برخی چون اصلاً وظیفه احقر نبوده.

اما راجع به تلگراف به طهران آقا زاده حاج میرزا عبدالله خودش مخابره نموده بود و بقیه آقایان هم باید رفقای اینجایی ایشان عمل به وظیفه خود بکنند و مناسب نیست که احقر سبباً یا مباشرتاً در این تلگرافاً مخابره کنم. علی کل حال بنده از آقایان که اظهار لطف و اشتراک در این مصیبت نموده‌اند متشکر و ممنونم و از حضرت آقای والد رقیمه تسلیت چند روز قبل زیارت و جواب تقدیم شده. در خاتمه سلامتی آن جناب و عموم متعلقین را از درگاه حضرت احدیت - جلّت عظمته - خواستارم، والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

۱. مقصود، ضایعه درگذشت مرحوم آیت الله حاج سید علی اکبر خویی - والد معظم آیت الله العظمی خویی - است.

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می‌رساند: انشاء الله تعالی با صحت و عافیت مشمول الطاف خاصه حضرت حق سبحانه و منظور نظر مقدس حضرت ولی عصر- عجل الله تعالی فرجه - بوده باشید و امید است به فضل الهی در اثر مجاهدات دینیه عزیز الدارین و در ضمن مجاهدین محسوب گردید. دو مرقومه محترمه مورخه ۵ شهر جاری و بیستم زیارت، گویا مرقومه اولیه بلکه ثانیه نیز در پست قدری تأخیر کرده بود. از مطالب مندرجه هر دو مطلع و از درگاه حضرت احدیت به آن جناب طلب خیر و عافیت و حسن عاقبت نمودم. راجع به آقای حاجی سید موسی مازندرانی^۱ شرحی مرقوم داشته بودید معلوم شد همان طوری که فرموده‌اید به مقداری که با تکلیف منافات نداشته باشد احقر در تجلیل و تبجیل ایشان حاضر و این مطلب هم متوقف بر اظهار لطف ایشان نیست ولی این مطلب واضح است که برای احقر معامله نمودن با مردم با حساسی که خودشان نسبت به خودشان می‌کنند، میسر نیست ولی البته بعد از جهات شرعیه ملاحظه جهات عرفیه نیز شود و به قدر امکان نباید خلاف توقع رفتار نمود و اما راجع به اجازه اجتهاد، جنابعالی مسبقاً که احقر این باب را بر خود سلّم نموده‌ام، بلی اگر کسی را مجتهد بدانم در مواقعش لساناً گفته و خواهم گفت انشاء الله تعالی اگر جناب آقای معظم له به اجازه امور حسسیه مجلله حاضر باشند از قبل احقر مانع نیست، عاجلاً چیزی برای ایشان نوشتم تا از جناب عالی خبر برسد. اجازه آقای سید جلیل در جوف ارسال می‌شود، از آن جایی که مکاتبه ابتدائیه را میل نداشتم فقط اجازه را به خدمتان ارسال نمودم جنابعالی بفرستید. عدم ارسال غلط نامه و تقریرات از جهت مسامحه واسطه شد فردا انشاء الله تعالی با همین عریضه ارسال می‌شود. راجع به خودداری از اجازه دادن البته همین طور است که مرقوم داشته‌اید کمال ملاحظه را دارم. از گزارشات خوی مطلع شده از آقایان متشکر امید است حضرت حق سبحانه جزای خیر عنایت فرماید. از معامله قند ریز و مشهدی عبد مناف مسبوق، قبض در جوف ارسال خدمت است. علی الظاهر برای طبع حاشیه عروۃ که از حواشی معموله خیلی مفصل تر است حاجت بر وجه خواهد شد، اگر وجهی رسید برای آن جهت باشد.

۱. مرحوم آیت الله حاج سید موسی مازندرانی - شوهر خواهر آیت الله العظمی روحانی - صاحب کتاب «العقد المنیر فی ما یتعلق بالدرهم والدنانیر».

عظمتا مہرہ درجوف تقریرات ارباب شد

و راجع به آقا شیخ ابوالفضل خونساری^۱ آنچه صلاح بدانید عمل نمایید، ممضی است آقای ماکوئی رساله منتخب الاحکام آقای حجت را فرستاده بود، حاشیه نمودم و فرستادم. بنا بود حاشیه را مستقلاً طبع و به کتاب منظم نمایند. تفسیر فعلاً غیر مرتب و مقدار کثیری هم ناقص مانده و ننوشته‌ام، اهتمام حقیر بر این است که مقدمه را تهذیب کرده، طبع شود. در وضعیت غیر از مراجعات مکتوبی و کثرت استفتاء تغییر ظاهری نیست. از حضرت حق سبحانه توفیق می‌خواهم و از این که مرقوم داشته بودید بحمدالله وضعیات شما تنزل نکرده است بسیار مسرور شدم زیرا که زیاد در فکر شما بودم و کراراً از حضرت حق سبحانه استمداد و استعانت نموده‌ام. امید است مقرون به اجابت گردد، عریضه را ختم کرده و مخصوصاً التماس دعا دارم، والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

غلط نامه‌ها در جوف تقریرات ارسال شد.

۱. آیت الله حاج شیخ ابوالفضل خوانساری - از علمای حوزه علمیه قم -

بسم الله الرحمن الرحیم
 بحسب تقوای اراده و نیابت برادره حضرت حق صبر و صبر
 نظر در قلم مدتی است خود هر مایه و خاسته ای بختگر گشته ای رسید
 که از عهد آنها وقت بر عزم تمام شد برادر و برادران از این مصلحت
 غیر ترقیه تا شرافت و انانیت را چون در قلم که در نزد قلم
 آن راجع بکتاب می باشد بطرف خود و تمام شرف و مقام بدست آورده
 از طرف ایشان چیزی را بقتل رسیده است و حسب دست هم نخواهد شد
 که به بر موفقی نشاید در ایام عید تقسیمین طبع بدیده ایست
 ان شاء الله بقیه موفقی خواهد شد و ان شاء الله از ان شاء الله
 اصل خواهد بود تقسیم تمام خواهد بود در راه بزرگ تقسیم کرد
 و از راجع آن حال نیز در دست تمام داد و مال به اوضاع عالی
 و قریب دارد و در آن که میفرماید خود که اگر از جهات
 در رفت بستم از جهات دیگر که به خوب است و موفقی
 بودید از قرار مصلحت آخر و بعدی بر او طبع خوبی و طبع کمال
 غیر انجاب در آن ده ام از نصرت این عمل است و زنده

بسم الله الرحمن الرحيم

بر حسب مقهوریت اراده بنده نسبت به اراده حضرت حق جل و علا عریضه ظهر ورقه مدتی است نزد احقر مانده خواسته ام تکمیل کنم، مانع رسیده است که از جمله آن ها فوت مرحوم آقا علی شاهرودی بود. تاکنون از این حادثه غیرمترقبه متأثر، انا الله و انا الیه راجعون. در مرقومه ای که در خود مرقومه و پاکت آن راجع به مکتوب سمعی به طرف خود در قم و شرحی مرقوم داشته بودید تا حال از طرف ایشان چیزی به احقر نرسیده است و حسب عادت هم نخواهد رسید. بحمدالله موفق شده اید در ایام عید تقسیمی بین طلاب نموده اید، امید است ان شاء الله بیشتر موفق خواهید شد. و اما احقر از ماه شوال گذشته تا ماه مبارک امسال نتوانسته بودم تقسیمی بنمایم خواهی نخواهی در ماه مبارک تقسیمی کرده و از توابع آن تا حال نیز راحت نشدم والامر الی الله، اوضاع مالی بنده هیچ تعریف ندارد و مع ذلک شکایتی ندارم زیرا که اگر از جهات مادی در زحمت باشم از جهات دیگر بحمدالله خوب است. مرقوم داشته بودید از قرار مسموع احقر وجهی برای طلاب خوی و طسوج توسط غیر آن جناب فرستاده ام از مصلحت این عمل استفسار فرموده بودید. چنین مطلبی واقعیت ندارد البته ملاحظه می فرمایید جایی که این مسموعات کاذبه در آن جناب تأثیر کند در دیگران چه خواهد کرد و قس علی ذلک باب فعلل و تفعلل.

در موضوع صبیّه آقای حاجی سید موسی، آقای اخوی آن جناب با احقر مذاکره ای نمودند. بعضی از آقایان تجار امسال در نجف اشرف مشرف بودند، با آنها مذاکراتی شد شاید نسبت به طلاب قم و آذربایجانی ها بی نتیجه نباشد و در صورت انتاج البته توسط آن جناب خواهد شد. مرقومه اخیر که غیر از طلب دعا چیزی نداشت زیارت و مخصوصاً برای آن جناب دعای خیر نمودم، امید به فضل الهی این که مقرون به اجابت گردد.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته
ابوالقاسم الموسوی الخوئی

[illegible]

مورخه ۱۳ محرم الحرام سنة ۷۲

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض می‌رساند: رقیقه شریفه که مشعر بر سلامتی آن وجود محترم بود واصل و زیارت شد. امید است حضرت حق سبحانه جنابعالی را با سایر متعلقین از تمام آفات و بلیات محفوظ و سالم بدارد، از احوالات حقیر جويا باشید بحمدالله به نعمت صحت متنعم امیدوارم از آن جانب نیز بدین منوال درگذر بوده باشد ولی از قراری که چندی قبل آقای اخوی آقای آقا سید محمد می‌فرمودند و بنده زاده آقا سید جمال نیز از تهران نوشته بودند که جواب تلگراف شما و آقایان انصاریان^۱ نرسیده ولی بنده جواب را مخابره نموده بودم ولی چون کوبیه بوده، شاید تلگرافچی اشتباهاً تمام آنها را خدمت مرحوم حضرت آیت‌الله آقای خوانساری تقدیم نموده و از ایشان نیز متعجبم که چرا این مطلب را به شما اظهار نفرموده‌اند. لذا از شما خواهشمندم که این مطلب را به آقایان انصاریان نیز ابلاغ نمایید. راجع به موضوع آقای کاشانی حسب الامر به خدمت ایشان عریضه‌ای ارسال و به مناسبت قدوم از سفر حج تبریک عرض کردم تا حال جواب نرسیده ولی دیر هم نشده بسیار میل دارم که جنابعالی که محبت شما به احقر الهی و جنبه دنیایی ندارد به نجف اشرف مشرف و حال احقر و کارهای زیاد بی‌معاون را ملاحظه فرمایید به رأی العین خواهید دید که عدم ادای وظیفه نسبت به آقایان قصور است نه تقصیر و ما غلب الله علیه فهو أولى بالعذر انالله و انا الیه راجعون. محضر محترم حضرت آقای والد - دام بقاه - و آقایان اعمام آقای آقا مهدی و سایر فامیل محترم و آقایان دوستان تبلیغ سلام منوط به لطف سامی است. التماس دعا داریم، والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

۱. حضرات آیات: حاج شیخ احمد انصاری و حاج شیخ محمود انصاری قمی - قدس سرهما - هر دو از علمای نجف اشرف و اعیان تلامذه آیت الله العظمی خوئی بودند، حاج شیخ احمد انصاری به دست رژیم بعث عراق به شهادت رسید.

بسم الله الرحمن الرحيم

www.takbook.com

۲۲ ج ۱

۱۳۷۲

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می‌رساند: ان شاء الله تعالی در تحت توجهات حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه - وجود مبارک و عموم فامیل محترم به سلامتی قرین عزت و سعادت بوده باشد. محترم مرقومه مبارکه مورخه ۱۱ شهر جاری زیارت از الطاف مبدوله بسی تشکر و زیاده بر سابق توفیقات و تأییدات عالی را از درگاه حضرت احدیت خواستار شدم. راجع به تنهایی آن جناب و اینکه ثانی پیدا نشده و ملاحظه جهات دنیویه نموده‌اند، البته بر جنابعالی مخفی نیست که از روز اول از خود گذشتن در راه دین و حقیقت و عمل به وظیفه شرعی کار هر کس نبوده و کم شخصی پیدا شود که مصلحت دینی را بر مصلحت شخصی مقدم بدارد و لکنه جلت عظمته و عد فی صریح کتابه العزیز بنصرة من ینصره و هو الغالب القاهر؛ و جد بزرگوار ما حضرت ابی عبدالله الحسین - علیه السلام - می‌فرماید: الناس عبید الدنیا و الدین لعق علی السنتهم یدورونه حیث مادرت معایشهم الخ. و کیف الحال از حضرت احدیت خواستارم که احقر و جنابعالی و سایر خدام دین مطهر را بر خدمت دین موفق و از شرانس و جن محفوظ بدارد. راجع به حاشیه عروة الوثقی مرقوم داشته بودید حاشیه کتاب صلوة خلاص شده و حاشیه کتاب طهارة در حدود ثبت است با کثرت اباحت و اشغال به جدیت مشغولم امید است به فضل الهی تا آخر شهر صیام ان شاء الله تعالی انجام بگیرد. و اما رساله مطبوعه آنچه لازم باشد به جناب مستطاب آقای حاجی سید عبدالحمید ماکویی در تهران مرقوم دارید خدمت شما ارسال می‌دارد، بنده زاده سید جمال جواب مرقومه عالی را یا در ضمن همین عریضه یا مستقلاً ارسال می‌نماید. مخصوصاً محضر محترم حضرت آقای والد - دامت برکاته - و جناب ثقة الاسلام آقای آقا مهدی - ایدیه الله تعالی - عارض سلام و التماس دعا دارم، والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

www.takbook.com

۳ صفر الخیر

۱۳۷۴

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می‌رساند: ان شاء الله تعالی مزاج مبارک در کمال استقامت و عین عافیت بوده و ملالی نخواهید داشت. امید است پیوسته خوش و خرم و با عزت و سعادت قرین و توأم و به تأییدات غیبی مؤید، در اثر توجهات حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه - موفق و از جمیع بلیات محفوظ باشید. از احوالات اینجانب خواسته باشید، بحمد الله نعمت صحت مقرون به قدری ضعف، برقرار و تازه‌ای نیست. رقیمه کریمه که حاکی از سلامتی و مشعر بر عودت آن جناب به قم بود، واصل و از مضمونش اطلاع حاصل گردیده، از محبت‌های شما ممنون و متشکرم.

لابد این کاغذ در قم از لحاظ مبارک خواهد گذشت. ضمناً سه عدد اجازه نامه خواسته بودید، آنها را نوشته و جوفاً تقدیم شد. راجع به عکس‌برداری کاغذ آقای کاشف‌الغطاء یکی از اطرافیه‌ای ایشان اصل کاغذ یا یک نسخه عکس از ما خواسته بود و اما بیشتر از یک نسخه احقر نظری ندارم، امر موکول به صلاح دید آن جناب است.

۱. تقدم على ربح كل مرقع يثبت بدنه من شعرات نيكه من اوراق
والزبد و مرقع كعين بيده يكونه وجود تغير في جبهه ليرت و فناء
من شعرات فاعلم ان شعرات ريش كبر كرا من شعرات من شعرات
۲. و ان شاء الله تعالى
التي في نهايت الشعر كبر و در شعرات كبره به جود شعرات كبر شعرات
من شعرات و كبر شعرات و كبر شعرات كبر شعرات كبر شعرات

[illegible]

که جامع بنی آنها خداوند است و خبر از دستهای که است که جامع آنها بود و
باشد و که باقی که صورتی همانند با خبر از قسم اول و جهت هر دو است
و اسم علم در دست هر دو است و آنها که در دست

نمی دانم مراد از ارجاع تمام امورات در ایران چه بوده که مورد اعتراض گردید. آقای آقا رضا خلخالی^۱ عازم تهران بود. توسط ایشان عباي تابستانی ارسال شد. قبلاً از این مطلب سابقه نداشتم. مناسک حج که خدمت عالی ارسال شده بود، امید است تا حال رسیده باشد. واسطه در نظرم بود، ولی فعلاً در نظرم نیامد. جواب دو مسئله هم در ذیل عرض می شود. راجع به حاشیه عروه خیلی کم از کتاب طهارت مانده که تمام شود. ان شاء الله عنقریب بعد از اتمام صلوٰه و طهارت را از جهت طبع به تهران ارسال خواهم داشت. تأخیر جواب را خودتان منشأ آن را می دانید، البته قبول معذرت خواهید نمود.

۱- تقدیم سال ریح که مرقوم داشته بودید، محل اشکال است، زیرا که سال امر واقعی است و از مبدأ شروع در تجارت تعین پیدا می کند و جواز تغییر محتاج به دلیل است و آن هم مفقود است. فعلی هذا لازم است آن دو شریکین هر کدام سال خودش را ملاحظه نمایند.

۲- و اما مسئله راجعه به تلفن، اگر مراد شما در این مسئله این است که گوشی و سیم هایی که اتصال تلفن به آنهاست، مال کسی بوده و دیگری غصب کرده، البته مجرد استعمال آن هم تصرف در مال غیر است و حکمش معلوم و اگر به نحو دیگری است که ما خبر نداریم.

در موضوع اقدامات از نجف اشرف بر علیه احقر شرحی مرقوم داشته بودید، این موضوع تازگی نداشته و از اوایل سن احقر ادامه دارد. کثیراً متذکر فرمایش حضرت علی اکبر - سلام الله علیه - می شوم، عرض کرد به محضر والدش - اروحنا له الفداء - أولسنا علی الحق؟ قال بلی. فقال اذا لانبالی اوقعنا علی الموت ام الموت وقع علينا. امیدوارم به فضل الهی یک چیزی از این معنی در احقر هم باشد. اگر عمل تکلیف شده باشد، باقی سهل است و این مطلب هم نزد احقر واضح است که اگر انسان یک دوست داشته باشد که جامع بین آنها خدا و دین باشد، بهتر از دوست های کثیر است که جامع آنها امور دنیویه باشد و بحمد الله تعالی حضرت حق سبحانه به احقر از قسم اول مرحمت فرموده است، والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

۱. شهید آیت الله سید رضا خلخالی از علمای نجف اشرف و نویسنده تقریرات آیت الله خوئی به نام «معتمد العروة الوثقی».

[illegible]

غره ج ۲
۱۳۷۲

به عرض عالی می‌رساند: ان شاء الله تعالی وجود مبارک قرین صحت و عافیت و به توفیقات خاصه الهیه موفق و منظور نظر مقدس حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه - بوده باشید. محترم مرقومه مورخه ۲۲ شهر ج ۱ زیارت، از آن جایی که مشتمل به مطالب عدیده است یکی یکی جواب عرضه می‌دارم:

۱- از الطاف آن جناب بسی متشکر، گمان می‌کنم اگر یکی از دعاهاى احقر در حق جنابعالی مستجاب شود و هو المأمول منه سبحانه برای دنیا و آخرت شما کافی شود.

۲- در موضوع دعوت احقر به قم شرحی مرقوم داشته بودید از احساسات آقایان که کاشف از تقدیر علم و علاقه آنها به تحصیل و اقامه حوزه مقدسه است، زیاده مسرور، در این موضوع سه مطلب است: یکی اینکه بی‌اشکال جهات دنیویه در قم مربوط به جهات نجف اشرف نیست و البته از همه لحاظات دنیوی برای احقر آنجا خوش‌تر است ولی این جهت در وقتی مرجع است که خلاف رضای الهی نباشد. دیگری اینکه حرکت احقر از نجف، حوزه اینجا را صدمه فوق العاده وارد خواهد ساخت بلکه به نظر بعضی‌ها بیش از این است. سیمی اینکه حرکت احقر موجب خدمت به حوزه مقدسه قم خواهد شد البته این دو جهت مزاحمت می‌نماید، نمی‌دانم ترجیح کدام فعلاً موجب رضای الهی است. البته بعد از تمامیت مقتضی به فضل الهی از تکلیف تجاوز نکرده و آنچه را که رضای الهی را در آن احراز کرده باشم ترجیح خواهم داد. لابد جنابعالی می‌دانید در فرضی که احقر به قم حرکت نمایم جمعی هم از اهل علم نجف حرکت خواهند کرد و البته این کار به ضرر نجف تمام خواهد شد. پس باید با کمال دقت و مطالعه و مشاوره و استخاره چیزی گفته شود. از حضرت حق سبحانه خواستارم که رضای خود در هر چه باشد او را در حق احقر مقدر فرماید. مطالب دیگر می‌گذرد آنچه که اهمیت دارد تحصیل مرضات حق سبحانه می‌باشد.

۳- راجع به رساله مرقوم داشته بودید دوباره چاپ شود، فعلاً حاجتی نیست زیرا که نسخ آن زیاد است و به بنده زاده سید علی می‌نویسم هر قدر جنابعالی خواسته باشید خدمتتان از تهران بنویسد. میل دارم اگر ثانیاً طبع شد ابسط از این بوده باشد. مکتوبی در جوف به بنده زاده ارسال می‌شود توسط مسافر و به ایشان ایصال فرمایید و خودتان هم چیزی مرقوم دارید هر مقدار نظر مبارکتان باشد تعیین نمایید. جناب آقای میرزا ابوطالب فاضلی و آقا میرزا آقا بستان آبادی تبریزی که از رفقای آقای آقا میرزا محمدعلی شرایبانی است و خود آقای شرایبانی هم مقداری رساله خواسته‌اند. البته آنها را هم ملحوظ داشته به تهران مرقوم دارید اگر غلط نامه آنجا باشد فيها و الا از نجف خدمتتان می‌فرستم در صحیفه ۶۱ سطر ۳ چنین نوشته شد:

(پس آنکه در روزی آن روز نزل و موجب حضرت الهی و حوط جمع است و عراب ارفوایه میسازد
نمیکنند و حضرت مسیح بنیامین علیها السلام را خطا کنند و بآیه این باشد در (پس درین روز نزل و حوط جمع)
میدانم نزد مصطفی بنام محمد یا خیر در فضیله و با موصیای که گفته شد معنی است و عراب برین دل دادن است
تفسیر را بنام زاده ده و در هر سید عبدالمجید که سیدانند + راجع خبر شریقی و مرقم شده بود و بعد از آن در
با عراب و مکتب خود بکنیم و در آن خود سیدانند و عراب خوشان اسراریم و خداوند عالم همه را عاقبت بخیر نماید ۵ خاتمه عوده
با محبت و اسامی متوال تمام است و آیه تالی تا آخر ماه یک اسامی باید و در تالی اسامی اسودام ۵ راجع
با مکتب عرابه نصیحت مرقم شده بود و در هر یک از اسامی تفسیر الهی که در آن است و بعد از همه مرقم شده است و در
و عدادیم و مکتب حضرت ۵ در دهر است و راجع عرابی مسلم و آیه تالی از آنجا که این اسامی را
و مکتب است و در یک اسامی اسودام ۵

فقد و راجع و مکتب عرابه است از این مرقم شده است که در روز
با دست نهاده است این اسامی را که در مکتب عرابی و مکتب عرابی و مکتب عرابی
اسامی را در مکتب و در مکتب عرابی و مکتب عرابی و مکتب عرابی
در مکتب عرابی و مکتب عرابی و مکتب عرابی و مکتب عرابی
نامیم به مکتب زاده و در مکتب عرابی و مکتب عرابی و مکتب عرابی
هر یک از آنجا که در مکتب عرابی و مکتب عرابی و مکتب عرابی
مکتب عرابی و مکتب عرابی و مکتب عرابی و مکتب عرابی
داند

(پس درمیانه آن دو منزل احوط جمع) مستدعی است امر فرمایید اصلاح کنند به نحوی که احقر اصلاح می‌نمایم یعنی کلماتی را خط بکشند که باقی این طور باشد که (پس در میانه دو منزل احوط جمع).

نمی‌دانم نزد آقای مصطفوی رساله بوده یا خیر در فرضی که بوده و به امر جنابعالی گرفته شد مضمی است و حاجتی به پول دادن نیست تفصیل را بنده زاده و آقای حاجی سید عبدالحمید ماکویی می‌دانند.

۴- راجع به خوی شرحی مرقوم داشته بودید معلوم شد ان شاء الله تعالی ما عمل به وظیفه خود می‌کنیم دیگران خود می‌دانند و خدای خودشان. امیدواریم خداوند عالم همه را عاقبت به خیر نماید.

۵- حاشیه عروه را با جدیت و اهتمام مشغول اتمام هستم ان شاء الله تعالی تا آخر ماه مبارک انجام می‌یابد و به خدمتان ارسال می‌دارم.

۶- راجع به اخلاق معاشرتی نصیحتی مرقوم داشته بودید زیاده متشکر، امید است به فضل الهی بهتر از سابق باشد. فعلاً زیاده عرض قابلی نداشته و التماس دعا دارم، مخصوصاً محضر حضرت آقای والد- دامت برکاته - عارض سلام و التماس دعا از جنابعالی و ایشان دارم، والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

فعلاً دو ساعت و نیم به فجر باقی است از این عریضه فارق شدم کار زیاد با دست تنهایی البته این مکاتیب را هم به دیگری واگذار نمود جداً التماس دعا دارم.

ولی معلوم باشد که از روز مقداری تهیه خواب را دیده‌ام موجب نگرانی شما نباشد و عجلتاً هم می‌خواهم قدری استراحت نمایم به بنده زاده دستور می‌دهم یکصد نسخه خدمت شما بفرستد. به هر یکی از آقایان مذکورین بیست نسخه لطف نمایید و چهل نسخه هم خدمت جنابعالی باشد. باز هم لازم داشته باشید مرقوم فرمایید ارسال دارند.

[illegible]

ج ۲۸

۱۳۷۲

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می‌رساند: مرقومه محترمه مورخه ۱۲ جاری زیارت و از سلامتی وجود مبارک مسرور و از الطاف مبذوله متشکر توفیقات آن جناب را از درگاه حضرت احدیت خواستارم. چند روز قبل عریضه‌ای به خدمت عالی ارسال و اجازه نامه و مکتوبی راجع به آقا شیخ علی اصغر سلامت - حفظه الله تعالی - در جوف بود ان شاء الله تعالی رسیده باشد. جریانات آنجا و مذاکرات آقای قاضی و آقا سید علی اصغر خویی و غیرهم معلوم شد و قبلاً هم مقداری معلوم بود و لکل وجهه هو مولیها فاستبقوا الخیرات. مفسرین ضمیر هو به خدا ارجاع نموده‌اند و احقر در بحث گفتم که این معنی با تفریع مزبور نمی‌سازد بلکه مراد این است که هر کس به جهتی از جهات متوجه است پس شما به جهت خیرات متوجه شوید و امور خیریه را در نظر گرفته و استباق نمایند امید است به فضل الهی مقصد همه خیر باشد. تلگرافی که به امضای آن جناب به احقر و آقای حکیم شده بود علی الظاهر بی اثر بوده زیرا که جواب از قبل احقر مناسبت نداشته و علی الظاهر ایشان هم حاضر بر جواب نمی‌شد وداعی هم ندارد بلی احتمال می‌دهم اگر این سؤال کتباً از آقای کاشف الغطاء بشود و با تحفظ بر مقام خودش جواب بدهد زیرا که ایشان به دیگران اهمیت نمی‌دهند. غلط نامه نزد حقیر مقداری است با این عریضه ارسال خدمت شریف می‌شود از تجار تهران نسبت به نجف اشرف تا حال اثر ظاهری نیست البته بعد از عید کاملاً معلوم خواهد شد.

جلد ثانی تقریرات را تحصیل با پست یا مسافر ارسال خدمت می‌شود. آقای حاجی یحیی سلماسی خویی اینجا مشرف است احتمال می‌دهم دو سه روز بعد از تحویل حرکت نماید. از مرقومه سرکار به آقای دهخوارقانی مطلع میل دارم جواب ایشان را هم مطلع شوم در صورتی که محذور شرعی نداشته باشد. آقای آقا سید علی اصغر خویی^۱ چندی قبل راجع به جواب تلگراف، از احقر گلایه کرده بود بعداً به ایشان معلوم شد که اشتباه از تلگراف خانه بوده و مرقومه‌ای هم در این موضوع به احقر نوشته بود نمی‌دانم باز جدیداً گلایه شده یا جنابعالی تازه مسبوق شده‌اید علی کل حال در حق ایشان دعا می‌نمایم.

۱. از علمای تهران.

www.takbook.com

جناب مستطاب حجة الاسلام آقای آقا محمد آقا - دامت تأییداته - از سابق به احقر محبت داشته و اظهار التفات می نمایند و احقر هم کماکان در اظهار محبت کوتاهی نمی نمایم آنچه نشده قصور است مخصوصاً در اثر تمجیداتی که از ایشان می نمودم مورد گلايه بعضی از حاضرین بحث شده و بالاخره به تکدر آنها منتهی شد و این مطلب را هم تا حال به ایشان عرض نکرده ام البته اگر ایشان ملاحظه اذیت بعضی نبود بیش از این شاید اظهار التفات می نمود ولی معذور می باشند. راجع به شبهه عدم سیادت مرقومه داشته بودید مبدأ این حرف کیست می دانم غیر از حسد داعی نبوده، مخصوصاً روزی در حرم مطهر به مناسبت اقتضای مقام از تمام اشخاصی که به احقر تعدی و ظلم نموده اند عفو کردم ولی از این شخص و آخرین تابعین او نتوانستم بگذرم البته در محکمه عدل الهی حساب صاف می شود البته جنابعالی مسبوقید سادات دو قسم می باشند قسمی عادی و قسمی اجاق نامیده می شود. احقر خود در نظر دارم که شب یازدهم محرم الحرام به درگاه منزل ما، از دور و نزدیک شمع می آوردند و می گذاشتند، به مناسبت این که چراغ حضرت سید الشهداء به وجود نسل مطهرش قطع نشد و ما مورد نذورات بودیم البته پیرمردهای خوی از علما و غیرهم در نظر دارند مع ذلک چهل و دو سال بیش نیست که از آن بلد مهاجرت کرده ایم، چنین مناقشه شود انا لله و انا الیه راجعون و سیعلم الذین ظلموا آل محمد محهم ای منقلب ینقلبون. بگذارم و بگذرم فرض کنیم این مطالب هم مورد مناقشه است آیا مناقش ظالم چه می گوید، دعوی می کند که احقر عالماً عامداً دعوی باطل می نمایم این دعوی بر خلاف بداهت است زیرا که از فوت پدر من هنوز یک سال نگذشته و مرد معروف و سالها در خوی و مشهد مقدس، امام جماعت بوده و اگر می گوید که احقر مشته هستم و این دعوی به خلاف واقع است اولاً خودش هم می داند دروغ می گوید، غایه الامر شک کند جزم بر عدم چه علت دارد و ثانیاً اشتباه که مضر به جایی نیست که محل مناقشه شود. البته جنابعالی می دانید احقر از مردم این زمانه، زیاد کشیده ام این یکی را هم بر سابق، عطف می نمایم مهون خطاب این است که این مصائب هدر نخواهد رفت.

در خاتمه تسدیدات و توفیقات آن جناب را از درگاه حضرت احدیت خواستارم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
ابوالقاسم الموسوی الخوئی

بسم الله الرحمن الرحيم

www.takbook.com

۳ شهر ذیحجه الحرام

۱۳۷۲

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می‌رساند: مرقومه محترمه مورخه ۲۰ شهر ذیقعدة الحرام که ممزوج از مهر و قهر ناشی از مهر بود، واصل؛ امید است پیوسته قرین صحت و عزت و سعادت بوده باشید. جواب اعتراض جنابعالی را در ضمن دو مقدمه بیان می‌نمایم:

الاولی: این که احقر قبل فوت مرحوم آقای حجت - قدس سره - بیکار نبوده و برای اوقات خود کارهای معینی که اغلب آنها راجع به جهات علمیه از ابیات و غیرها صرف می‌شد و آن جهات فعلاً باقی و طبعاً مکاتیب و استفتاء و غیرها که از جمله توقعات آقایان در حضور تشیع و حضور مجلس فاتحه و نحوها می‌باشد، زیاد شده است.

الثانیة: جنابعالی گویا به حسن نیت و صفای باطنی و طیب نفس، دیگران را هم به خود قیاس می‌فرمایید و گمان می‌فرمایید اشخاصی که در ترقی آنها اگر زحمات احقر علت تامه نبوده، مقتضی بوده است، تا حال لساناً هم با احقر تعارف ننموده‌اند که در کارهای احقر کمک بنمایند. بلی! بعضی از آنها گاه گاهی از رسیدن پول از تهران و غیره سؤال می‌نمایند. با این دو مقدمه معلوم می‌شود که احقر مسامحه نمی‌کنم. وقت احقر وفای به مطالب ندارد. آقا شیخ کاظم خوانساری را که به خدمتتان رسید و یکصد و پنجاه تومان حواله داشت، برای نوشتن جواب مکاتیب عادیه معین کرده بودم. فی الجملة فرجی شده بود. آن هم به ایران مسافرت کرد. تا حال سه مکتوب نوشته و هنوز جواب هیچ یکی را نتوانسته‌ام بدهم. در صورتی که دوران امر بین حفظ موضوع که وجود باشد و حفظ بعض جهات دیگر، البته اولی اولی خواهد بود. بلی از آقایان بعضی است که به تمام معنی الکلمه از جواب مکاتیب و استفتانات را حسب الظاهر حاضر است انجام بدهد، ولی مساعده کامله لازم دارد که امور معاشیه او را اداره نماید. آن هم که برای احقر میسر نیست. علی ذلک غیر از ایکال امر به حضرتش چاره‌ای نیست. آنچه پیش آید، خوش آید.

چندی قبل استفتائاتی که از آقای آقا سید جلیل ملکی بود، با جواب مکاتیب‌اش و هم چنین آقای آقا سید جعفر مرقاتی که علاوه بر مکتوب چند اجازه هم خواسته بود، ارسال نمودم. گمان می‌کنم تا تاریخ صدور مرقومه مبارکه رسیده باشد. راجع به حاشیه عروقه، صلوة تمام شد و نسخه خطی او را به مرند فرستادم، مشغول اتمام طهارت بودم. از بعضی از آقایان مساعدت خواستم که شب‌ها بیاید

www.takbook.com

با احقر کمک نماید. البته با معین زودتر پیش می‌رود. دو سه شب تشریف آورده و بعداً ترک فرمودند. گمان نفرمایید، این شخص، آقای اخوی جنابعالی است، بلکه شخصی است خود را از ایشان نسبت به احقر اولی به رعایت می‌داند. ماه شوال از آقای ماکویی خبر رسید که حاشیه عروه را متاز که نموده، مشغول مناسک باشم. چنین نمودیم، مع الاسف آن هم تمام نشده، موسم حج رسید اگر زنده بمانیم به سال دیگر افتاد.

ملخص عرض احقر در جواب این که ان شاء الله تعالی از وظیفه کوتاهی نمی‌کنم و امور خود را به حضرتش می‌سپارم و از جنابعالی مخصوصاً التماس دعا دارم که حضرت حق سبحانه توفیق عطا فرماید که حرکات و سکنات بر طبق رضای حضرتش باشد.

البته جنابعالی مسیوقید که منتخب الاحکام مرحوم آقای حجت را حاشیه نمودم، در خیال هستم که تعطیل‌های آینده بین آن رساله و رساله خود جمع می‌نموده، فی الجملة مفصل تر باشد. گویا در خوی و طهران اسباب طبع اش مهیا باشد.

آقای حاجی آقا احمد به نجف اشرف مشرف، گویا یکی دو ساعت بیشتر نبوده‌اند، به خدمتشان نرسیدم. البته نتیجه کاغذ آقای شالچیلر را که مظنون العدم است، مرقوم خواهید فرمود، والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

ابوالقاسم الموسوی الخویی

www.takbook.com

مورخه ۱۱ ع ۲ سنه ۷۳ بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض می‌رساند: رقیمه محترمه که حاکی از سلامتی وجود محترم و استقامت مزاج مبارک بود واصل و زیارت گردید امید است حضرت حق - جلت آلاؤه - جنابعالی را از جمیع بلیات و ناملایمات مصون و محروس داشته و به تأییدات غیبی خود مؤید بدارد. اینجانب نیز بحمدالله سالم و [خبر] تازه‌ای ندارم. راجع به جناب آقای مقبره‌ای شرحی مرقوم داشته بودید از اقدام آن جناب در استخلاص ایشان و مذاکره با حضرت آقای بهبهانی - دامت برکاته - و ارسال رقیمه به جناب معظم له و بیان گزارشات بسی متشکرم. در موضوع ایشان چنانچه مرقوم داشته بودید و از خارج نیز مسموع شده بود گمان می‌کنم مقدار کثیری از آنها واقعیت نداشته و در اثر تبلیغات معارضین ایشان بود، علی‌کل حال وجود ایشان برای حوزه علمیه نافع اگر در جهات سیاسیه اشتباهی شده مربوط به جهات دینی نیست از این جهت احقر بسیار میل دارم که ایشان با عزت و احترام به آن بلد مراجعت نموده مشغول تنظیم وظائف شرعیه و امور طلاب علوم دینیّه بوده باشند. البته آنچه می‌سور جنابعالی بوده باشد مضایقه نخواهید فرمود و ضمناً میل دارم دانسته باشم که در جواب مرقومه مبارکه چه نوشته‌اند البته تفصیل را بعداً مرقوم می‌فرمایید.

راجع به مبلغ بیست و شش تومان که به آن شخص مروج لطف نموده‌اید البته بجا و در محل بوده است و راجع به دویست تومان آنچه عمل فرموده‌اید ممضی است. در پشت پاکت عریضه سابقه چیزی نوشته بودم گویا مغفول عنه شده و آن راجع به جواب مرقومه سرکار به آقای کاشف الغطاء بوده است و فعلاً در جوف ارسال می‌شود، البته این مرقومه را محفوظ دارید. بنا بود بهتر از این بنویسند مع ذلک همین مقدار هم که نوشته‌اند بد نیست و این کاغذ و پاکت به خط خود آقای کاشف الغطاء است.

راجع به مباحثات آن جناب بسی مسرور شدم. امیدوارم حضرت حق سبحانه عزت دنیا و آخرت به شما عطا فرماید و مطمئن هستم که عطا خواهد فرمود....

ابوالقاسم الموسوی الخویی

$$\begin{array}{r} 189 \\ \hline 1572 \end{array}$$
[illegible]

۹ ج ۱

۱۳۷۳

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می‌رساند: مرقومه محترمه که حاکی از سلامتی آن جناب بود واصل و زیارت گردیده از مضمونش اطلاع حاصل شد. اقداماتی که از جهت جناب آقای مقبره‌ای نموده‌اید، بسیار موجب تشکر، امید است به فضل الهی منتج و به بشارت مراجعت ایشان به خوی مسرورم فرماید.

فوت مرحوم حجة الاسلام آقای آفا شیخ خلیل را قبلاً مسبوق شده و به آقا زادگانیش تسلیت نوشته و مجلس فاتحه نیز اقامه نمودم. در فوت مرحوم آیه الله آقای صدر تلگراف تسلیت به آقا زادگان ایشان مخابره شده و جواب تلگراف جنابعالی نیز مخابره شد. ولی از باب سوء اتفاق طریق بسته بوده، چند روزی تلگراف در تلگرافخانه معطل و مخابره نشده، لذا طبعاً دیر رسیده است. مستدعی است در موقع مناسب در فرضی که خود جناب آقا رضا مذاکره می‌فرمایند، سبب تأخیر تلگراف را به ایشان بگویید و جواب مخابره جناب آقا رضا تا حال نرسیده است. اگر فرضاً تلگراف نرسیده باشد، از کیفیت مسبوق شوند.

مناسبت عرض دیگر این که آقای مقبره‌ای دفعه دوم از تبریز مرقوم داشته و جریانات را نوشته است. ولی اعتماداً به مرقومه اول آدرس ننوشته‌اند. من باب اتفاق مرقومه اولی در ضمن کاغذها بوده و فعلاً مفقود است. لذا جواب نامه ایشان را در جوف عریضه عالی ارسال می‌دارم. مستدعی است سریعاً به ایشان ارسال دارید. کتاب فقه الصادق مرقوم داشته بودید، تا حال زیارت نکرده‌ام. نمی‌دانم نزد کی است و به که نوشته‌اید به اینجانب برساند. امید است که ان شاء الله بقیه اجزای آن از طبع درآمده و برای آن جناب اثر باقی باشد. کاغذ حضرت آقای کاشف الغطاء که البته تحفظ می‌فرمایید و فائده آن بر جنابعالی مخفی نیست. زیاده عرض قابلی نداشته و التماس دعا دارم، والسلام علیکم و رحمة الله و بركاته

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

بسم الله الرحمن الرحيم

بمقام میرزا محمد علی

[illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

مورخه ۱۱ ع ۷۳

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می‌رساند: ان شاء الله مزاج مبارک در کمال استقامت و عین عافیت و از هرگونه ملالی خالی خواهد بود. مدتی است که از طرف آن جناب اطلاعی ندارم ان شاء الله مانع به خیر است. از احوالات اینجناب خواسته باشید، بحمدالله نعمت صحت برقرار و خیر تازه‌ای ندارم. غرض از تصدیع پس از استعلام از احوالات جنابعالی آن که از قرار مسموع در این اواخر به واسطه بعضی انقلابات از باب غلطانداز جناب مستطاب آقای آقا میرابراهیم مقبره‌ای را از خوی به تبریز آورده‌اند و اجازه مراجعت به خوی به ایشان تاکنون داده نشده و البته نبودن ایشان در خوی موجب انحلال حوزه علمیه آن محل است. مقامات و خدمات مشارالیه نیز بر جنابعالی مخفی نیست. لذا ممکن است با حضرت آقای والد - دام‌ظله - در این باب صحبت بنمایید و تلفوناً یا به واسطه دیگر از حضرت آقای کاشانی - دامت برکاته - ارجاع ایشان را به خوی درخواست نمایید، امید است این اقدام بی‌نتیجه نماند.

دیگر آن که کاغذی که در جوف است مدتی بود آمده بود و جناب آقای حاج میرزا هادی^۱ که بنده هرچه منتظر شدم تا آمدن، که ایشان را ملاقات نموده کاغذ را برسانم اتفاق نیفتاد، نمی‌دانم ایشان نجف مشرف نشده‌اند یا این که از تشرف ایشان بنده مطلع نشده‌ام، به هر حال کاغذ را جوفاً فرستادم. اگر ایشان قم باشند، برسانید و الاً لایزال به میانه خواهید نمود. در خاتمه سلامتی آن جناب مطلوب است و در حق شما دعا و از شما التماس دعا دارم، والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

۱. مرحوم آیت الله حاج میرزا هادی نیری میانجی

۲۹ ج ۲

۱۳۷۳

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می‌رساند: ان شاء الله تعالی پیوسته قرین صحت و عافیت و در ترویج
 شرع مبین و حمایت از حوزه مقدسه اسلامیة مستدام باشید. مرقومه محترمه مورخه ۲۲ شهر
 جاری دیشب واصل از سلامتی آن جناب و اظهار الطاف کریمه، مسرور و متشکر می‌باشم.
 استفتایی که جناب آقای آقا شیخ غلام حسین، امام جمعه طسوجی چندی قبل ارسال داشته
 بود، مدتی است جواب آن را ارسال نموده‌ام اگر به محل نفرستاده باشد خوب است
 جنابعالی آن را ملاحظه فرمایید. راجع به طلاب خوی نه حواله‌ای داده و نه شهریه مرتب
 نموده‌ام فقط کتباً و لساناً مقداری که متمکن از مساعدت آنها بوده مضایقه نکرده‌ام در
 چندی قبل صورت واردات حقیر را به خدمت آن جناب نوشته، مطلب از همان قرار است
 که عرض شده با این پول‌های جزئی و موانع کثیره منویات انجام داده نخواهد شد. مرقوم
 داشته بودید بعضی از آقایان نجف اشرف، بین طلاب خوئی تقسیم نموده‌اند البته اگر
 میسر باشد بسیار کار خوب و مناسبی است تا خدا چه بخواهد. برای نمونه همین کافی
 است که نسبتاً رساله مفصله‌ای که ترتیب داده‌ام که مدت زیادی صرف وقت و نوشتن
 شده، چند ماه است که در تهران معطل و مصرف طبع آن از غیر سهم امام - علیه السلام -
 مهیا نمی‌شود. جناب آقای آقا سید جلیل ملکی - دام تأییده - مرقوم داشته بودید مرد موثق
 و متدین که گویا مرتباً به وسیله تهران برای احقر پول می‌فرستد و به وظایف لازمه عمل
 می‌نماید، بلی ایشان از همه جهت آراسته و در اظهار الطاف خود مستمر می‌باشند. و اما
 راجع به پول غیر از یک مرتبه که جنابعالی هم سابقه دارید برای احقر پول نفرستاده‌اند از
 آن جایی که مرقوم داشته بودید مطلب را

[illegible]

عرض کردم و الا مسلک حقیر را جنابعالی بهتر آشنا هستید. چندی قبل عریضه به خدمت آن جناب ارسال و در جوف نامه‌ای به آقای آقا سید ابراهیم مقبره‌ای ارسال نموده بودم، از وصول آن اطلاع نداده‌اید مستدعی است به وصول این عریضه به فوریت چگونگی را اطلاع و آدرس ایشان را کاملاً مرقوم دارید که موجب امتنان خواهد شد، قبوض سه فقره وجه، در جوف ارسال شد. مسیری را که در موضوع اختلاف بازار قم اختیار فرموده بودید بسیار مناسب و مقتضی متانت بوده مترقب از جنابعالی نیز همین بوده، امید است پیوسته مؤید و مسدد بوده باشید. بنده‌زاده سید جمال حاضر و به عرض سلام و ارادت مصدع است. راجع به حاشیه عروه امید به فضل الهی تا آخر ماه مبارک، طهارت نیز خلاص شده و به ضمیمه صلاة در معرض طبع برآید از آن جایی که مشغول ترتیب مناسک حج بودم که واضح و نسبتاً مرتب و منظم بوده باشد، مقداری حاشیه عروه تأخیر شد ان شاء الله همه امور اصلاح خواهد شد عمده چیزی که هست مباحثات و استفتائات با اشغال دیگر مجال نمی‌دهد کارهایی که انسان باید از قبل حاضر نماید در تأخیر آن به محذوری که احقر مبتلا شده‌ام واقع می‌شود. زیاده عرض قابلی نداشته التماس دعا دارم، والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

آقای آقا میرزا ابوطالب فاضلی نامه‌ای نوشته بودند که عازم رفتن خوی می‌باشند و جوابش نیز نوشته شده و با همین پست ارسال شد اگر تا رسیدن این نامه خدمت عالی ایشان حرکت کرده باشند معلوم است که نامه به ایشان نخواهد رسید لذا به احقر اطلاع دهید تا تدارک شود. والسلام.

www.takbook.com

۲۶ شهر شعبان المعظم

۱۳۷۳

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض می‌رساند: رقیمه کریمه که حاکی از سلامتی آن جناب بود، واصل و از مضمونش اطلاع حاصل گردید. امید است حضرت حق سبحانه آن جناب را از جمیع بلیات محفوظ و به تأییدات غیبی خود مؤید بدارد. راجع به آقای شالچیر شرحی مرقوم داشته بودید، بعد از ورود ایشان به نجف اشرف، سه چهار روزی به بنده منزل تشریف آورده، مدتی با هم صحبت داشته، مشغول مذاکرات دینی و غیره بودیم. بعداً هم احقر بازدید نموده، تقریباً نیم ساعت در منزل ایشان بودم. از آنجایی که این مرد منشأ آثار خیریه است، البته وجودش مغتنم است. چه منافع شخصی بر آن مترتب باشد، چه نباشد. جناب آقای آقا میرزا محمد حسین شیرازی میل داشتیم بفهمیم که گلایه ایشان از احقر از چه رو بوده تا تدارک شود. احقر که در موضوع ایشان تقصیری برای خود تصور نمی‌کنم و مقام ایشان را نیز اجل از تقصیر می‌دانم. موضوع چه بوده، نمی‌دانم، خوب بود اشاره به موضوع می‌فرمودی. آقا زاده ایشان چند روز قبل نجف مشرف بوده و به واسطه مشارالیه به والد ماجدشان اظهار ارادت نمودم.

آقای اتفاق^۱ امسال به زیارت مشرف، روزی هم به بنده منزل تشریف آورده و بنا شده بود که بازدیدی از ایشان بنماییم. در اثر پیش آمد سفری از ایشان میسر نشد. مراجعاتی به احقر نداشتند، فقط اظهار ارادت و رفاقت است. راجع به وجه طبع رساله که از سهم امام - علیه السلام - اجازه نموده‌ام، وجه آن این است که اکثراً رساله را مجانی می‌خواهند و اغلب اشخاص که می‌گیرند، مورد سهم مبارک نیستند. ولی بحمدالله چنان چه مرقوم داشته بودید، حضرت حق سبحانه اسباب فراهم آورده، مبلغی از خوی برای طبع آن فرستاده‌اند. شاید ان شاء الله تعالی تکمیل شده و طبع گردد. آقای مشهدی عبدالمناف حقیقی و آقای اخروی که به خدمتتان رسیده‌اند همان طور است که به جنابعالی اظهار داشته‌اند مقدار معتدبه که در حدود سه هزار و هفتصد تومان از خوی به تهران فرستاده‌اند که به احقر برسد و آن وجه تا حال نرسیده، خیال دارم که تا چند روز دیگر که ان شاء الله می‌رسد، تتمیم کرده برای ماه مبارک تقسیمی نموده باشیم. در اثر گرانی دینار و کمی عواید، امور اهل علم در شدت، امید به فضل الهی آن که فرجی عنایت فرماید. آقایانی که امسال به ایران حرکت کرده‌اند، حسب المقدور با هر یکی مساعدت نموده‌ام، زیاده بر قدرت حد که مکلف نبوده‌ام.

۱. مرحوم آقای حاج محمدتقی اتفاق از بازرگانان و متمکنین نیکوکار تهرانی که باقیات الصالحات فراوانی در عراق از خود بر جای گذاشته از آن جمله ساختمان (جامعه النجف الدینیة) و برخی درهای طلای حرم مطهر امیرالمؤمنین(ع).

راجع به فاضل مصطفی در قسم نهم متفرستیم زیرا که هرگاه
 حجت علیه السلام تا اینک طلب داشته و از مطالب غلات بکشد و تفصیل قضیه آنست
 در هر قدر است و در طاعت و غیره که در کتاب است در کتاب است و در کتاب است
 نیز از هر کتاب است از هر کتاب است که در کتاب است که در کتاب است که در کتاب است
 است که در کتاب است که در کتاب است که در کتاب است که در کتاب است که در کتاب است
 فقه در هر کتاب است که در کتاب است که در کتاب است که در کتاب است که در کتاب است
 که در کتاب است که در کتاب است که در کتاب است که در کتاب است که در کتاب است
 دهم و یکم فاضل مصطفی در این موضع با فاضل مصطفی است که در کتاب است که در کتاب است
 بخت و شیخ علیه السلام که در کتاب است که در کتاب است که در کتاب است که در کتاب است
 که در کتاب است که در کتاب است که در کتاب است که در کتاب است که در کتاب است
 مسبق و بابت فاضل مصطفی که در کتاب است که در کتاب است که در کتاب است که در کتاب است
 بعد و چهارم و بابت فاضل مصطفی که در کتاب است که در کتاب است که در کتاب است که در کتاب است
 که در کتاب است که در کتاب است که در کتاب است که در کتاب است که در کتاب است
 مصطفی که در کتاب است که در کتاب است که در کتاب است که در کتاب است که در کتاب است
 با حجت علیه السلام که در کتاب است که در کتاب است که در کتاب است که در کتاب است که در کتاب است
 دهم و یکم فاضل مصطفی که در کتاب است که در کتاب است که در کتاب است که در کتاب است که در کتاب است
 از هر کتاب است که در کتاب است که در کتاب است که در کتاب است که در کتاب است که در کتاب است
 بر بخت و شیخ علیه السلام که در کتاب است که در کتاب است که در کتاب است که در کتاب است که در کتاب است

راجع به آقای مصطفوی در قم زیاد متأثر شدم. زیرا که احقر ابداً حسایی با ایشان ندارم تا ایشان طلبی داشته و از مطالبه خجالت بکشند و تفصیل قضیه این که در سال گذشته توسط آقای حاج شیخ عبدالکریم تبریزی که در نجف اشرف دکان کتابفروشی دارد و خود نیز اهل علم است از قبل آقای شریانی کتابفروشی در قم چند جلد کتاب که عین همان کتاب‌هایی است که صورتش را ارسال داشته بودید به حقیر داد و بعد از مدت کمی آقا میرزا علی تبریزی که شاید فعلاً در تهران یا قم باشد و چند روزی است از نجف اشرف حرکت کرده، به احقر اظهار داشتند که آقای شریانی هفتاد و چهار تومان وجه آن کتاب‌ها را به عهده احقر حواله نموده، اتفاقاً وجه همراه داشتیم و بلافاصله اداء نمودم. در این موضوع با آقای مصطفوی حسایی نداشته‌ایم. آن قبض مرسولی را به جناب آقای حاج شیخ عبدالکریم مذکور که همین ایام عازم ایران است، دادم و تفصیل در پشت آن نوشته و وجه مزبور را حواله کردم که به حامل ورقه رد نمایند. قبلاً جنابعالی ایشان را مسبوق نمایید تا آقای آقا شیخ عبدالکریم برسد، فرضاً اگر کتاب‌ها در واقع ملک ایشان بوده و جهش را باید از آقای شریانی بگیرند، زیرا که در همان تاریخ وجه به ایشان پرداخته شده است، بسیار تعجب می‌کنم که آقای مصطفوی احتمال بدهند که احقر یکسال طلب ایشان را معطل کرده باشم، با این که اصلاً با ایشان محاسبه‌ای نداشتیم. مرقومه قبلی که جواب آن با جواب رقیمه ثانیه عرض می‌شود. در جواب استفتاء قبلی که نوشته بودم، تصرفات از قبیل وضو و آشامیدن مانعی ندارد، در آن صورتی که نوشته شده بود، با منع مالکین نیز مانعی ندارد. ضمناً از قراری که نوشته بود، قبلاً اهل بلد حق چنین تصرفاتی را داشته و مالکین حبه حق منع نموده است، پس به غضب غاصب حق اهل بلد از بین نمی‌رود.

و اما سقی مزارع با آن آب

قهر از مرور از بند و یا لعبه از در و با خط باب سیر باید و خط
 قیام با جازه نگذشت راجع به بن و قیام سیر ما ز در کمر
 مرقم داشت بر در معرکه آنکه که صدح دیده اینست و صدح
 بر نشست راجع به قیام معرکه و در دعد و کتس و مرجه کرم
 بسیار سرور و از سر شدم ایست کتس و کتس و کتس و کتس
 آمر و با قیام طبع شود یک کتس از کتس گرفته به کتس و کتس
 ایست ایست در خدمت و کتس و کتس و کتس و کتس و کتس
 از کتس و کتس و کتس و کتس و کتس و کتس و کتس و کتس
 نمره کتس و کتس و کتس و کتس و کتس و کتس و کتس و کتس
 بعضی هم مصدع و کتس و کتس و کتس و کتس و کتس و کتس و کتس
 راجع به موضع مایه عوده کا زید و اراغی و کتس و کتس و کتس
 مستغول و از کتس و کتس و کتس و کتس و کتس و کتس و کتس و کتس
 که بایرین بمانند دفع اوقات و کتس و کتس و کتس و کتس و کتس
 و کتس و کتس و کتس و کتس و کتس و کتس و کتس و کتس

قبل از مرور از بلد و یا بعد از مرور با آب دیگری یا بدون خلط محتاج به اجازه مالکین است. راجع به آقای آقا سید موسی مازندرانی^۱ شرحی مرقوم داشته بودید، معلوم شد آن چه را که صلاح دیده اید ان شاء الله صلاح بر آن است. راجع به فقه الصادق موارد عدیة آن را مراجعه کردم، بسیار مسرور و مأنوس شدم. امید است که ان شاء الله تعالی اسباب فراهم آمده و باقی نیز طبع شود. یک نسخه از آن را گرفته به آقای کاشف الغطاء دادم. امید است پیوسته در خدمات دینیہ موفق و مؤید بوده باشید. زیاده عرض قابلی نداشته، التماس دعا دارم.

اخوی آقای آقا مهدی چندی است که به آن طرف عزیمت نموده، ان شاء الله به سلامتی وارد شده اند. محضر مبارک آقای والد - دامت برکاته - به عرض سلام مصلعم. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته
ابوالقاسم الموسوی الخویی

راجع به موضوع حاشیه عروه کما این که مراراً عرض شده، به قدر وسع مشغول و از خداوند جلت عظمته طالب توفیقم. خوب است از آقایانی که به ایران می آیند، وضع اوقات و مشاغل احقر را جویا شوید.

والسلام خوئی

۱. مرحوم آیت الله حاج سید موسی مازندرانی.

۲۳ شمس المبرک
۱۳۷۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بعضی از کلمات که در این کتاب و بعضی

از من بعد از این (صفت کمال) و سر و دست مرد و زن

[illegible]

۲۳ شهر شوال المکرم

۱۳۷۳

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض می‌رساند: مرقومه محترمه که حاکی از سلامتی آن جناب و حاوی مطالب چندی که من جمله آنها بشارت (طبع جلد اول کتاب فقه الصادق بود) واصل و باعث مسروریت گردید. امید است حضرت حق جلّ و علا بر توفیقات آن جناب افزوده و به تأییدات غیبی خود مؤید داشته و از جمیع بلیات محفوظ بدارد. از این که حساب آقای مصطفوی روشن و باعث آسودگی خاطر گردید خیلی از شما ممنونم. جناب آقای آقا شیخ عباس مرندی را که جنابعالی توثیق و اجازه نامه خواسته بودید، مشار الیه به توسط آقای آقا میرزا یوسف ایروانی اجازه نامه گرفته‌اند چون اجازه نامه‌هایی که از اینجانب صادر می‌شود، تماماً مضبوط و در دفتر خاصی قید می‌شود، مع الوصف وجه اجازه نامه خواستن ایشان ثانیاً چه بوده با این که تقریباً یک سال است این اجازه نامه فرستاده شده ولی من باب این که عمل به احتیاط شود و شاید مشار الیه غیر از آن اولی باشد ممکن است جنابعالی اولاً از خود ایشان تحقیق فرمایید که مسبوق به اجازه بوده‌اند یا خیر یا آن که از آقای آقا میرزا یوسف ایروانی، به هر حال اگر غیر از اولی باشد مرقوم تا اجازه نامه فرستاده شود. احقر جنابعالی را همیشه در مظان استیجاب، مد نظر داشته و فراموش ننموده‌ام مأمول از جنابعالی نیز همین است. در خاتمه سلامتی و سعادت و موفقیت آن جناب را از درگاه حضرت احدیت مسئلت دارم، والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ابوالقاسم الموسوی الخویی

۶ ذیحجه الحرام

۱۳۷۳

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می‌رساند: ان شاء الله تعالی وجود شریف قرین صحت و مزاج مبارک در کمال استقامت و ملالی نخواهید داشت. امید است در تحت توجّهات خاصه حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه - موفق و به تأییدات غیبی مؤید و از جمیع بلیات محفوظ باشید. اینجانب بحمدالله تعالی متنعم به نعمت صحت و تازهای ندارم. مدتی است که از طرف شما اطلاعی نداشته و نگران بودم تا این که اخیراً مسبوق شدم که تشریف برده‌اید زنجان. امید است همیشه خوش و خرم و با عزّت و سعادت قرین و توأم باشید. امسال مناسک مفصلی که دارای فروع زیادی بود، تنظیم داده و طبع شد و سه نسخه از آن را به توسط آقای آقا سید حسن قزوینی ارسال خدمت نمودم، ان شاء الله به لحاظ مبارک می‌رسد. جناب آقای آقا میرجلیل ملکی به عزم حج مشرف بودند، مذاکره نمودند که از رساله‌های جدیدی چند نسخه برای حقیر آورده‌اند، ولی در اثر فراموشی در کاظمین مانده است. نمی‌دانم تا حال خدمت شما ارسال شده یا خیر؟ عرض دیگر این که یکی از بستگان مرحوم آیه الله کاشف الغطاء - قدس سره - از حقیر خواهش نموده که از جنابعالی استدعا نمایم جواب سؤال جنابعالی را که ایشان نوشته و ارسال نموده‌اند عکسی برداشته، یک نسخه ارسال فرمایید. مستدعی است حسب اصرار آن شخص هر چه زودتر عملی فرمایید، موجب امتنان خواهد شد. زیاده عرض قابلی ندارم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
ابوالقاسم الموسوی الخوئی

مجلس اول

رہے

ایزعلیه زشته و در پات گشته تر و مبارک بود

[illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

۷ ذی حجة الحرام

۱۳۷۳

بسمه تعالی شأنه

این عریضه نوشته شده و در پاکت گذاشته شده و مهبای ارسال بود که رقیمه مبارکه از زنجان زیارت شده، بحمدالله رفع نگرانی گردید، تجلیلی که از جنابعالی شده و از این که مشغول مباحثه می باشید، بی نهایت مسرور امید است همیشه اوقات موفق و مؤید به تأییدات الهی بوده باشید.

حقیر را گمان بر این است که در اثر حسن نیت و نتیجه اعمال عزت دارین را حائز خواهید بود. راجع به اجازه آقای آقا شیخ عباس مرندی در دفتر اجازات، اجازه ایشان ثبت است و توسط جناب مستطاب آقای آقامیرزا یوسف ایروانی اجازه داده شده، مع ذلک جنابعالی تحقیق فرمایید به اینکه یا از جناب آقای آقا میرزا یوسف سؤال شود و یا به خودش مراجعه شود که قضیه چیست؟ اجازاتی که احقر می دهم اسماء اشخاص و محل و واسطه و خصوصیت اجازه و تاریخ در دفتر ثبت می شود. البته مناسب تحقیق جناب آقای ایروانی است. زیرا محتمل است مسمی به این اسم دو نفر باشند تا اگر چنین باشد، اجازه نامه نوشته شود. اجازه آقای آقا سید نعمت در جوف ارسال می شود. حاشیه عروه کتاب طهارت هم در شرف تمام است. امید است به فضل الهی تا اربعین تمام شود و طهارت و صلاة را در معرض طبع بگذاریم. چنان چه مرقوم داشته اید، ان شاء الله تعالی خطه خود را تغییر نداده و یک قدم هم پیش نخواهیم گذاشت. (آنچه پیش آید خوش آید)

ما شاء الله کان، فقط ما مسئول وظایف خود هستیم جهات خارجی با خدا است و ربطی به ما ندارد. بسیار میل دارم که جنابعالی را زیارت نموده باشم. امید است که همت فرموده چند روزی هم نجف مشرف شوید.

در خاتمه سلامتی و عزت و سعادت و موفقیت آن جناب را طالب و التماس دعا دارم.

والسلام علیکم و رحمة الله برکاته

ابوالقاسم الموسوی الخویی

از خوی تلگراف داشت که جناب آقای مقبره ای به خوی مراجعت فرمودند خیلی

مسرور شدم، لابد جنابعالی نیز از این مطلب مسبوق شده بودید. والسلام خوی

www.takbook.com

۲۲ ع ۱

۱۳۷۴

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض می‌رساند:

رقیمه شریفه که حاکی از سلامتی آن جناب بود واصل و از مضمونش اطلاع حاصل گردید. امید است پیوسته در اثر توجهات خاصه حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه - موفق و از جمیع بلیات محفوظ و به تاییدات غیبی مؤید باشید. چندی قبل نیز نامه‌ای از طرف آن جناب واصل گردیده بود. اینک جواب هر دو نامه عرض می‌شود. راجع به اجازه آقای حاج میرزا عبدالرحیم در ورقه‌ای علی حده جواب نوشته می‌شود راجع به چهار نفر از اهالی اطراف خوی علی الهی بوده و فعلاً مشغول تحصیل می‌باشند، فعلاً با همین مکتوب اظهار مسرت از اشتغال به تحصیل آنها نموده و در همین نزدیکی ان شاء الله برای هر یک چیزی ولو مختصر باشد ارسال می‌دارم، چون فعلاً موردی ندارم. اگر بر جنابعالی زحمت نباشد مبلغ دوست تومان قرض کرده به هریک آنها مبلغ پنجاه تومان برسانید و یا آنکه تأمل فرمایید تا خود احقر برسانم.

آقای اخوی چند روز قبل به سلامتی وارد نجف اشرف شده‌اند راجع به موضوع رساله ما با آقای ملکی صحبت نموده

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

و به آقای ماکویی هم مفصلاً یک چیزی نوشتم. نمی دانم این چه مشکلهای است که حل نشده، فقط مقدار پانصد نسخه برای احقر فرستاده شده با این که به قناعت صرف می کنیم ولی مع ذلک باز هم محل حاجت خواهد شد تا خدا چه بخواهد. امیدواریم ان شاء الله به زودی کتاب مستطاب فقه الصادق جلد اول آن نیز از طبع خارج و به زیارتش نائل گردیم.

مرقومه تاریخ ۲۲ صفر که جوابش به تأخیر افتاده بود، تأخیر آن مبنی بر گرفتاری های مرتب و پیشامدهای غیر مرتب و کسالت مزاج بود و الا البته معلوم است جواب مرقومه آن جناب خصوصاً اگر مطلب مهمی داشته باشد با اختیار و تعمد تأخیر نمی شود. چند عدد عکس که در جوف ارسال نموده بودید واصل شد. مناسک حج که مرقوم داشته بودید نرسیده. جناب آقای آقا سید حسین قزوینی شخص امینی است. گویا به قم تا حال نیامده و البته ایصال خواهند نمود. چند نسخه دیگر هم بعداً خدمتتان خواهم فرستاد. مقدمه تفسیر که چند صحیفه از او، یعنی به مقدار یک جزوه شخصی از جهت طبع برده است تهران و بقیه آن محتاج به مراجعه است، لذا به ایشان داده نشد، زیرا که در اصل مطلب طبع تردید دارم به هر حال مقدار قابلی نبوده که به قم فرستاده شود. امید است حضرت حق توفیق عطا فرماید که از مراجعه او فارغ شده و یک فکر اساسی برای طبع آن بنمایم. مطالب راجع به آقای میرزا عبدالرحیم زنجانی در ورقه مستقله نوشته شد، جنابعالی بعد از مطالعه مختارید که عین آن یا مضمونش را به ایشان برسانید.

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

www.takbook.com

۲۶ ج ۱
۱۳۷۴

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می‌رساند: همواره سلامتی و تندرستی و توفیقات آن جناب را از درگاه ایزد متعال درخواست نموده امیدوارم در اثر توجهات خاصه حضرت ولی عصر -عجل الله تعالی فرجه- موفق و به تأییدات غیبی مؤید باشید. مرقومه محترمه که حاکی از سلامتی آن جناب و حاوی مطالبی بود واصل و از مضمونش اطلاع حاصل گردید. مرقومه سابقه مورخه ۱۷ ع ۱ و ۱۹ ع ۱ نیز چندی قبل از این، واصل گردیده جواب هر سه مرقومه عرض می‌شود:

داماد آقای حاج میرزا عبدالرحیم که حامل رقیمه اخیره بود با چند نفر از همشهری‌ها به سلامتی وارد و مشغول تحصیل می‌باشند. دیشب را به بازدید داماد آقای مزبور رفتیم امید است ان شاء الله تعالی در موضوع ایشان کوتاهی نشود. جزء اول فقه الصادق تا حال به احقر نرسیده از قراری که آقای اخوی مذاکره نمودند نزد ایشان است احتمال می‌دهم که امروز لطف نمایند. زیاده عرض قابلی نداشته التماس دعا دارم.

راجع به موضوع مرقومه آقای حاجی میرزا عبدالرحیم که به جنابعالی نوشته و در جوف تقدیم می‌شود ملاحظه نمودم حسب اطمینان می‌دانم آن شخص کیست که نامه به ایشان نوشته است. احقر هم به این معانی ملتفت می‌باشم ولی اهمیت نمی‌دهم. کار خود را به حضرت حق -جلت عظمت- واگذار نموده‌ام هر چه پیش آید خوش آید. ان شاء الله تعالی عامل به وظیفه بوده باشیم باقی سهل است لیس للانسان الا ما سعی. راجع به داماد آقای حاجی میرزا عبدالرحیم ان شاء الله تعالی از مساعدت مالی نیز کوتاهی نمی‌شود. کما این که با همشهری‌های دیگر که نیز توصیه فرموده بودید و فعلاً نجف مشرف هستند، همین طور خواهد شد ان شاء الله تعالی. راجع به چند نفر در قم فعلاً میسر نشد ان شاء الله تعالی در وقتش همراهی می‌نمایم فعلاً مبلغ جزئی از آقای حاجی شیخ نصرالله گرفته‌ام در جوف حواله آن ارسال می‌شود. امید است حضرت حق سبحانه، احقر را بر منویات خود موفق بدارد. عاجلاً دست ما کوتاه و خرما بر نخیل. دیشب خواب می‌دیدم جنابعالی به عراق تشریف فرما و در کربلا مشرف هستید مرحوم والد و حضرت آقای والد شما و احقر با آن جناب در مجلسی هستیم و احقر با جنابعالی عازم مسافرت به ایران می‌باشیم احقر به مرحوم والد عرض کردم که با معیت فلان، یعنی جناب عالی، عازم سفر ایران هستم امید است ان شاء الله تعالی این خواب احقر و جنابعالی به خیر باشد.

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

فهرست نموده گانند با رجوع به امر بصیر فرمایید
 استغفار از فردین که هیچ نصرتی به معینر نیست جواب نس در جواب
 از دست میوه که بکتاب نام خود را در میان اگر صید باشد بصیر
 از دست در فردین که از جاع و میمند و رسم خود خود بخوابانید استغفار
 مدد خط فرمایید

قبول زحمت نموده کاغذهای جوفی را امر به ایصال فرمایید. استفتائی از قزوین از حاج نصرت الله معینی رسید. جواب آن در جوف ارسال خدمت می شود که به جناب آقا محمود آقا ارسال دارید اگر صلاح باشد به صاحبش ارسال دارند و الا ارجاع دهند.

والسلام
خوئی

خود جنابعالی نیز استفتا را ملاحظه فرمایید.

بسم الله الرحمن الرحيم

سخن نمبر چ
۱۴۶۲

بعضی برین خدا رسد وجود تم تم نجیب در آن

و بعضی که خط داشته و در اثر قوت جرات خاصه حضرت و اعظم مرتبه
فرمود بر توفیق و دعوت بجنب بجزایر بنبات حول عینه
سعیدین تبریک عرض نموده شود که در توفیق بجنب مطایم
تا هر سه روزه از طرف جناح دوم در جویان تا آخر شکر
تشریف کیم و زاج بجنب که تقریباً مشرف به خط بود بعضی
و یک از آنها نیز خدمت بدخودم جویانم بولیم بهر حال از جهت
بگفته رفتم و نسبت به هر چه نموده و گفتن بجنب رفتم تا آنکه بر
تأیید مقرر نگذاشته بودم بدین وقت و این امر با دلون جویان
مسکنت تا که نیز خودم نمود جویان و وقت بجنب نیز آن
بعضی عرض می نمودم در خانه در حق شده و از آنها بجنب و بعضی
بعضی و در آن و در آن

سلخ شهر رجب

۱۳۷۴

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض می‌رساند: خدای متعال وجود محترم آن جناب را از کافه آلام و اسقام محفوظ داشته و در اثر توجهات خاصه حضرت ولی عصر -عجل الله تعالی فرجه- به توفیق و عزت و سعادت آنجناب بیفزاید به مناسبت حلول عیدین سعیدین تبریک عرض نموده، شادکامی و موفقیت آنجناب را طالبیم. تا حال سه مرقومه از طرف جنابعالی واصل و جوابشان تأخیر شده و علت آن انحراف کلی مزاج اینجناب که تقریباً مشرف به خطر بود، بوده است و یکی از آنها نیز لازم بود خودم جوابش را بنویسم به هر حال مدتی از جهت استراحت به کوفه رفته و نسبتاً استراحتی نموده و اکنون جواب رقیمه ثالثه را که توصیه آقای آقا مرتضی زنجانی را نموده بودید نوشته و ان شاء الله با دادن جواب به مشارالیه مساعدت مالی نیز خواهم نمود. جواب مرقومات سابقه را نیز ان شاء الله بعداً عرض می‌نمایم در خاتمه در حق شما دعا و از شما التماس دعا دارم، والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

ابوالقاسم الموسوی الخویی

www.takbook.com

۱۲ شهر رمضان المبارک

۱۳۷۴

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض می‌رساند: ان شاء الله تعالی مزاج مبارک در کمال استقامت و عین عافیت بوده و از هرگونه ملالی خالی خواهید بود. امید است پیوسته در اثر توجهات خاصه حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه - در اعلائی کلمه حقه و تبلیغ احکام اسلام موفق و مؤید و از جمیع بلیات محفوظ باشید. دو رقیمه سابقه آنجناب را بنا داشتم خودم به اسرع اوقات امکان جواب بنویسم ولی تصادف با ماه مبارک و بحث رضاع و اشتغال جدی به حاشیه عروه مانع شده و ان شاء الله تعالی در اول ازمه امکان جواب را عرض می‌نمایم. راجع به جناب آقای آقا سید ضیاء زنجانی توثیق و توصیه نموده بودید با مشار الیه ملاقات به عمل آمده و معلوم شد واقعاً شخصی آراسته هستند و بنا داشتم مساعدت مالی به ایشان بنمایم ولی یکی از اصحاب بحث که با معظم له مربوط بودند چنین اظهار داشت که ایشان از وجوه چیزی قبول نمی‌نمایند و از غیر آن که موردی نبود و گویا با این مقدمات تکلیفی دیگر بر اینجناب نباشد در خاتمه عزت و سعادت و سلامتی و توفیق آنجناب را طالب و در این ایام و لیالی متبرکه در حق شما دعا و از شما التماس دعا دارم آقای مستنبط^۱ و آقای ایمانی^۲ و بنده زاده سید جمال بحمدالله وجوداً سالم و البته خدمت جنابعالی سلام دارند، والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

ابوالقاسم الموسوی الخویی

۱. آیت الله حاج سید نصر الله مستنبط از علما و مراجع نجف اشرف و داماد آیت الله العظمی خویی که به دست رژیم بعث به شهادت رسید.

۲. مرحوم حاج سید جلال الدین فقیه ایمانی از علمای اصفهان و داماد آیت الله العظمی خویی.

www.takbook.com

۱۵ شهر شوال الکرم

۱۳۷۴

بسم الله الرحمن الرحيم

بعرض می‌رساند: ان شاء الله تعالی مزاج شریف در کمال استقامت و عین عافیت بوده و ملالی نخواهید داشت رقیه شریفه که حاکی از سلامتی آن جناب بود واصل و از مضمونش اطلاع حاصل گردید. در موضوع جناب آقای سید ضیاء زنجانی اظهار تأثر نموده بودید اینجانب بنابر مساعدت به مشارالیه داشتم ولی دو نفر از رفقای ایشان که ثقه نزد اینجانب هستند بعد از اینکه اینجانب ایراد این معنی را نمودم گفتند ایشان از وجوه قبول نمی‌کنند و بنده در این موضوع تقصیر بل قصوری هم نداشته‌ام زیرا که بنا داشتم و این حرف مانع شد و فعلاً ایشان شاید از عراق هم خارج نمی‌باشند و فعلاً تدارک این معنی را می‌شود نمود به اینکه خود جنابعالی در صورت سیر مبلغ یکصد تومان به معظم له پرداخته حواله اینجانب نمائید و در صورت عدم سیر مرقوم دارید حواله گرفته ارسال دارم راجع به کتاب مستطاب فقه الصادق جزء ثانی استفسار نموده بودید نظر احقر با جزء اول یک سنخ و خیلی خوب است امید است ان شاء الله اسباب طبع باقی نیز به احسن الوجوه تهیه گردد زیاده عرض قابلی نداشته التماس دعا دارم، والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

[illegible]

در مرقومه تاریخ ۷ شهر صیام چنین مرقوم نص عبارت (به طوری که تحقیق شد امسال وضع شما بسیار خوب بوده است ولی رفتارشان هنوز تغییر نکرده است) اگر مراد شما از وضع، وضع غیر مادی است همانطور بر طبق تحقیقات شما است و اگر مراد وضع مادی است اتفاقاً امسال برعکس پارسال وضع خوبی نبوده است منشأ تحقیق شما از کجا بوده نمی دانم که چنین برخلاف تحقیق است راجع به جناب مستطاب آقای آقا شیخ ابوالفضل مرقوم داشته بودید احقر خیلی میل دارم با اینگونه اشخاص حتی المقدور مساعدت نموده و مضایقه ننمایم مقتضی موجود و مانع مفقود ولی شرط منتفی است به هر حال جنابعالی مبلغ یکصد تومان نیز به ایشان پرداخت نموده و به ضمیمه مبلغ سابق حواله نمائید و الا بنویسید تا راه دیگری در نظر بگیرم.

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

بسمه تعالی

به عرض می‌رساند در دو سه مرقومه راجع به جهات مسامحه احقر اشاره فرموده و به اشاره ملحه اعتراض می‌فرمائید و اینکه معاصرین احقر جدیت و فعالیت می‌نمایند نقض فرموده‌اید دلم می‌خواست جواب مفصلی عرضه بدارم مجال ننمودم ناچار بدین چند کلمه مصدع می‌شوم البته تصدیق می‌فرمائید احقر هم این مطالب را لاسیما بعد از تنبیه ملتفت می‌شوم ولی چیزی که احقر را از این مطالب صرف کرده این است که اگر احقر در این موضوعات اقدامی بکنم قطع نظر از جهات دیگر پیش خود منفعل و ناراحت هستم زیرا که بالعیان می‌بینم که این دنیا به کسی دست نداده و هنوز بکر است و هیچ ارزش ندارد انسان در راه این بی‌وفا قدمی بردارد بلکه به حال خود باید وا گذاشت هر چه پیش آید خوش آید بسیار بی‌انصافی است که شخص عمری را در زحمت گذرانده و نتیجه او را به مفت بفروشد. اقدامات دیگران محمول به صحت است ولی ان شاء الله تعالی احقر نخواهم نمود و اگر جنابعالی در این موضوع ان قلت دارید امید دارم به جهت زیارت نجف اشرف مشرف شوید شفاها بحث می‌نمائیم.

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

۱۷ دفتبر ۱۲۷۴
مجلس اول
روز شنبه ۱۲ دفتبر ۱۲۷۴
بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمین
و الصلوة علی من فی اهل البیت
و السلام
عزیز الله
مجلس اول
روز شنبه ۱۲ دفتبر ۱۲۷۴
بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمین
و الصلوة علی من فی اهل البیت
و السلام
عزیز الله

۱۷ ذبیعدة الحرام

۱۳۷۴

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض می‌رساند: مرقومه محترمه مورخه ۱۱ شوال که حاکی از سلامتی و تندرستی آن جناب بود، واصل و از مضمونش اطلاع حاصل گردید. امید است پیوسته در اعلای کلمه حقه موفق و مؤید و از بلیات محفوظ باشید مطالبی را که نمره بندی نموده بودید جوابشان مرتباً عرض می‌شود: ۱- راجع به قضیه بهایی‌ها و تأثر حضرت آقای بروجردی در این موضوع شرحی مرقوم داشته بودید این موضوع در نجف اشرف فقط به وجهه دینی تلقی شده، اشخاصی که در این موضوع تلگراف نمودند که از جمله آنها احقر بودم فقط به لحاظ دین بوده و مخصوصاً در آن ایام وجدی داشتم که این فرقه ضاله مضمحل و نابود گردند، اگر خدای نخواستہ واقع امر مطلب دیگری بوده و آقای بروجردی هم اغفال شده، البته معذور خواهم بود میزان در تحسین و تقبیح مقام احراز است اعتباری به مصادفه و مخالفت واقع نیست. ۲- آقای آفاسید حسین قاضی، بنده هم چنان چه مرقوم فرموده‌اید ایشان را مرد پاک و با واقعیت یافتن آن قدری که معظم له خدمت شما نسبت به اینجانب اظهار لطف نموده‌اند، اینجانب نیز اظهار ارادت می‌نمایم و در خصوص بقای ایشان در نجف بنا به اشاره بعضی از رفقا که اظهار میل احقر را نسبت به بقای ایشان تحسین می‌نمودند، اظهار میل شد ولی عملی نگردید مقتضای عبارات جنابعالی آن بود که رسماً دوباره ایشان از قبل احقر طلبیده شوند که در دستگاه مفید است، ولی لابد لوازم این مطلب را از هر جهت در نظر گرفته و امکانش را به نظر خود تجویز نموده‌اید. این صدای دهل است که از دور شنیدنش خوش است. احقر با ملاحظه وضع مادی فعلی خود علی الخصوص امسال نمی‌توانم بر چنین موضوعی اقدام نمایم و لابد جنابعالی از کثرت عائله مشارالیه خبر دارید. به هر حال به کار خوردن ایشان در دستگاه اینجانب یا لازم داشتن احقر ایشان را در دستگاه خود نمی‌دانم عبارت از چیست. به هر حال راه حل این مطلب آن است که جنابعالی از قبل خودتان با ایشان مذاکره نموده و اظهار میل احقر را در اینجا به مشارالیه تذکر داده و قراری که اینجانب از عهده برآیم گذاشته و به اینجانب اطلاع بدهید تا جواب عرض نمایم و بعداً تکلیف معلوم شود و اینجانب از مساعدت مقدوره مضایقه ندارم ولی تکفیه مؤنه مقدور اینجانب نیست.

[illegible]

۳- موضوع آقای آقا شیخ ابوالفضل ان شاء الله عرایض احقر خلاف واقع نیست. علاقه احقر نسبت به مشارالیه زیاد است و در این موضوع به خودشان عریضه‌ای نوشته‌ام و منشأ رد ایشان ظاهراً مستند به شنیدن صدای دهل بوده، امید است که ان شاء الله حضرت حق تسهیلی در امور فرماید و تمکن بدهد تا از خدمت نسبت به اینگونه اشخاص کوتاهی ننمایم.

۴- راجع به موضوع آقای آقا سید ضیاء زنجانی وجهی به توسط بنده‌زاده سید جمال فرستادم، شاید تا حال به ایشان رسانیده باشد. ۵- موضوع دو اجازه و دو آقا را نفیاً و اثباتاً نمی‌دانم چیست زیرا که تا حین تاریخ آنچه از مرقومجات آن جناب واصل گردیده جوابش عرض شده و موضوعی مهمی نمانده، اگر چنان چه جنابعالی این دو آقا را اهل می‌دانید ثانیاً به صورت فوری معرفی نموده و مرقوم دارید که اجازه بنویسم شاید در این موضوع شما چیزی نوشته‌اید و به احقر نرسیده یا این که جوابش نرسیده باشد. علی ای حال اینجانب مطلوب نیستم فقط جواب این رقیمه است که آن هم الساعه ان شاء الله تمام می‌شود.

۶- موضوع تقریرات را غیر از تقریر آقای سلامت چیزی دیگر در نظر ندارم اگر مراد این است که به خود ایشان جواب نوشتم و کما این که عرض شد از جنابعالی رقیمه‌ای بی جواب نمانده.

۷- از سلامتی و تندرستی خود و رضایت بخشی مباحثاتان مژده فرما شده بودید، باعث مسرت گردیده حمد الهی را به جا آورده امیدوارم بیش از پیش در اثر توجهات خاصه حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه - تقدم داشته و از هر حیث در ترقی باشید. تبلیغ سلام خدمت حضرت آقای والد - دامت برکاته - به عهده آن جناب است زیاده عرض قابلی نداشته التماس دعا دارم، والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

ابوالقاسم الموسوی الخویی

از مطالب برودند منزه کن طلب با آنکه که خود مهر با در جواب میهم
و آن طلب را جمع شخص نفی است که اظهار ناکند فرموده اید در بعد از آنی زلف است
نتیجه این طور باشد رضا و رغبت فرموده اید که همه عزیزانی رفته و در جمیع
تتمیم و به تمامه بنامی البته بدانید اگر احتمال تأثیر میدارم البته امر کار تمام
میدارم ولی قاطع میگویم که اصله فایده ندارد باید که در امور زلف فرموده اند
میخواهد ان شاء الله قالی آخر حسب و طیفه تر میفرستد بعد از آن میفرستد
میشاید خوش آمدید و خال و سوزن و دیگران همه درین باب کمال است
و این عرض مایع نیست و به تمامه فراراهم و به تمامه عرض میفرستد
اینهمه

بسمه تعالی

از مطالب مرقومه اخیره یک مطلب باقی مانده که خود احقر باید جواب بدهم و آن مطلب راجع به شخص نجفی است که اظهار تأثر فرموده اید که بعد از این زحمات نتیجه این طور باشد و ضمناً درخواست فرموده اید که احقر به منزلشان رفته و وجه قابلی تقدیم و استماله بنمایم. البته بدانید اگر احتمال تأثیر می دادم البته امر عالی را انجام می دادم ولی قاطع هستم که اصلاً فایده ندارد. باید کجدار و مریز رفتار نمود تا خدا چه خواهد. ان شاء الله تعالی احقر حسب وظیفه شرعیه رفتار می کنم بعد از آن هرچه پیش آید خوش آید. به افعال و تروک دیگران احقر و جنابعالی مکلف نیستیم زیاده عرض قابلی نداشته و التماس دعا دارم، والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

12A
1540

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

ج ۸

۱۳۷۵

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می‌رساند که: مرقومه محترمه یکی به توسط پست و دیگری به توسط آقای آقا سید یحیی واصل و از مضمونشان اطلاع حاصل گردید از قرار صحبت مشارالیه معلوم شد که از سهم امام نمی‌خواهند و ان شاء الله بعداً تحقیق بیشتری می‌نمایم اگر خواستند مساعدتی خواهم نمود. راجع به موضوع آقای آقا سید مرتضی تبریزی شرحی مرقوم داشته بودید. این مطلب داستانی داشته و به این سادگی‌ها که مرقوم داشته بودید نیست و مقتضی بیان تفصیل هم نیست و آنچه پیش آمده امید است خیر باشد. راجع به بنده زاده سید جمال و دعوت رسمی شما از مشارالیه و اظهار لطف و مرحمت و کاغذ نوشتن به او شرحی مرقوم داشته و نوشته بودید که به ایشان سفارش کنم که با مخلصین این طور رفتار نمایند کسی که با مخلصین این طور باشد عذر مخلصین خواسته است و مع ذلک ان شاء الله سفارشی خواهم نمود. زیاده عرض قابلی نداشته التماس دعا دارم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
ابوالقاسم الموسوی الخوئی

حاشیه عروه نه (۹) مرقومه اش طبع شده و تا یک ماه دیگر بقیه نیز انجام خواهد گرفت.
آقای مزبور اظهار کرد که امورشان از روضه خوانی می‌گذرد و وجوه نمی‌گیرند.
توصیه‌ای در موضوع مشاھره اش به یکی از تجار خواست احقر هم نوشتم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

1/3 25

1 2 3 4

[illegible]

۲۴ محرم الحرام

۱۳۷۶

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض می‌رساند: مرقومۀ محترمه مورخه ۸ شهر جاری که حاکی از سلامتی آن جناب بوده واصل و از مضمونش که حاوی مطالبی بود، اطلاع حاصل گردید. امید است پیوسته در اثر توجهات خاصه حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه - در اعلای کلمه حق و اعزاز دین مبین موفق و مؤید و معزز و محترم باشید.

۱- جریان مسافرت را مرقوم داشته بودید مسرت بخش بود، در مرنده اگر چنان چه منزل آقا میرزا علی اکبر مرنده وارد می‌شدید، اصلاح بود.

۲- راجع به وضعیت آقای میرزا محمد، شرحی مرقوم داشته بودید اگر چنانچه موردی برای تهیه وجه و ادای دیون مشار الیه در نظر دارید تهیه و آلا در صورت صلاح دید اطلاع دهید تا به میرزا علی اکبر آقا یا آقای حاج میرزا محمد بنویسیم از همان جا تهیه نمایید.

۳- از آقای طسوجی تاکنون نامه‌ای نرسیده ان شاء الله پس از وصول نامه همان طور که مرقوم داشته‌اید می‌نویسم.

۴- آقای مرقاتی^۱ از جهت قروض ایشان فکرش شده و مطمئن باشید، و البته در صورت میسر بودن مشار الیه به نجف بیایند والا همان قم باشند مانعی ندارد. جریان مراجعت

۱. مرحوم حجت الاسلام والمسلمین حاج سید جعفر مرقاتی.

قه و در دست بگامه مرقم دهسته بودید و بجهت یافتن کردید و باین سبب
 که شریک علی سید و دریم در وقت تشریف بزیارت ادرک و عید مانات
 ش راجع به رضایه مرقم دهسته بودید و مدعی اینست که اگر چه خودتان
 حاج خدیجه و حاج غفاره مطایبه این سفر را از زبان خودتان شخصی به
 روایت آن کرده اند و باین سبب خدمت خود و در منزل مهری باین
 نامه جناب قه و در دست باین سبب و گویا چه خبری مانده است
 بهر حال خدمت این سبب و بهر حال درم . جناب در این سفر
 به خود و در دست مانده خود و در دست مانده . لذا لغیر این سبب
 توان قه و در دست باین سبب و در دست باین سبب
 میرزا بهیم بگامه مرقم دهسته بودید و باین سبب و در دست
 خدمت خود که شریک خودتان باین سبب و در دست
 منزل قه و در دست باین سبب و در دست باین سبب
 دینی که در این سفر مانده و باین سبب و در دست باین سبب
 غایب عرض نمایا نموده و در دست باین سبب و در دست
 است که به هر دو منزل خودتان مانده و در دست باین سبب
 تخمیر شد و منتظر عید باین سبب و در دست باین سبب
 اینک ایامی است

آقای والد - دامت برکاته - را مرقوم داشته بودید موجب تأسف گردید با این سوء تصادفی که شده، به هر حال امیدواریم در وقت تشریف به زیارت تدارک و تلافی مافات شود.

۵- راجع به رضایه مرقوم داشته بودید مُلّا می خواهند اگر چنان چه خود آقای حاج خلیل آقا یا حاج غفار آقا مطالبه این معنی را از اینجانب نمودند، شخصی را برایشان فکر می کنیم. تبلیغ سلام خدمت آقای والد موکول به عهده آنجانب است. از جناب آقای اخوی مدتی است بی اطلاعم و گویا آجیل خوری مانع است، به هر حال خدمت ایشان سلام و التماس دعا دارم.

جنابعالی در این سفر شاید برخورد به واردات ما از خوی و مرند نموده باشید لذا تقبیل مبلغ هزار تومان آقای میرزا محمد برای من مشکل است.

جناب مستطاب آقای حاج میرزا رحیم زنجانی مشرف شده و یک مرتبه با ایشان ملاقات و جریاناتی صحبت شد که شاید خود ایشان ابراز بدارند و به جهت نامناسب بودن منزلشان قبول نکردند بازدید بروم در خاتمه امید است در این خدمات دینیه که در این سفر نموده اید مأجور و مثاب بوده و آثارش نیز ظاهر گردد. زیاده عرض قابلی نداشته در حق شما دعا و از شما التماس دعا دارم. مدت یک هفته است که به بیرونی منزل نوانتقال نموده و عنقریب ان شاء الله اندرونی تخلیه شده و منتقل خواهم گردید.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته
ابوالقاسم الموسوی الخوئی

بسم الله الرحمن الرحيم

غزوة بدر
۱۳۷۶

بموضع لیسند
دشمن و بهای لیسند و در فیه بجهت بدر رفتند
که
سنة ۱۹۸۷، زیارت از سلطان به کفای حاصل راجع بود فانی
از قم سوال شد است نتیجه حاصل نه ثبت بخود نه ثبت به دیگر
نشده ام و هیچ صحبت در اطراف این موضع در این بنا کرده نشود
انکه بجهت شری باشد و من بجهت نه باشد بسم الله الرحمن الرحيم
و در جرد عرض کرده بودم عرض اعتراض با جنبه نبوده بلکه
نظر خود به آیه تسلیم است که انتخاب همه جهات را منوط خود باشد
فرمود از رسیدگی به نموده چند روز قریبانه رسید به شهر زار
مقدم و بسم الله الرحمن الرحيم و در بانه ابوالکلام بود انکه

غرة شهر رجب

۱۳۷۶

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می‌رساند: ان شاء الله تعالی به سلامتی و عافیت بوده باشید، مرقومه محترمه ۱۹ ج ۲ زیارت از مطالب استحضاری حاصل راجع به موقوفات که از قم سؤال شده است، نتیجه‌ای تا حال نه نسبت به خود و نه نسبت به دیگران نشنیده‌ام و هیچ صحبتی در اطراف این موضوع در این جا مذاکره نمی‌شود، مگر این که به صحبت‌های سرّی باشد و من سابقه نداشته باشم. آن چه در موضوع آیه‌الله بروجردی عرض کرده بودم، غرضم اعتراض به آن جناب نبوده، بلکه بیان نظر خودم بوده، البته معلوم است که آن جناب همه جهات را ملحوظ خواهند فرمود.

از آقای سید یحیی باغمیشه‌ای چند روز قبل نامه‌ای رسید، جوابش را ارسال نمودم. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

[illegible]

۲۷ شعبان المعظم

۱۳۷۶

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض می‌رساند: ان شاء الله تعالی مزاج مبارک در کمال استقامت و عین عافیت بوده و ملالی نخواهید داشت. امید است پیوسته در اثر توجهات خاصه حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه - در اعزاز دین مبین موفق و مؤید و از بلیات محفوظ باشید. ولادت باسعادت حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه - و عید نوروز را تبریک عرض نموده سعادت و عزت و سلامتی آنجناب و فامیل محترم را طالبیم. غرض از تصدیع پس از استعلام از سلامتی وجود محترم آن که جناب مستطاب آقای آقا سید ابراهیم علوی^۱ - دامت برکاته - در اثر علو همت و شهامتشان در خدمت به امور دینیه مورد علاقه و تقدیر احقر بوده و خواهند بود ان شاء الله و چندین پیشنهاد ایشان تا حال داشته‌اند که من جمله شهریه قرار دادن اینجناب برای آقایان طلاب خوبی مقیم قم بود و این مطلب واجد مقتضی و مانع و فاقد شرط بود و علتش این است که جناب ایشان تاکنون از نزدیک به وضع بنده روشن نشده‌اند و از قراری که جناب آقای سعید (چهل ستونی) و آقای اخوی آن جناب اظهار می‌داشتند مشار الیه از اینجناب به علت عملی نکردن پیشنهاد مزبور گله‌مند هستند و لذا به طوری که معلوم نشود از قبل بنده است با ایشان مشافهتاً یا مکاتبتاً تماسی گرفته و موجبات تکدر ایشان را استفسار نموده و حتی المقدور در رفع آنها سعی فرمایید.

اینجناب تصمیم دارم ان شاء الله الرحمن در ماه مبارک رمضان مقدمه تفسیر را مراجعه و تکمیل نموده و بعد از ماه مبارک اقدام به طبع آن نمایم و ان شاء الله نسخه‌ای از آن ارسال خدمت جنابعالی و آقای معظم له ارسال خواهد گردید، زیاده عرضی نیست.

والسلام علیکم و رحمة الله برکاته
ابوالقاسم الموسوی الخوئی

۱. آیت الله آقای حاج سید ابراهیم علوی خوئی، از علمای شهرستان خوی.

و نیکو بخواهم
 بسم الله الرحمن الرحیم
 ۱۳۷۶
 به عرض عالیجناب
 بهت در تالیه فراج مبارک در محاسن سعادت و عین

و به نیکو امید داشت بدست پیوسته در اثر تو جفا نموده حضرت و علم
 محترم به تالیه فراج در عین ازین پس و عین سعادت موفقی
 و مؤید و ازین محفظ باشد اگر چه بدست مستحق از طرف
 به طبع علم و پیوسته از گوشه و کنار جویای سعادت می باشم حری
 که در جرح تصدیق شریک شده نام از خوی ازین کی از زبان طاعت شمس
 که شریک پیشرو ناگوار می بیند این علم شمس در بدو و در
 به این سرور که عمر به بهر بهر نموده و پس از تحقیقات
 لطافت از ادب آن نعم اند که اندک نیست بهر بهر
 معصوم شمس که اوده تحقیق در طبع این طبع شمس
 در صدد چاره نمودن بدست بهر بهر سی در کمال
 و به هر قدر ممکن باشد صورت گیرد در بهر بهر درجه است و بهر بهر
 ابداً تمام بهر بهر

۶ ذی الحجة الحرام

۱۳۷۶

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می‌رساند: ان شاء الله تعالی مزاج مبارک در کمال استقامت و در عین عافیت بوده و ملالی نخواهید داشت. امید است پیوسته در اثر توجهات خاصه حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه - در اعزاز دین مبین و اعلاء کلمه حق موفق و مؤید و از بلیات محفوظ باشید. گرچه مدتی است مستقیماً از طرف جنابعالی بی‌اطلاعم ولی پیوسته از گوشه و کنار جویای سلامتی هستم. چیزی که موجب تصدیع شده آن است که نامه از خوی از یکی از آقایان طلاب داشتم که شارح پیش آمد ناگواری بین آقایان اهل علم آن بلده بود و منجر به این شده بود که عده‌ای را به شهربانی جلب نموده و پس از تحقیقات به ضمانت آزادشان نموده‌اند. لذا لازم دانستم بدین وسیله مصدع شوم که اولاً تحقیقی در اطراف این مطلب نموده و بعداً در صدد چاره‌ای شوید شاید اصلاح اساسی اگر ممکن باشد والا هر قدر ممکن باشد صورت بگیرد، والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

۲۱ من کج بحرام بسم الرحمن الرحیم
۱۴۷۶

بعرض کایربند مرقد محترمه نور خا که عازم می و نه سی پنجاب

در حضور سربلند عالم گردید پیوسته توصیفات دایه بت پنجاب زردگاه
ایزدستگاه نام جنبه قمر عطفه بخت پنجاب لعل و جریان قضیه
طوب خوی تم بقیده تاربت خود عوض نمودم رفقه کایربست رت تار
آن م عاوی بود در حب خود کفی گردیدم حبه ایی بجا آوردم
عطفه مدت حضرت پیاده ای بهشت عوضه داشته شکر بخوردم
در از داشته لغا از طاعت گردید و انرا از جهت شعی بر طریقه
بود و در از نه باستقیار در خدمت یافتن یار و فرید و در
در جاش از پنجاب مخدود داشته به ستر در میر تا از اینها بر گرد
ایه درم است و به با نام و تدبیر جسم عالم فو و بنایه نام
خوی م مطاعه و حب بر در جاع دیشیم نام زشتن به منته
بفخر خرم است نماید به میبش که به قای ندر بدین نامی خیری
برایم و له بخیر است به دن ندر پنجاب به در صدیکه مسیح
بنیه مرقم در میر تاربت به زشتن فو زله عطفه تاربت
بقرصه صم میبشیم و به و بکاته ابر کیم ابر و رانچه

۲۱ ذی الحجة الحرام

۱۳۷۶

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می‌رساند: مرقومه محترمه غیر مورخه‌ای که حاکی از سلامت و تندرستی آن جناب بود واصل و از مضمونش اطلاع حاصل گردید پیوسته توفیقات و تأییدات آن جناب را از درگاه ایزد متعال طالبم چندی قبل عریضه به خدمت آن جناب ارسال و جریان قضیه طلاب خوی را به ضمیمه تأثرات خود عرض نمودم. رقیمه عالی که بشارت تدارک آن را حاوی بود موجب خوشوقتی گردیده حمد الهی را به جا آوردم.

حسب الامر عریضه خدمت حضرت آیه الله آقای بهبهانی عرضه داشته تشکرات خود را ابراز داشتم لفاً ارسال خدمت گردید و این از جهت مشی بر طبق میل آن جناب بود والا اگر از اینجا مستقیماً ارسال خدمتشان می‌شد شاید اوقر بود. اگر چنانچه ارجاعش به اینجانب محذور نداشته باشد مسترد دارید تا از اینجا ارسال گردد.

امید دارم ان شاء الله با تأمل و تدبیر حسم ماده فساد را بفرمایید نامه‌های اخوی مطالعه و حسب الامر ارجاع داشتیم. نامه نوشتن به صدرالاشرف را به نظر احقر مناسب نیامد بی‌میل نبودم که به آقای نورالدین امامی چیزی بنویسم، ولی نخواستم بدون شور آن جناب باشد. در صورتی که صلاح بدانید مرقوم بدارید تا به مشارالیه نوشته شود زیاده عرض قابلی نداشته التماس دعا دارم. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

بسم الله الرحمن الرحیم
۷۷ شریعتی اکرام
۱۳۷۷
دش و هم که در وجود یک قرن صحت و عافیت بهشت
مهرن کا ریخند
و قد تمیز بر روضه شریعتی اکرام چند فقره زیارت ستمه ستاری هم حکم کرده ام
برسد زور کملین ارم طرف رفت و حمل ملایم خواهد کرد چند روز در مدینه
استه و انظار که در کمال باشد که بعد از آنکه آمده اند تا آنکه ستمه ستاری
که آخر حکم کرده بودم که قبول دارم و که بهر وجه حضرت را راستاری چند روز
معت بهرید انظار که در مدینه دارد سلطان فریستم ستاری از روضه در مدینه
ایشان نیز آخر نامه ۱۰۰ این مطلب را نظر بفرماید در دشت و روضه ستاری
و که از آنجا که حضرت حق عزت غنی شود بهایش را قضا فراموش کرده بود
دار اندک ستاری و روضه راجع به وقت و راجع به اسم آخر ستمه ستاری این خواهد
بود و صاحبان روضه از کمال حاجت نموده بودند لذا روضه نزد ایشان وجود
بدون کتم قیام را از آنجا که کند و حاجت برایشان سلطان بیت عظمی از آنجا
که بهر مطلب استقامت گرفت. بطبی که لازم است که در این بیت که اوست
ایشان همیشه یک نمونه است و وضع بدطریقی که نصیر و روضه ای
بسیار شکل میوه و از این جهت اول این بود که قید با حرم روضه
و بعد از آن بهرید و لا اقر در مدینه ستاری و بهرید را معین فرمایید
تا بهیای نامیم و هذا سر رشته طریقی که بهیای بود که روضه انضال آخر

۲۷ شهر محرم الحرام

۱۳۷۷

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می‌رساند: ان شاء الله تعالی وجود مبارک، قرین صحت و عافیت بوده باشد. مرقومه محترمه مورخه شهر ذیحجه الحرام چندی قبل زیارت، مقدمتاً مقداری وجه حاضر کردم تا حواله برسد زیرا که مطمئن بودم طرف، وقت وصول مطالبه خواهد کرد. چند روز بعد طرف مسجد آمده و اظهار کرد که به اسم شما کذا مقدار حواله آمده از آن جایی که مقدار حواله بیشتر از وجهی بود که احقر حاضر کرده بودم گفتم قبول دارم ولی همه وجه حاضر نیست برای مقداری چند روز مهلت بدهید. اظهار کرد مانعی ندارد به تهران می‌نویسم که مقداری از وجه در ذمه ایشان یعنی احقر مانده. البته این مطلب در نظر احقر محدود داشت و وجه حاضر هم نداشتم ولی از آن جایی که حضرت حق نخواست خجل بشویم اسبابش را قبلاً فراهم فرموده بود و او این که مقداری وجه راجع به رفقای آقای ماکویی به اسم احقر به عهده ایشان حواله بود و صاحبان وجه از مکه مراجعت ننموده بودند لذا وجه نزد ایشان موجود بود. گفتم بقیه را از آن وجه کسر کنید و حاجتی به نوشتن به تهران نیست غرض این که بحمدالله مطلب انجام گرفت. مطلبی که لازم است تذکر دهم این است که اوقات انسان همیشه یک نحو نیست و وضع بلد طوری شده که تحصیل وجه گاهی بسیار مشکل می‌شود از این جهت اولی این بود که جنابعالی قبلاً به احقر مراجعه و بعداً حواله بدهید و لا اقل در مرقومه مقدار حواله را معین فرمایید تا مهیا نمایم تا خدای نخواستہ طوری پیش نیاید که موجب انفعال احقر و جنابعالی فراهم شود. اما وضع خوی بسیار پریشان کرده و چاره هم ندارم.

مرقومه ثانیة آن جناب فی الجملة موجب تسکین شد. امید است در اثر همت و عقل آن جناب به خوبی انجام یابد البته کمال جدیت را اعمال خواهید فرمود. راجع به آقای امامی فعلاً صلاح نمی‌دانم چیزی بنویسم اگر اقدامی نموده باشند بعداً تشکر می‌نمایم و البته جنابعالی چگونگی را اطلاع خواهید داد. آقای ناصر زاده تا حال نجف نیامده در وقت آمدن ایشان آنچه مقتضی است ان شاء الله تعالی عملی می‌شود. شخص پیرمرد معقولی در مسجد آمد و اظهار کرد که از آقای آقا سید ابراهیم نامه‌ای دارید دو نامه به احقر داد ملاحظه کردم دیدم یکی راجع به آقای حکیم است و دیگری راجع به اخوی عالی است نامه‌ها را به ایشان برگرداندم خیلی متعجب شد گفت نامه شما لابد در منزل مانده بعداً هم ملاقات نشد و مطلب مجهول ماند نفهمیدم

مکتوب به شماست با اینکه انرا از اعیان پیش آورده . تغییر که هرگز نیستیم و در طبع شد
 البته غریب و متن ارباب خواهد شد و نقد نقد از طبع خارج شد است البته چنانچه
 طول دارد در ایام تطبیق اکثر اشغال صبر به تغییر بود تا آخر جواب برده نمائیم پس بدین
 مطلب بعد از همه عرض قیام نیست و با آنکه در دادم و پس از یکم در قیام بود که
 او هم از نظر است

مکتوب نداشتیم، یا این که مانعی از ایصال پیش آمد کرد. تفسیری که احقر نوشته ام وارد طبع شد ان شاء الله تعالی عنقریب خدمتتان ارسال خواهد شد فعلاً مختصری از طبع خارج شده است البته چند ماهی طول دارد. در ایام تعطیل، اکثر اشتغال حقیر به تفسیر بوده تأخیر جواب مرقومه عالی هم شد به این مطلب بوده. زیاده عرض قابلی نداشته و التماس دعا دارم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
ابوالقاسم الموسوی الخوئی

۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱
 ۴۷۲
 ۴۷۳
 ۴۷۴
 ۴۷۵
 ۴۷۶
 ۴۷۷
 ۴۷۸
 ۴۷۹
 ۴۸۰
 ۴۸۱
 ۴۸۲
 ۴۸۳
 ۴۸۴
 ۴۸۵
 ۴۸۶
 ۴۸۷
 ۴۸۸
 ۴۸۹
 ۴۹۰
 ۴۹۱
 ۴۹۲
 ۴۹۳
 ۴۹۴
 ۴۹۵
 ۴۹۶
 ۴۹۷
 ۴۹۸
 ۴۹۹
 ۵۰۰
 ۵۰۱
 ۵۰۲
 ۵۰۳
 ۵۰۴
 ۵۰۵
 ۵۰۶
 ۵۰۷
 ۵۰۸
 ۵۰۹
 ۵۱۰
 ۵۱۱
 ۵۱۲
 ۵۱۳
 ۵۱۴
 ۵۱۵
 ۵۱۶
 ۵۱۷
 ۵۱۸
 ۵۱۹
 ۵۲۰
 ۵۲۱
 ۵۲۲
 ۵۲۳
 ۵۲۴
 ۵۲۵
 ۵۲۶
 ۵۲۷
 ۵۲۸
 ۵۲۹
 ۵۳۰
 ۵۳۱
 ۵۳۲
 ۵۳۳
 ۵۳۴
 ۵۳۵
 ۵۳۶
 ۵۳۷
 ۵۳۸
 ۵۳۹
 ۵۴۰
 ۵۴۱
 ۵۴۲
 ۵۴۳
 ۵۴۴
 ۵۴۵
 ۵۴۶
 ۵۴۷
 ۵۴۸

[illegible]

ج ۷

۱۳۷۷

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض می‌رساند:

رقیمه شریفه مورخه ۲۱ ع ۲۶ واصل و از مضمونش اطلاع حاصل گردید. امید است پیوسته قرین عزت و سعادت و در اعزاز دین مبین موفق و مؤید باشید. از آمدن جناب مستطاب آقای ملکی به قم شرحی مرقوم داشته بودید. موقتاً بودن ایشان در آن جا خیلی خوب و بی مانع است. ولی اقامت دائمی ایشان در آن بلده طیبه گمان نمی‌کنم صلاح باشد. به هر حال مزید توفیق و تأیید ایشان را از درگاه حضرت احدیت - جلّت عظمت - درخواست دارم، تبلیغ سلام و احوالپرسی خدمت ایشان مستند به لطف جنابعالی است. و راجع به قضایای خوی که شرحی مرقوم داشته بودید، تا اندازه‌ای موجب سرور شد، امید به فضل الهی این است که سوء تفاهم به کلی مرتفع گردد. راجع به مرقومه سابقه مورخه غره ۱ ع که تسریع در جوابش نشد، علت مهم آن علاوه بر کارهای دیگر، اشتغال به طبع تفسیر است که تقریباً مانع از تمام کارهای دیگر شده به غیر از مباحثه ضروری و مانع دیگر این که مرقوم داشته بودید که به قرار اطلاع واردات امساله خیلی خوب بوده و نوشته بودید که اگر خلاف باشد، مسکوت عنه باشد که موجب ناراحتی نشود، با این که ناراحت می‌شوید، امسال بدترین سالهاست، زیرا که علاوه بر این که وجه درستی نرسیده، بعضی‌ها وجه گرفته و تاکنون آن را نپرداخته‌اند و نمی‌دانم این مخبرین که این قدر حسن ظن دارند، کیانند که این طور اخبار را به هم جور می‌کنند. مطلب دیگر این که به فرمایش سابق خود اشاره نموده و تالی فاسد عدم امتثال آن را مرقوم داشته بودید الآن که جناب آقای ملکی در آنجا تشریف دارند واردات سالیانه مرا از ایشان از آن ناحیه تحقیق نمایید. اگر مرادتان این باشد که از وجوه آن جا چیزی تعیین شود، احقر که در مورد ایشان گرفتگی ننموده‌ام و هر چه ایشان صلاح می‌داند امضا می‌نمودم و اگر مرادتان این بوده که از این جا وجهی ارسال شود (اگر تصدیق فرمایید) مقدور احقر نبوده است

و به مضایقه نیست راجع به قیام و نبیاً و نبی نظری ندارم
 و اینست که در این کتاب که گویا از این کسی باشد بهشت با این نهایه که
 در توفیق را اجازه آخر بهشت مانعی ندارم و که اگر از اینجا از این چیز بخواهند
 معنی در اینست راجع به اینست که تا این طبع خود که بهشت را فرموده
 بودیم تا اینست که غریب تمام میگردانند و به از این آن طبع جدید و مرجع
 سردر شو با اینکه نمیخواستم خاطر غریب هم که را بنام و که از اینها که گرفتار
 آخر بماند و که بگوید که نزدیک است از اینها که در برودم چه استوار هستم
 طبع تقسیم هنوز نمیباشد و به سر از این طبع را از این از اینها که
 از اینها که بهشت میگویند و در خانه سده است و در توفیق دعوت و سعادت و سعادت
 و به اینها که طبع در اینست و به در اینست و به در اینست و به در اینست

و الا مضایقه نمی شد.

راجع به آقای بلوچی نفیاً و اثباتاً بنده نظری ندارم ولی این قدر هست که اگر از آنها کسی بنا داشته باشد با ایشان همراهی نماید و متوقف بر اجازه احقر باشد، مانعی ندارم. ولی اگر از اینجا از بنده چیزی بخواهند مقدورم نیست. راجع به مشاهره آقایان طلاب خوبی ها که اشاره فرموده بودید، بناء است عنقریب انجام بگیرد. ان شاء الله از انجام آن اطلاع دهید تا موجب سرور شود. با این که نمی خواستم خاطر شریف را مکدر نمایم ولی از آنجایی که گرفتاری احقر زیاد شده به حدی که نزدیک است از میدان در بروم، جداً ملتمس دعا هستم. طبع تفسیر هنوز انجام نیافته، ان شاء الله پس از انجام طبع در اولین ازمنه امکان ارسال خدمت می شود.

در خاتمه سلامتی و موفقیت و عزت و سعادت و سلامتی جنابعالی را طالبم.
و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته
ابوالقاسم الموسوی الخوئی

۲۶ ج ۲

۱۳۷۷

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض می‌رساند: ان شاء الله تعالی مزاج مبارک قرین صحت و عافیت بوده و ملالی نخواهد داشت. دو رقیمه از جنابعالی زیارت شد، مشتمل بر مطالبی بود که تا اندازه‌ای متأثرم ساخت. جواب مطالب ذیلاً عرض می‌شود:

۱- آن که راجع به قیمت عباي جنابعالی خاطر جمع باشید، به هر تقدیر به آقای کلباسی چند روز بعد پرداخته خواهد شد.

۲- پنجاه تومان بدهی آقای محدث‌زاده به ایشان نیز حسب الامر پرداخته می‌شود.

۳- راجع به آقای آقا شیخ عبدالعلی اهری به آقای سجاسی ثانیاً مراجعه نمایید، اگر پرداختند فیها و الا خودتان از قبل احقر برای ایشان ارسال دارید و اگر از خود ایشان نامه‌ای رسید، در جوابش خواهم نوشت که به عهده جنابعالی حواله شده.

۴- آن که در نامه مورخه ۱۱ ج ۱ آقای آقا میرزا اسماعیل رستگاری و آقای آقا سید علی اصغر موسوی را توصیه فرموده و امر نموده بودید، مساعدت مالی شود، امتثال خواهد شد.

۵- موضوعی بود که باعث تأثر احقر از وضع مردم و تعجب از خوش‌باوری جنابعالی شد، همان حرفی است که از بنده راجع به رفتن سامراء به سمع مبارک رسیده، کما این که در نامه‌های سابق دو قضیه نظیر این را مرقوم داشته بودید.

بنده که ناقل را نمی‌دانم چه کسی است، ولی از جنابعالی تعجب می‌کنم که چه طور احتمال این که یک همچو حرف‌هایی از دهن بنده بیرون بیاید، به ذهنتان خطور می‌نماید. بنده اگر قادر [باشم] جلو کلمات خودم را بگیرم، ولی قدرت بر جلوگیری از دهن مردم را ندارم که چیزهایی که موجب تأثر جنابعالی می‌شود، جعل نکنند. البته این معنی از قدرت بنده خارج است.

زیاد عرضی نداشته، التماس دعا دارم، والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

۱۰۰

1 5 4 2

موسیقی و ریاضیات

وہ خیر ہے بہت بہت پرستہ نظر بخیر و کامیابی

فزعهم به و نویں عزت و سعادت باشد عیبه عیبه فزعهم

بر نوبت هر یک عرض نمایم و قیام سرتیغ در صحرای و در نزدیکی

عالم گزیده راجع به کتاب (ایمان) شرح مرقوم در دسته دوسری

خداوند را در همه روزگار نیکو دانایان از رزق مطهر

و منظر نظا لچ و آتیه شہ بہ ہر خوشنیت و عافیت

تأليفه و در کتب معتبره از ایشان در این باب را حاشیه

تبدیل و تفسیر

بسم الله الرحمن الرحيم

در جبین بقاء و تعلیه اسماء فرموده که در

جهت دعوت جمیع و ظهور در آن شرحی در حساب رجا

عنه بخند و کمال لعنه بر همه جا نرسم

وہ ایک نسخہ از کتاب مصباح ہے

میترو و نیز مطلبی بنیامین سرو و خاموشی ترخانم و دیگران

در کتب اربعه و احسن خوب و تازه مدار و دوازده کلمه

حضرت امام و دولت راکه که به مرتضیٰ

نصرت و دوستی بدو را - بهر چه سر رسید

وہاں سے لے کر
پورے ملک میں
میں نے اپنے
دوستوں کو

۳ شوال المکرم

۱۳۷۷

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می‌رساند: ان شاء الله تعالی مزاج مبارک در کمال استقامت و عین عافیت بوده و ملالی نخواهید داشت امید است پیوسته منظور نظر اعلی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه بوده و قرین عزت و سعادت باشید عید سعید فطر را بدین وسیله تبریک عرض می‌نمایم رقیه شریفه واصل و از مضمونش اطلاع حاصل گردید راجع به کتاب (البیان) شرحی مرقوم داشته و حسن ظن خود را بیان فرموده بودید گمان نمی‌کردم تا این اندازه مطبوع و منظور نظر عالی واقع شود به هر حال خواهشمند است دعا فرمائید تا در اثر دعای آنجناب توفیق اتمام آن حاصل گردد راجع به مسأله بقاء بر تقلید مدرک آن بناء عقلاء است و در بنای عقلا اگر چه بین بقاء و تقلید ابتدائی فرقی نیست ولی از جهت دعوای اجماع و ظهور ادله شرعیه در اعتبار حیاة عند السؤال و الأخذ تقلید ابتدائی را جائز نمی‌دانم و ان شاء الله تعالی یک نسخه از کتاب مصباح الاصول ارسال می‌شود این مطلب در آنجا مشروحاً درج شده خانم والده بحمدالله در نجف اشرف و حالشان خوب و نازۀ ندارند و از قرار مسموع حضرت آقای والد دامت برکاته به کربلا مشرف شده‌اند.

زیاده عرض قابلی نداشته در حق شما دعا و از شما التماس دعا دارم، والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

ص

۱۳۷۹

بسم آراحمین الرحیم

بر عرض عالی برساند
بعد از تقدیم مراتب لازمه و تشکر ازالطاف سبذولت تباً و لاحقاً که یک از آنها قیام، بر فائده این
و اخیراً بعد از چند مطلب بیان میشود(۱) مگر آنکه چنانکه ضمن مکتوبات به نگیرنده در خصوص این مکتوبات
بجای آداب نوشته شد و احترامات و تکریمات و تقاضای این
و عمل اعتماد برده و مکتوب کرده است اگر در مکتوبات این قسم
و بر این باب به مکتوب شرف و بعد از مکتوب استاحترامات و تکریمات در وقت مرحوم و بعد از آنکه از آن
چنین پیش آمد کرد و بعد از مکتوب شد و از این مکتوبات
چنانکه کار مکتوبات را همین بر صحت نموده و چنانکه
اعتنا نموده و مستقیم دانسته اند که مکتوبات به طبع و تحریر
بر قوم نه است که مکتوبات به بعد از این هم ننویسم این قسم
و این قسم در جواب مستقیماً با مکتوبات بر صحت و عند قیام
شده است و البته مکتوبات را به وجه فراموشی در مکتوبات
مدرسه در صورت عدم ضرورت است باقی مکتوبات که مکتوبات
مکتوبات را داده نمویسم که مطلب چنین نموده است این
مطلب مکتوبات است که مکتوبات مکتوبات مکتوبات

۲۱ شهر ج ل

۱۳۷۹

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می‌رساند: بعد از تقدیم مراتب لازمه و تشکر از الطاف مبذوله سابقاً و لاحقاً که یکی از آنها قیام به امر فاتحه راجع به مرحوم آقای اخوی بود، چند مطلب بیان می‌شود:

(۱) تلگراف جنابعالی ضمن تلگراف به دیگری نبوده، در حضور احقر با تحفظ به جهات آداب نوشته شده و احقر امضا نموده و شخص امین و محل اعتماد برده و مخابره کرده است. اگر در تلگرافخانه قم و هو الظاهر یا نجف اشرف و هو المحتمل بعیداً اشتباه شده باشد، احقر تقصیری ندارم. در فوت مرحوم والد نیز با یکی از آقایان چنین پیش آمد کرد و بعداً مطلب ظاهر شد و از آنجایی که جنابعالی کار تلگرافخانه را حمل بر صحت نموده و احتمال اشتباه را اعتنا نکرده و مسلم دانسته‌اید که موقوف با اطلاع حقیر بوده است، مرقوم نداشتید که موقوف چه بوده، لذا من هم نفهمیدم. همین قدر دانستم که جواب مستقیماً به آن جناب نرسیده و خلاف احترام شده است و البته به تلگرافخانه مراجعه فرمایید شاید اشکال حل شود و در صورت عدم حل لازم است به آقای قبله‌ای که تلگراف را به جنابعالی نشان داده بنویسم که مطلب چنین نبوده، آیا این مطلب عادتاً محتمل است که حقیر جواب تلگراف جنابعالی را

ص ۴

در ضمن جواب دگر بر من اسید بعد انکه ملاقات دگر چنین نشود و شای
این پیش آمد که مرغی سترگ بر او حریفی باشد . آنچه از حال خود میفرماید
دگر دایم قلع از غر حریفش نماند و به عالم البته آنچه از باب رقص بفرست
هر دو به بیشتر فراهم شود اصح خواهد بود

(۳) در اثر قرائت لغت اول مرقوم ترین سبج در اثر قرائت لغت ثانیه جذبات
در درشته ریاضی و نظریات انکه عادت بخواب داشتیم تراستم بخواب و چنان بودم
شب را نماندیم به شش نیمه که به هر ترک نشد

(۳۱) انکه ملاقات کردن به حضرت آیه الله بود و در با بفرستاده اگر چه در نسخه به
و اشکال جدا دارد است و شایسته به این جهت باشد که از قبر حضرتان تفریق
هم فرسید است نه ملاقات و نه کتب و در این است که این اشکال بکثیر وارد نموده
و مع الارض و طینه آخر نموده که اطعم میم و از قبر دیگران مستولین نه دوم

(۴) در راه تفرجاً فرستاده این خدمت عالی و صلح است و این بکسر زنده
را به مرحوم صاحب کنیه خود آموز ارسال است ندانم چرا فرستاده است
که این کتب کمی داده است و فرسید است در این موضع باشد که در این میان
(۵) به مرقوم در موضع ارسال کتب ایشان در مرتبه جهت کرده این گان میگرد
ارسال شده معلوم شد فرسید است مناسب غرضیم ثانیاً صحبت کنیم با او
انکب را مرقوم دارد از آن نیز خوش فریده و به ارسال برادم

(۶) التوابع الثلاثه حال فرستاده بکثیر نود تر برسد اول است مدتی است در
انتظار زیا ترش هستم

در ضمن جواب دیگری بدهم؟ امید به خدا این که تلگرافات دیگر چنین نشود و شاید این پیش آمدهای غیر مترقب برای حقیر امتحانی باشد. آن چه از حال خود می فهمم چند صباح دیگر و ایام قلانلی از عمر حقیر بیش نمانده والله العالم. البته آنچه از اسباب توجه به حضرت حق جل و علا بیشتر فراهم شود، اصلح خواهد بود.

(۲) در اثر قرائت نصف اول مرقوم شریف، مبتهج و در اثر قرائت نصف ثانی چند ساعتی دردسر شدید عارض و ظهر را با این که عادت به خواب داشتم، نتوانستم بخوابم و احتمال می دادم شب را نتوانم مباحثه کنم، ولی بحمدالله ترک نشد.

(۳) این که تلگراف نکردن به حضرت آیه الله بروجردی یا به حضرتعالی اگر چه فی نفسه بی قاعده بوده و اشکال جداً وارد است و شاید به این جهت باشد که از قبل حضرتشان تعزیتی هم نرسیده است، نه تلگرافاً و نه کتباً ولی پرواضح است که اشکال به حقیر وارد نبوده و علی الرسم وظیفه احقر نبوده که اطلاع بدهم و از قبل دیگران مسئولیتی ندارم.

(۴) در دو ماه تقریباً دو نسخه الیاب خدمت عالی توسط جناب آقای ابوالحسن زنجانی نواده مرحوم صاحب کفایه خودآموز ارسال شده، نمی دانم چرا نرسیده است؟ گمان می کنم به کسی داده است و نرسیده است. در این موضوع به ایشان مراجعه می نمایم.

(۵) با آقای مقرر در موضوع ارسال کتب ایشان دو مرتبه صحبت کرده ام. گمان می کردم ارسال شده، معلوم شد نرسیده است. مناسب نمی بینم ثالثاً صحبتی بکنم. اسماء آن کتب را مرقوم دارید، از کتابفروشی خریده و برای شما ارسال بدارم.

(۶) القواعد الثلاث تا حال نرسیده، هر آنچه زودتر برسد، اولی است. مدتی است در انتظار زیارتش هستم.

ص ۳

- (۷) قبر من جو فی الصفا باشد در حقیقت است
- (۸) انکه راجع به مره سوسه شد عذف واقع است
- (۹) ایام هر عای مرحوم و بهشت قطیعین که قریب عرض می داریم چو پاست
بجای بالی مگراف قریب بنایم و به احتمال دارم که نسبت به انتخاب و تدبیر
بنایم که استخاره کردیم به عدت نمود
- (۱۰) انکه مزاج عزیز از منزل کرده و دولت هم بعد اوی رسته پیدا کرده و شایسته
احمر نزدیک باشد و بعضی از این دارم و غم را بتدبیر مبار فرج کرد
بنایم و مع کمال حیا و متا از جناب بالی الهام دارم
- (۱۱) جناب لی قبر در هر مظهر لاطیف از حضرت حق هر دو عهد خواهد بود
مهرتبه که از عهد آن بر بنایم و مستقرم صدمه برین از عذاب شرعی باشد
نصیب من نشود و در هر مظهر حیات من عذرم با این امر گردد و خداوند عالم
مرک را نصیب نماید و انکه بعد از مائت آقا رفیع و شایسته من تربیت شده
گذشته بشیم که حساب رحمت برین باشد جزو جرم دعا برین مستجاب
و کبریه از عهد آقا رفیع که از عهد این است و آقا رفیع هر چه
از عهد جناب بالی است بسیار سردم امید است جزو اول نیز مستجاب
شود و لایزال انکه از عذاب کثیره دنیا که از عهد آنها عدم ممکن از قیام
به طاعت نسبت باقیان طلبد بکشد و غیر هم از عهد مستعد
ماهر بسیار در زحمات میباشم و دل خوشی باین نذر لایزال دارم
بجز انکه بر آنم خدمتی کنم

(۷) قبوض جوفی امضاء شده در جوف است.

(۸) آنچه راجع به مشاوه مسموع شده، خلاف واقع است.

(۹) الیوم آقای حمای^۱ مرحوم و مباحثات تعطیل، به جنابعالی تعزیت عرضه می‌دارم، خواستم به جنابعالی تلگراف تعزیت بنمایم، ولی احتمال دادم که نسبت به آن جناب تولید اشکال بنماید، لذا استخاره کرده، مساعدت ننمود.

(۱۰) این که مزاج حقیر زیاد تنزّل کرده و دست هم مقداری رعشه پیدا کرده و شاید اجل نزدیک باشد و به فضل الهی این دار هم و غم را تبدیل به دار فرح و سرور بنمایم و علی کل حال حیا و متباً از جنابعالی التماس دعا دارم.

(۱۱) چند سال قبل در حرم مطهر کاظمین از حضرت حق جل و علا خواستم که مرجعیت به مرتبای که از عهده آن برنیایم و مستلزم صدمه بر من از جهات شرعیه باشد، نصیب من نشود و در صورتی که حیات من ملازم با این امر گردد، خداوند عالم مرگ را نصیب نماید و این که بعد از ممات آثار قلمی و اشخاص تربیت شده گذاشته باشم که اسباب رحمت بر من باشد. جزء دویم دعای من مستجاب و بحمدالله از جهت آثار قلمی که از جمله البیان است و آثار خیر علمی که از جمله جنابعالی هستید، بسیار مسرورم. امید است جزء اول نیز مستجاب شود و لایمّا این که از جهات کثیره دنیا که از جمله آنها عدم تمکن از قیام به وظایف نسبت به آقایان طلاب نجف و غیرهم از جهت مساعدت مادی بسیار در زحمت می‌باشم و دل خوشی به این زندگانی ندارم، به جز این که بتوانم خدمتی بکنم.

۱. آیت الله العظمی حاج سیدحسین حمای از علما و مراجع تقلید نجف اشرف (م جمادی الاولی ۱۳۷۹ ق)

ص ۴

(۱۴) بسیار بد داشتیم تفسیر را تمام کنیم ولی صفت مزاج و کثرت اشغال اجازه نمیداد
 مد فله نمدم اتمام این تفسیر با وضع خودش بیست سال باشت طو فوایع لازم دارد
 داین مطلب بواسطه جردن ملک ما صغریت لداغرم کرده ام با تو فیض
 الهی آیات احکام را بعنوان فته التران مع الذهاب الحخته بناسم
 شایان اثر مهم که از آثار فکر دیگر شود انش و به تالیف دعا میفرماید
 مدونی میختم و بعد در مبارک ۱۴۰۴ امام مطالب هر ضیعه را ختم میکنم بعضی
 مطالب دیگر نیز هست از قصه مع انجانب خود داری بنیام و بعد هم
 عظیم در قلمر همه دو گانه باور کلام الهی اکمل

(۱۲) بسیار میل داشتم تفسیر را تمام کنم، ولی ضعف مزاج و کثرت اشتغال اجازه نمی دهد. ملاحظه نمودم اتمام این تفسیر با وضع خودش بیست سال با نشاط و فراغ لازم دارد و این مطلب برای احقر بدون شک حاصل نیست. لذا عزم کرده ام با توفیق الهی آیات احکام را به عنوان فقه القرآن علی المذاهب الخمسة بنویسم. شاید این اثر مهمتر از آثار قلمی دیگر بشود. ان شاء الله تعالی دعا می فرمایید موفق می شوم و به عدد مبارک ۱۲ امام مطالب عریضه را ختم می کنم. بعض مطالب دیگر نیز هست از تصدیع آن جناب خودداری می نمایم، والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

1549

[illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

۲۳ سوال المکرم

۱۳۷۹

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض می‌رساند: ان شاء الله تعالی مزاج مبارک در کمال استقامت و عین عافیت بوده و مالی نخواهید داشت. امید است پیوسته منظور نظر حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه - بوده در تشیید مبانی دین مبین موفق و مؤید باشید. تعلیق جنابعالی در هاشم نامه جناب مستطاب آقای علوی زیارت و از مضمونش اطلاع حاصل شد و از سلامتی جنابعالی خوشوقت شدم. آقای اخوی - دامت برکاته - که در این چند روز بحمدالله به سلامت وارد شدند از سلامتی حضر تعالی مژده فرما شدند، خوبست جنابعالی هم مانند ایشان همت نموده و جهت زیارت اجداد طاهرين حرکت نموده و ضمناً دیداری تازه گردد. امید است تاکنون وضع مزاجی حضرت آقای والد - دامت برکاته - کاملاً بهبود یافته و نگرانی نداشته باشید. تبلیغ سلام خدمت ایشان مستند به لطف جنابعالی است. موضوع نامه آقای علوی را تأیید فرموده بودید بنده کراً به ایشان نوشته‌ام که حاضر نیستم مراجعه ابتدایی به تجار بنمایم علی الخصوص کسی که اصلاً مراسله‌ای ندارد. معظم له از علو همت خود هرچه به نظرشان می‌رسد مرقوم می‌دارند ولی محاذیر اشخاص دیگر را در نظر نمی‌گیرند، و چند روز قبل نامه‌ای از ایشان داشتم و جوابش عرض شد کما اینکه جواب نامه حضرت تعالی نیز در وقتش ارسال گردید شاید تا حال از لحاظ مبارک گذشته باشد و دو مطلبی که در آن بود جواب یکی از آنها تقریباً عرض شد و مطلب دوم تفصیلی داشت که مسکوت عنه ماند. زیاده عرضی نداشته ملتزم دعا و دعاگو بوده و هستم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
ابوالقاسم الموسوی الخوئی

www.takbook.com

۲۵ صفر المظفر

۱۳۸۰

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می‌رساند: ان شاء الله تعالی پیوسته منظور نظر حضرت ولی عصر - ارواحنا فداه - بوده، قرین عزت و سعادت و از بلیات محفوظ باشید. نامه مورخ ۱۸ محرم الحرام سال جاری جنابعالی از خوی واصل و از مضمونش اطلاع حاصل گردید. جواب نامه تبریز را مطالبه فرموده بودید. از آنجایی که توقف جنابعالی را در تبریز نمی‌دانستم چه قدر است، لذا جواب را به قم ارسال و لابد تا حال از لحاظ مبارک گذشته است و اینک بدین وسیله خیر مقدم عرض نموده، مزید عمر و عزت و سعادت آن جناب را طالبم. در آن نامه شرحی راجع به کتابفروشی محمدی نوشته بودم. پس از نوشتن نامه کسی به ایشان مراجعه و مقدار نود و چهار نسخه از ایشان استرجاع نموده و یکصد و شش نسخه را سند داده‌اند که تدریجاً به آقای گلپایگانی، آقای آقا سید محمدرضا - دامت برکاته - پردازند. این مطلب جهت سبق خاطر شریف عرض شد. گویا سند به اسم سید جمال بوده باشد. زیاد عرض قابلی نداشته، در حق شما دعا و از شما التماس دعا دارم، والسلام علیکم ورحمة الله در مرقومه خوی دو مطلب مرقوم داشته بودید. یکی این که جمعی از جنابعالی رساله عملیه خواسته و آن جناب امتناع نموده‌اید و دیگری این که بعد از ذکر بذل الطاف کریمه در موضوع احقر مرقوم داشته بودید (اما ...) راجع به مطلب اول عرض می‌نمایم اگر جنابعالی فی نفسه با حفظ جهات نوعیه و شخصیه و عرفیه و شرعیه این امر را صلاح می‌دانید، اقدام نمایید و خدا را گواه می‌گیرم که از جهات احقر هیچ مانع نیست. بنده حسب ظاهر به اقتضای مزاج مهمان چند روزه هستم. راجع به جهات

فدتر که الله دله نه آتیه را که در نظر گرفته بودم حضرت حق سبحانه و تعالی
 دائما و همیشه در توبه بر فرضی که دنیا بر ما اقبال کند حال در ما نده است
 و اما راجع بطلب جرم جواب کسی میوریت امیدت بفضله الهی بیا ریت حق
 مدته شرف شوی در این موضع مذکور می شود در اسم حکیم در حق به درگاه
 ابوالقاسم الموسوی اخوندی

خدمتی، الحمد لله وله المنة آنچه را که در نظر گرفته بودم، حضرت حق سبحانه بیشتر عطا فرمود و اما از جهات دنیوی بر فرضی که دنیا بر ما اقبال کند، حالی در ما مانده است و اما راجع به مطلب دویم جواب کتبی میسر نیست. امید است به فضل الهی به زیارت اعتاب مقدسه مشرف شوید، در این موضوع مذاکراتی می شود، والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

www.takbook.com

ج ۷

۱۳۸۰

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می‌رساند: ان شاء الله تعالی پیوسته اوقات منظور نظر حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه - بوده در اعزاز دین مبین و اعلائی کلمه حق موفق و به تأییدات غیبی مؤید و از بلیات محفوظ باشید. غرض از تصدیع پس از استعمال از سلامتی وجود محترم آنکه جناب مستطاب ملاذ الانام حجة الاسلام آقای حاج شیخ عباس قوچانی - دامت برکاته - که یکی از مفاخر حوزه‌اند مدت هشت ماه قبل صبیحه حضرت حجة الاسلام آقای اخوی - دامت برکاته - را برای آفازاده‌شان خطبه نمود و ایشان جواب را موکول به قم نمود و تاکنون جواب صریحی نفیاً یا اثباتاً نداده‌اند و بنا به درخواست معظم له آقای قوچانی بدینوسیله مصدع شدم تا اگر از اصل موضوع و خصوصیات اطلاعاتی داشته باشید مرقوم دارید تا مطلب یکسره شود و آفازاده ایشان به قرار معلوم جوان مشغول و با کمالی است لذا خواهشمندم اطلاعات خود را در این باره مرقوم دارید و چنان چه محتاج باشد با حضرت آیه الله آقای والد - دام ظلّه - مذاکره نمایید. مطلب دیگر آنکه جناب مستطاب آقای محمدی کتابفروش هنگام تشرّف به نجف اشرف با اینکه خودشان می‌دانستند که قیمت تفسیر راجع به احقر نیست و مصرف دارد یکصد نسخه سفید به مبلغ نهصد تومان و یکصد نسخه زرد به مبلغ ششصد تومان خریداری و قرار شد که قیمت آنها را تا یک سال بفرستند و فعلاً که تقریباً مدت سه سال از معامله گذشته است مبلغ پانصد تومان از مجموع مبلغ یکهزار و پانصد تومان ارسال داشته‌اند.

و از قرار مسموع شصت نسخه زرد و سی و سه نسخه سفید پس داده‌اند با این که اصل معامله قطعی و حق ارجاع نداشتند مع ذلک در فرض ارجاع باید به نجف برسانند نه در ایران تحویل دهند به هر حال این چند نسخه را استثناء و مابقی مبلغ را در صورت امکان هر چه زودتر ارسال دارند و به جنابعالی چنین اظهار داشته‌اند که به بنده‌زاده سید جمال نیز چیزی پرداخته‌اند، ولی بنده اطلاع ندارم زیرا که بنده‌زاده چیزی در این باب ننوشته است لذا خواهشمندم با ایشان مذاکره و تتمه حساب را بفرمایید ارسال دارند. درچندی قبل به سید جمال نوشتم که ده نسخه از آنها را خدمت شما ارسال دارد پنج نسخه سفید و پنج نسخه زرد، اگر تاکنون ارسال نداشته است مطالبه فرمایید. هفته گذشته نامه‌ای راجع به مرحوم آقای

www.takbook.com

مجاهدی^۱ - قدس سره - عرض، لابد تا حال از لحاظ مبارک گذشته است.
راجع به بعضی از مطالب مرقوم سابق می‌خواستم چند سطر خودم بنویسم در این
ضمن مرقوم جدید رسید که عمده آن راجع به امر فواتح مرحوم مجاهدی بود ولی متأسفانه
میسور نشد که یکی از اسباب آن ریشه دست است که اخیراً حادث و گاهی شدت دارد و
فعالاً در حال شدت است از آن جایی که نخواستم عریضه زیاد معطل شود مبادرت به
ارسال شد، بعداً ان شاء الله تعالی موفق به عریضه نگاری می‌شوم.
والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته
ابوالقاسم الموسوی الخوئی

۱. مرحوم آیت الله حاج میرزا محمد مجاهدی تبریزی

بسم الله الرحمن الرحيم

۷۷۰۰ هجری قمری

مردم بیایید این نامه را بخوانید و در هر بار که درین صحت و وفایت و قدرت

و قدرت نصیب به منم مرقم شریف در رخ ۱۱ شهر بر زبان از سر سر زبانی
سرور و از لطافت عالی تشکر دارم تا آنجا که به تشریف می فرمایند
ایصال و خوش نصیب جواب عرض نماید و از توضیح و محمل نصیب ملاحظه
سبق میشود و احوال قصه آنکه شخصی که از سرایت و شایسته در این
طهران بشمار میرود از جانب عالی طلبی که موجب پیمان غضب است سید جمال
نکر کرده (و شایسته سبق) بشود که در اثرش را در در سید جمال متداری
عصای شعله دار عصای نشانی و از جادو در رشته بر صدف طبع ادب و صفت
نصیب می دانم شخصی که این مطالب را در دست عالی رسانده و آن شخص
یا دیگر و این شخص میگوید در طرفه منتهی بگیرد یا عرض شریف طریقت
بالاخره منتهی می شود افراد در این مهم پیدایش که از دروغ و قمار
و منتهی و غیب ابدی که در دست و کیسین انهم میسوزن منصف
مزد اند عالم اینها را هدایت کند و اگر چه نباشد و تمام مجتهد
که پیوسته این مردم در زمین است عفت و و شرف و توانایی
انتهی جان پاک می دانم که در محرم چو درین چه عهده با حق در است این
طلب بر شخص اجنبی لگن این در شوال با ف دست بهر صورت

این نامه را در هر بار که درین صحت و وفایت و قدرت و قدرت نصیب به منم مرقم شریف در رخ ۱۱ شهر بر زبان از سر سر زبانی سرور و از لطافت عالی تشکر دارم تا آنجا که به تشریف می فرمایند ایصال و خوش نصیب جواب عرض نماید و از توضیح و محمل نصیب ملاحظه سبق میشود و احوال قصه آنکه شخصی که از سرایت و شایسته در این طهران بشمار میرود از جانب عالی طلبی که موجب پیمان غضب است سید جمال نکر کرده (و شایسته سبق) بشود که در اثرش را در در سید جمال متداری عصای شعله دار عصای نشانی و از جادو در رشته بر صدف طبع ادب و صفت نصیب می دانم شخصی که این مطالب را در دست عالی رسانده و آن شخص یا دیگر و این شخص میگوید در طرفه منتهی بگیرد یا عرض شریف طریقت بالاخره منتهی می شود افراد در این مهم پیدایش که از دروغ و قمار و منتهی و غیب ابدی که در دست و کیسین انهم میسوزن منصف مزد اند عالم اینها را هدایت کند و اگر چه نباشد و تمام مجتهد که پیوسته این مردم در زمین است عفت و و شرف و توانایی انتهی جان پاک می دانم که در محرم چو درین چه عهده با حق در است این طلب بر شخص اجنبی لگن این در شوال با ف دست بهر صورت

۲۷ شهر شعبان المعظم

۱۳۸۰

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می‌رساند: ان شاء الله تعالی وجود مبارک قرین صحت و عافیت و عزت و سعادت بوده باشد. محترم مرقوم شریف مورخ ۱۱ شهر جاری زیارت از سلامتی مزاج شریف مسرور و از الطاف عالی متشکر و از تأثر آن جناب متأثر، مرقوم شریف جنابعالی به بنده زاده ایصال و خودش مفصلاً جواب عرض می‌نماید و از موضوع و محمول قضیه کاملاً مسبوق می‌شوید. اجمال قصه این که شخصی که از معاریف و شاید در طبقه دویم علماء تهران به شمار می‌رود از جنابعالی مطلبی که موجب هیجان غضب است به سید جمال نقل کرده (و شاید مسبوق باشید که در اثر فشار درد سر، سید جمال مقداری عصبانی شده) و او عصبانی شده. و از جا در رفته بر خلاف طبع اولی صحبت‌هایی نموده. نمی‌دانم شخصی که این مطالب را خدمت عالی رسانده همان شخص است یا دیگری و این شخص می‌خواهد دو طرفه نتیجه بگیرد یا غرضش یک طرف است، بالاخره نمی‌دانم چه شد افرادی در اهل علم پیدا شد که از دروغ و افترا و نیمه و غیبت ابداً باکی نداشته و یحسبون انهم یحسنون صنعاً، خداوند عالم این‌ها را هدایت کند و اگر قابل نباشند انتقام بکشد که پیوسته بین مردم و مؤمنین اشاعه فحشاء و نشر فساد ننمایند. البته جنابعالی می‌دانید که مرحوم پدر من چه علاقه‌ای به احقر داشت این مطلب بر شخص اجنبی سنگین آمده و مشغول به فساد شد، بحمدالله حضرت حق - جل و جلا - مطلب را منکشف نموده و به مقصد نرسید و شرح این مطلب شفاه لازم دارد غرض این که جنابعالی بدانید مطالبی که خدمت عالی عرض شده ابتدایی نبوده و کلمات در حال عصبانی بودن مورد مؤاخذه تامه نخواهد بود فقط این که از این پیش آمد تا حال متأثر و در نوبت خود از جنابعالی معذرت می‌خواهم. این قصه یکی از نمونه‌های ابتلائات حقیر است دلم را به این خوش کرده‌ام که مظلوم بودن اولی از این است که ظالم باشم و لا سیما که عمر به آخر رسیده و باقی خیلی کمتر از گذشته می‌باشد، بحمدالله عمری با ابتلائات که مقداری را جنابعالی کاملاً می‌دانید گذراندم.

اسیدیت تو فین هامر شود و جگای زیارت عتبات منته شرف شود شاک؟
عرض شود و مطالب دیگر نیز هست که حاجت بند اگر دارد و اسید عظیم درجه هر یک
در تمام احوالی است

در موضوع دویست تومان آقای آقا شیخ غلامحسین طسوجی هم مقداری متأثر شدم و منشأ آن اشتباهی از جنابعالی شده است و تفصیل آن این که وقتی که مرقوم عالی رسید و مضمون آن این بود که دویست تومان تشویقاً به آقای شیخ غلامحسین داده شود، احقر وجه را در همان تاریخ نزد آقای حاجی شیخ نصرالله خلخالی گذاشتم و به جنابعالی نوشتم که وجه نزد ایشان است از کسی بگیرد و به ایشان حواله نمایید، گویا جنابعالی فراموش فرموده‌اید و گمان کرده‌اید که احقر باید بدهم و به این نحو به آقا نورالله دستور داده‌اید ایشان هم خجالت کشیده از احقر مطالبه نکرده که مطلب را توضیح دهم که وجه مزبور مدتهاست نزد آقای خلخالی است و کیف کان به آقای آقا نصرالله گفتم ایشان هم تلفوناً با خلخالی صحبت کرد، جواب داد وجه حاضر است بیایید بگیرید، غرض این که از ناحیه احقر تقصیر یا قصوری نشده است.

راجع به حاشیه مکاسب منهاج الفقاهة مرقوم داشته بودید در تحت طبع است تبریک عرض می‌دارم امید است پیوسته در زمره ناشرین علوم اسلامیة بوده باشید. امید است توفیق حاصل شود و جنابعالی به زیارت اعتاب مقدسه مشرف شوید شفاهاً عرض شود و مطالبی دیگر نیز هست که حاجت به مذاکره دارد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
ابوالقاسم الموسوی الخونی

۱۲. در سینه بگرام بسلامت محمد و آل محمد

۱۲۸۰

بمهر بر سر من کرم و کرم از چاله و چمر در حضرت من
 ایستاد بر سر من در اثر رجعت خانه حضرت و در عصر عید من
 در کجایم حکم دینیه با بسم و بخند دینیه و بیکد که من در
 باشم (۱) کرم و کرم ۱۸ شک طبر که با بخت من
 از این قریب است در کجایم کرم و کرم و در کجایم
 با بسم و کرم و کرم و کرم و کرم و کرم و کرم و کرم
 کرم و کرم

(۲) کرم و کرم و کرم و کرم و کرم و کرم و کرم و کرم
 زیارت کرم و کرم و کرم و کرم و کرم و کرم و کرم و کرم
 بوم و کرم و کرم و کرم و کرم و کرم و کرم و کرم و کرم
 ایستاد و کرم و کرم و کرم و کرم و کرم و کرم و کرم و کرم
 در کجایم و کرم و کرم و کرم و کرم و کرم و کرم و کرم و کرم
 (۳) کرم و کرم و کرم و کرم و کرم و کرم و کرم و کرم
 نام و کرم و کرم و کرم و کرم و کرم و کرم و کرم و کرم
 کرم و کرم و کرم و کرم و کرم و کرم و کرم و کرم
 و کرم و کرم و کرم و کرم و کرم و کرم و کرم و کرم

۱۲ ذی القعدة الحرام

۱۳۸۰

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض می‌رساند: دو مکتوب تاکنون از جنابعالی واصل و از مضمونشان اطلاع حاصل گردید امید است پیوسته در اثر توجهات خاصه حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه - در احکام و تشیید مبانی اسلام و اعزاز دین مبین و اعلائی کلمه حقه موفق و مؤید باشید. (۱) مکتوب مورخ ۱۸ شوال مطالبی که باید خدمتتان عرض شود از این قرار است: راجع به حضرت آقای والد اجازه نوشته و در جوف ارسال می‌شود. با سلام احقر به خدمتشان برسانید این اولین اجازه‌ای است که ملاحظه می‌فرمائید و به این نحو نوشته‌ام.

(۲) جناب آقای حاج سید موسی مازندرانی - دامت برکاته - نامه‌ای از ایشان زیارت، جواب مناسب مقامشان عرض شد. راجع به وکالت چیزی ننوشته بودند خوب است جنابعالی در موقع مذاکرات، تنبیه فرمایید که همه جور تصرفات ایشان (البته نه به عنوان وکالت) مانعی ندارد محاذیری دنیوی و اخروی در توکیل در نظر احقر است که بیان آنها در نامه ممکن نیست.

(۳) راجع به شهریه نجف اشرف اصرار نموده بودید که بدون تأمل اقدام ننمایم، اولاً چنین قرار شد که نان نجف بین احقر و آقای شیرازی و آقای شاهرودی مشترکاً داده شود و ورقه امضا گردید ثم به مانع برخورد و لذا آقای شیرازی منفرداً عهده‌دار شدند و احقر توکلاً علی الله با اصرار

چند نفر دیگر متوجه شهر رستم و گنجینه عمو رحیم منی ملک این چهارم و دسته در از غیر آنها
نفسه هر یک و دنیا سبب نشین از سده بام .

(۴) راجه بان تم رستم داشته بود و در این موضع با عمو رحیم منی و در دسته رستم
چهاره خرم منی و دسته رستم که در وقت حرکت از این خطه منی رود رود تدریس و با دزدان
و جت شرم منی که اکنون نیز با جت که هست در چند ام خطه رستم که در جت شرم منی و در
همه دره برضات و دینه بیست و چند محله تم دکنج بود و در هر موضع که نیست بهر جزئی
باست و پنج خرم منی .

(۵) راجه بان سراج عمو رحیم منی داشته بود و با طایفه رستم و در دسته رستم
بسته و خطه تمام بیست و چهار و با دزدان در وقت و در دسته .

(۶) راجه بان حرکت جرم این رستم داشته بود و در خطه منی و در دسته رستم و در دسته رستم .

(۷) در دسته رستم و در دسته رستم و در دسته رستم و در دسته رستم و در دسته رستم .

(۸) راجه بان رستم داشته بود و با طایفه رستم و در دسته رستم و در دسته رستم .

تیرا و در دسته رستم و در دسته رستم و در دسته رستم و در دسته رستم و در دسته رستم .

از رستم و در دسته رستم و در دسته رستم و در دسته رستم و در دسته رستم .

(۹) راجه بان حرکت رستم داشته بود و با طایفه رستم و در دسته رستم و در دسته رستم .

و در دسته رستم و در دسته رستم و در دسته رستم و در دسته رستم و در دسته رستم .

و در دسته رستم و در دسته رستم و در دسته رستم و در دسته رستم و در دسته رستم .

و در دسته رستم و در دسته رستم و در دسته رستم و در دسته رستم و در دسته رستم .

و در دسته رستم و در دسته رستم و در دسته رستم و در دسته رستم و در دسته رستم .

چند نفر دیگر متعهد شهریه شدم ولی نه عمومی به تمام معنی بلکه ایرانی‌ها عموماً و تعدادی از غیر آنها، امیدوارم به فضل الهی کمّاً و کیفاً شتیباً فشتیباً توسعه یابد. (۴) راجع به نان قم مرقوم داشته بودید در این موضوع به احقر مراجعه‌ای نشده البته در صورت مراجعه اجازه خواهم نمود و معلوم باشد که درگذشت حضرت آیه الله العظمی آقای بروجردی - قدس سره - به اندازه‌ای موجب تأثرم شد که تاکنون نیز باقی است که اصلاً در مخیله‌ام خطور نمی‌کرد که چنین متأثر شوم و علتش هم علاوه بر خدمات دینی ایشان احتمال اختلال حوزه قم و نجف بود، لذا در هر موضوعی که مفید برای حوزتین باشد امتناع نخواهم نمود. (۵) راجع به آقای آقا شیخ محمود یاسری شرحی مرقوم داشته بودید تا حال اثری از ایشان ظاهر نشده بر فرضی که ظاهر شود البته ملاحظه مقام ایشان خواهد شد و اجازه خواسته بودند لدی الوقت داده شد. (۶) راجع به حرکت احقر به ایران مرقوم داشته بودید فعلاً چنین خیالی ندارم و اساس این انتشارات چه بوده است نمی‌دانم. (۷) از وضعیت احقر سؤال نموده بودید وضع من این است که به پیش آمد، خوش آمد می‌گویم تا خدا چه بخواهد. (۸) راجع به رساله مرقوم داشته بودید، کتابفروشی اسلامیة در یک تاریخ اجازه طبع رساله احقر و آقای شیرازی را خواستند و از هر دو ناحیه به اختلاف یک روز اجازه شد و فعلاً سه روز است که چند نسخه از رساله ایشان را فرستاده‌اند و از رسالات احقر خبری نشد، نمی‌دانم طبع کرده است یا خیر. (۹) راجع به حرکت مبلغین به اطراف، مرقوم داشته بودید چنانچه حرکت آنها مفید به عالم دیانت باشد حضرتعالی از قبل احقر با ملاحظه اقتصاد آنچه لازم و ضرور باشد تهیه و اقدام نمایید ان شاء الله بعداً تدارک خواهد شد و تاکنون از ایران غیر از مسموعات چیزی دیده نشده است و دراز کردن پا بیش از گلیم موجب ندامت است.

در خاتمه مزید عمر و عزت و سعادت جنابعالی را طالب، ملتسم دعا و دعاگو هستم
والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
ابوالقاسم الموسوی الخوئی

1-2-1-

www.takbook.com

۱۶ ذی القعدة الحرام

۱۳۸۰

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می‌رساند: ان شاء الله تعالی مزاج مبارک در کمال استقامت و عین عافیت بوده و ملالی نخواهید داشت. امید است پیوسته منظور نظر حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه - بوده در احکام و تشیید مبانی اسلام و بعضی از ایثارات موفق و مؤید باشید. غرض از تصدیع آن که آقای کتابچی که به قرار فرمایش جنابعالی به احقر رجوع کرده‌اند به اختلاف یک روز اجازه طبع رساله و مناسک و حاشیه از احقر و یکی از آقایان دیگر خواسته بودند، رساله و مناسک ایشان را طبع و چند روز است نمونه آن را برای ایشان فرستاده‌اند و از نامه مورخ ۷ شهر جاری ایشان که دیروز رسید چنین استفاده می‌شد که نظرشان به طبع آنها تعلق نگرفته است زیرا که اصلاً اشاره ننموده بودند فقط حاشیه عروه را که خود احقر نیز اعاده طبع نموده‌ام نوشته بودند که بنا است با عروه چاپ شود و کسانی را که از ایران رساله می‌خواستند تا اندازه‌ای اعتماداً بر فرمایش حضرت تعالی و اجازه‌ای که گرفته‌اند به ایشان ارجاع دادیم.

غرض آن که نوع مسموعات از این قرار است و بنده که در اثر پیشنهاد جنابعالی و اصرار بعضی دیگر شهریه این ماه را برای عموم ایرانی‌ها و بعضی از غیر آنها عهده گرفته و چنین به نظر می‌آید که قافیه تنگ شود زیرا که تاکنون از ایران عموماً خبری نشده است تا خدا چه بخواهد، لذا جنابعالی نسبت به آقایانی که جهت تبلیغ

میگویند بزرگ بود و مختصری که ضرورت یکجا
 میکند گفتار و نموده و مطلب بیهوده که در مقام بیان
 نعمت گفته ایم نیز ننویسیم اینها اگر بعد از خدا
 در دایره نرسد خود ایم دارد و هیچ بهر وضع
 در نامه هر سه روز قبر حاضر شده بود و در کمال تقاضا
 مرگش خوبیه فرستاد و بعد عرض فرستاد و تشریف
 و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته اینها هم بودی اخوان

می خواهند به اطراف بروند به مختصراتی که ضرورت ایجاب می کند، اکتفا نموده و مواظب باشید که در قافیه این شعری که گفته ایم گیر نکنیم، البته اگر بعداً خدا توسعه داد ما هم توسعه خواهیم داد. و راجع به این موضوع در نامه دو سه روز قبل عرض شده بود البته کمال اقتصاد را مراعات خواهید فرمود زیاد عرضی نداشته التماس دعا دارم
والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
ابوالقاسم الموسوی الخوئی

۲۶ ذی القعدة الحرام

۱۳۸۰

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می‌رساند: دو مکتوب شریف مورخ ۶ و ۹ جاری واصل و از مضمونشان اطلاع حاصل گردید. امید است پیوسته در اثر توجهات خاصه حضرت ولی عصر - ارواح العالمین له الفداء - در تشیید مبانی دین مبین موفق و مؤید باشید. چندین مطلب در این دو نامه درج شده بود که جوابشان به قرار ذیل است:

۱- راجع به آقای حاج سید موسی و آقای حاج آقا احمد مطلب چنان است که مرقوم داشته بودید.

۲- بعضی که مطلب را به جنابعالی به نحوی اظهار می‌دارند که موجب مسرتان گردد، تا مطلب معلوم نشده، بر طبق آن ترتیب اثر ندهید. مقام قول غیر از مقام عمل است.

۳- از بهیهان تا حال مکتوب یا تلگراف یا غیر آن مراجعه‌ای به احقر نشده.

۴- راجع به نان قم قبلاً مرقوم داشته بودید که دهنده‌های پول آن از مراجعین شما هستند و اگر استجازه نمایند، اجازه بدهید و در این نامه مرقوم داشته‌اید که اگر استجازه نمودند، قبول نکنید. علی کل حال تا حال استجازه‌ای نشده تا نفی یا اثبات گردد.

۵- از اوضاع قم شرحی مرقوم داشته بودید، بسیار متأثر، امید است حضرت حق - جل و علا - به فضل و کرم خودش اصلاح فرماید.

۶- تلگرافی که به اصفهان شده بوده، الحمد لله معلوم شده که ارتباطی به احقر نداشته و توصیه آن جناب بسیار به مورد بوده است.

۷- از قراری که بنده زاده سید علی نوشته بود، جناب آقای لطفی رساله و مناسک احقر را در تهران طبع و در دسترس گذاشته‌اند.

۸- منتهاج الفقاهه تا حال نرسیده، البته بعد از وصول یک نسخه آن حسب الامر به آقای اخوی آن جناب داده خواهد شد.

۹- روح بنیم محمد در خم و حشر ارمه بر نرد و با نیشک نر خوردم
 دشته بود و یکدیگر بر سر بر سر بر سر بر سر بر سر بر سر بر سر
 ظن بجای است . ۱۰ چنانکه مسلم بهم غیر از یک است از عکوفات قربت و مسلم روی
 از نامه با تزیین و دستباز و کزک که با شرف دقت و قشمت جوهر بنیم نر خوردم
 فقط فقه با بر سر خود و صرف نر از انصر که در یک هر گونه هم دشت نر از نر
 دیگر بر سر . بسیار با شرف که نر دت عم کردن به نر از نر خوردم
 و بر سر دیر با نر خوردم نر هم با نر از نر خوردم به نر از نر خوردم
 از نر از نر خوردم نر از نر خوردم نر از نر خوردم نر از نر خوردم

۱۰- در همین روز خوردم با نر از نر خوردم نر از نر خوردم نر از نر خوردم
 حضرت که در خوردم نر از نر خوردم نر از نر خوردم نر از نر خوردم
 که نر از نر خوردم نر از نر خوردم نر از نر خوردم نر از نر خوردم
 ۱۱- چنانکه نر از نر خوردم نر از نر خوردم نر از نر خوردم نر از نر خوردم
 از نر از نر خوردم نر از نر خوردم نر از نر خوردم نر از نر خوردم
 و جهات دیگر نر از نر خوردم نر از نر خوردم نر از نر خوردم نر از نر خوردم
 و به نر از نر خوردم نر از نر خوردم نر از نر خوردم نر از نر خوردم

۹- راجع به تقسیم عمومی در قم و جعل مشاھرہ در تبریز و مایناسب ذلک شرحی مرقوم داشته بودید. بلکه امر به اسراع فرموده بودید. البتہ این مطالب ناشی از لطف آن جناب به احقر و حسن ظن به جامعہ است. اجمالاً معلوم باشد غیر از یک مشت از تلگرافات تعزیت و مقداری از نامہ های تعزیت و استجازہ و نحو ذلک کہ باعث صرف وقت و تشتت حواس، نتیجہ ای نداشته است، فقط فعلاً باید ہمّ خود را مصروف مشاھرہ مختصری کہ در نجف عہدہ گرفته ام داشت تا نوبت بہ جاہای دیگر برسد. بسیار مایل بودم کہ قدرت عملی کردن پیشنہادہای جنابعالی را داشته باشم و البتہ زیر بار قرض رفتن ہم باید از طریق عقلایی باشد. بہ مجرد قیل و قال ترتیب اثر دادن سفہایی است. زیادہ عرضی نداشته، ملتئم دعا و دعاگو بودہ و ہستم.

۱۰- روی ہمین موضوع همانطور کہ در عریضہ سابقہ کہ لایذ تا حال از لحاظ مبارک گذشتہ است، عرض شد کہ در اعزام مبلغین بہ اختصار قناعت نمودہ و از سہ ہزار تجاوز نکند کہ ان شاء اللہ تدریجاً تأدیہ شود و ہرچہ کمتر باشد، بہ مناسبت وقت اصلح است.

۱۱- اجمالاً این کہ نمی توانم جمیع خصوصیات را در نامہ شرح دہم. مصارف متوقعہ از احقر در خصوص نجف اشرف با واردات حقیر تناسبی ندارد. فکیف بہ جاہای دیگر و در این خصوص و جہات دیگر از جنابعالی التماس دعا دارم و وضع مزاجی احقر با فشار زیاد ہم هیچ سازش ندارد. البتہ خود را بہ خدا می سپارم.

والسلام علیکم ورحمۃ اللہ وبرکاتہ
ابوالقاسم الموسوی الخوئی

۱۳ شهریور ۱۳۸۱

انشاء ہوتے لے سب سے زیادہ قیمت دینے والے کو رسالت لکھتے

چھپرہ سرحد میں واقع ہے

روز قبره یعنی کدورت عالم ازل از جهت تا مژگان این عزیزیه راسته می رسد
زیرا که از جهت صحت وقت تراست تمام مطالب سه روز در وقت نوزخ و پنج
حاجب عرض کنم. و اجماع باینکه در وقت سه روز که از آن سه روز نوزخ و سه روز
بعد آن در هر جمعه عرض شده است و بدست در آن احوال است که گذرد

راجہ برص بیرونے پر ان طو رت کہ بہت سی قبیلے عرض نمود کہ جیسے از مردہ

در اثنای روز جمعه و هفته باشد . و اما آنچه در قوم دشته و در محدوده از فضا و قریل
کاسه سم و من برارند و سر و نه ، شده از طبع نشانه زنگنه از حبه .

آنگاه بنامه از باب غرض بنامه را از خود جدا کرد و در تمام اثبات دین

نیستند اقدار ما که سه ماه یا بیشتر بنزل آتسریایه آید یا عاری است

ده راتقی ده مرصع حضرت عمر ددی ده راتکه دحینه نرد دگر ب شنه

از آیات الهی که در این رساله آمده است، هر یک را در این رساله شرح داده است. و در این رساله هر یک از این آیات را در این رساله شرح داده است. و در این رساله هر یک از این آیات را در این رساله شرح داده است.

22

۱۲ شهر دی ماه ۱۳۸۱

۱۳ شهر جمادی الاولی

۱۳۸۱

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می‌رساند:

ان شاء الله تعالی به سلامتی و عافیت قرین عزت و سعادت بوده باشید. سه روز قبل عریضه‌ای به خدمت عالی ارسال از جهت ناتمامی آن این عریضه را تقدیم می‌دارم زیرا که از جهت ضیق وقت نتوانستم تمام مطالب مندرجه در مرقوم مورخ ۶ ربیع الثانی را جواب عرض کنم. راجع به این که مرقوم شده بود که گویا احقر در موضوع آقای معهود خیلی اطمینان پیدا نکرده‌ام شرح مفصلی عرض شد ان شاء الله تعالی از لحاظ مبارک می‌گذرد.

راجع به وضع بیرونی همان طور است که به خدمتتان قبلاً عرض نمودم یک دسته از معروفین به فضل و دیانت شبها حاضر و مذاکرات علمی می‌شود، دیگر احقر جلسه‌ای ندارم مگر شخصی در اثنای روز مراجعه‌ای داشته باشد. و اما اینکه مرقوم داشته بودید عده‌ای از فضلا از قبیل آقا سید یحیی^۱ و من یرادفه در بیرونی باشند این مطلب نشدنی است و کشف از حسن ظن آن جناب می‌نماید از باب نمونه عرض می‌نمایم آقای اخوی جنابعالی^۲ که در مقام اثبات در این بلد از جهت سن و طبقه و امام جماعتی در طول آقا سید یحیی است با آن سوابق حاضر نیستند اقلاً دو ماه بلکه سه ماه یا بیشتر به منزل احقر بیایند آیا جای این است که توقع آمدن آقا سید یحیی به بیرونی باشد؟ حاضرین مجلس احقر آقای آقا شیخ صدری^۳ و آقای آقا تقی^۴ و آقای آقا شیخ اصغر شاهرودی^۵ و آقای اراکی^۶ و چند نفر دیگر می‌باشند از آیات الله دوره آتیه نباید چنین توقع کرد. آقای شیخ در ضمن مکتوبش نوشته بود ما مضمونه چه لزومی دارد مرجع تقلید از مشاهیر باشد آقای... در نجف را چرا نمی‌گویند.

۱. مرحوم آیت الله آقای حاج سید یحیی مدرسی یزدی.

۲. آیت الله العظمی حاج سید محمد روحانی.

۳. آیت الله شیخ صدرا بادکوبه ای.

۴. آیت الله حاج سید تقی قمی.

۵. آیت الله شهید شیخ علی اصغر احمدی شاهرودی.

۶. آیت الله شیخ حبیب الله اراکی.

. . . سحر اسرار و جود و انبیا از قبر نقیایه است
 نیازها تنها سحر الهی مدخل میزبانیه احترام این بهر نین در اثر محض کتب و خطبه که منتبه
 ها نرسیده معده برانگیزد در کتب حضرت هر روز نین فک و فانی می شود مع ذلک حقین
 تقدم کرد و از جهت متابعتی هر روزی هم میزدن است که کدام یک از رب به توفیق و صلاح خواهد بود
 ایضا در نقیب هر ضعیف و قبیح راجع بان که عرض بنام نکرده است بهر چه از چیزیکه بر حیات و دینی
 باشد احترام نشود و حقین کار در زمان رذالت ایشان نکرده بودم نصیحت از انبیا نانی
 و ملک داشته باشند البته مقتضای احتیاط همیشه عمر منصرف دادم و نخواهم بود البته
 برقم داشته بودم و نایب از عیبی بر علیه احترام میزد اگر احترام حق دانم چه قدر دانی
 که تعبیر در محبت بود و حساب در این عالم پاک گردد و اگر استحقاق ندارم این چه
 روزی میگذرد و البته روزی خواهد آمد که آن روز بر ظلم است از این روز است بر
 تقدیر و بجا است و از خود و جانی که را سجده و اگر از کینم در محبتا و نین الوکیل
 و نین یکایک از دو وجه گذشته؟ هر چه جواب به هم دلی پشیمان شد جواب شما
 همه اینها کجاست حق معرود و کول میزد و بسیم بحکم در حقه بهر در کلام
 در کلام ایامی است

راجع به شهریه البته با تمکن ولو اینکه با زحمت باشد، ترک نخواهم کرد ولی اگر ضرورت اقتضاء کند (لا سمح الله) انا لله و انا الیه راجعون، آنچه حضرت حق - جل و علا - بخواهد همان صلاح است احقر در این موضوع و در سایر امور راجعه به شئون متین و ثنائی اقدامی نخواهم کرد و راضی نیستم کس دیگر هم اقدامی بکند. جریان امور ماطبیعی بوده میل دارم بقاء نیز طبیعی باشد اگر از قم مراجعه‌ای در امر شهریه نشود حسب الامر جواب صریح در عدم تمکن نخواهم داد. آقایان تجار که به احقر مراجعه دارند از قرار نقل بعضی از موثقین جمله‌ای از آنها تصریح کرده‌اند که حفظ قم اهم از حفظ نجف است لذا لازم است پول را به قم فرستاد و از اینجا معلوم می‌شود که موضوع مذاکره با بعضی در موضوع مشاخره قم هیچ... اگر توجه فرمایید از قبیل قضایایی است که قیاساتنا معها البته ملاحظه می‌فرمایید احقر با این همه معاندین در اثر تمحض بحث در طلبگی چه نتیجه را حائز شدم، علاوه بر اینکه در بحث حقیر مشاخره نبود تعارف خشک و خالی هم نبود مع ذلک چنین تقدم کرد و از جهت نتایج اخروی هم پرواضح است که کدام یک اقرب به تقوی و صلاح خواهد بود. ایضاً در تعقیب عریضه قبلی راجع به آن چه عرض می‌نمایم فکر شما راحت باشد ابداً چیزی که موجب دستاویزی باشد احقر ننوشته‌ام چنین کاری در زمان رفاقت ایشان نکرده بودم فضلاً از اینکه بنای ایذاء و هتک داشته باشند البته به مقتضای احتیاط همیشه عملی بوده و بعداً هم خواهم نمود ان شاء الله تعالی.

مرفوم داشته بودید فعالیت‌های عجیبی بر علیه احقر می‌شود اگر احقر استحقاق دارم چه قدر جای شکر است که تعجیل در عقوبت شود و حساب در این عالم پاک گردد و اگر استحقاق ندارم این چند روز می‌گذرد و البته روزی خواهد آمد که آن روز بر ظالم اشد از این روز است بر این تقدیر ریح با ما است و امر خود و جنابعالی را به خدا واگذار می‌کنم و هو حسبنا و نعم الوکیل. خواستم به یکایک از وجوه خدشه‌های موهومه جواب بدهم ولی پشیمان شده جواب عملی همه اینها را به حضرت حق - جل و علا - موکول می‌دارم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
ابوالقاسم الموسوی الخوئی

۱۵ آشف بهرم

۱۴۸۱

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم
 در عرض کمال میرسد که در این شهر مدتی است که از سید
 دین و دینی جلالی بعد از درگذشتش بطبع عالم گردید و او در شهر
 نامی از کرمه در گذشت که به اهل آنجا از کتاب بزرگ که در آنست
 در گذشت مرحوم آیه بهی و بهی در آنجا از او مرگت زود آمد
 حمله و طاعت بعد از آن که در آنجا در آنجا در آنجا
 غرض است که در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
 و در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
 که در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
 استجاب استعدایم و بسم عیسی در آنجا در آنجا

۱۵ سوال المکرم

۱۳۸۱

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می‌رساند: مکتوب شریف مورخ ۱۶ شهر صیام که حاکی از سلامتی و تندرستی جنابعالی بود واصل و از مضمونش اطلاع حاصل گردید. در اواخر شهر صیام، نامه‌ای از کربلا ارسال خدمت شد، لابد تا حال از لحاظ مبارک گذشته است. فاجعه عظمی درگذشت مرحوم آیه الله آقای والد - قدس سره - بی‌اندازه موجب تأثر و اقامه مجلس از جمله وظایف بود که موفق به انجام آن شدم. خداوند متعال آن یگانه فقید عزیز را غریق رحمت فرماید. حضرت مستطاب آقای اخوی - دامت برکاته - مدتی است مشرف و لدی الورد اقامه مجلس نمود و خدمتشان رفتم. ولی تاکنون تشریف نیاورده‌اند که خصوصی خدمتشان برسیم،

در خاتمه از دعا فراموشان ننموده، در مظان استجابت مستدعی دعا هستم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
ابوالقاسم الموسوی الخوئی

سپه چنان

بر از دشت نامه کرب مدخ ۱۱ ج و در هر گریه جوب مطاب
 بتواند میراث ۱۲ از یکجا و به آیه در دشت روح آیه که است نه سره
 مگر نه نیست مگر ۱۳ نامه جاب مطاب ۱۴ ج و در هر گریه جوب
 در جوب مگر در هر جوب مگر ۱۵ در موضع ۱۶ ج و در هر گریه جوب
 موضع ندارد ۱۷ از نه زاده در هر موضع ۱۸ ج و در هر گریه جوب
 تقدیر فرم بعد بر طبعه عمر کرده دلت و در نامه از این تقدیر فرشته
 ۱۹ از موضع فرستادن شهر بر روی قم از قبر تا کوه نایره بعد
 منبهمه شریات ۲۰ جوب جاب تربت در هر گریه جوب
 در خانه مسکن به مکتوب در دشت ۲۱ که تا به کوه نایره جوب
 درم از احمد بر روی احمد مگر نه جوب از کوه نایره جوب
 معب مگر نه نامه ۲۲ رجب به تا شهر ۲۳ ج و در هر گریه جوب
 نموده وضع مابین کج در هر تربت جاب کوه و در هر گریه جوب
 نیز بهین کوه تا نایره و بهیم مکتوب در هر گریه جوب
 ۲۴ که تا به کوه نایره جوب

بسمه تعالی شأنه

پس از نوشتن نامه، مکتوب مورخ ۱۱ جاری وصول گردید. جواب مطالب به قرار ذیل است:

۱- از اینکه بنا داشته‌اید در فوت مرحوم آیت الله کاشانی - قدس سره - تلگراف نمایید، متشکرم.

۲- نامه جناب مستطاب آقای حاج میرزا ابوالقاسم - دامت برکاته - در جواب تلگراف واصل و موجب تشکر گردید.

۳- موضوع آقای اخوی پس از آمدنشان موضوع ندارد.

۴- از بنده‌زاده در خصوص انجام بعضی اوامر مطاعه جنابعالی تقدیر فرموده بودید، به وظیفه عمل کرده و ان شاء الله در نامه از ایشان تقدیر خواهد شد.

۵- از موضوع فرستادن شهریه برای قم از قبل آقایانی که نام برده بودید، بنده مسموعم نشده است.

۶- جواب آقای تولیت ارسال گردید.

در خاتمه معلوم باشد در فوت آقای کاشانی تا آنجا که بنده اطلاع دارم، از احدی برای احدی تلگراف نشد جز از کاشان یکی از آقایان به بنده تلگراف نموده‌اند.

۷- راجع به آقای تهرانی آقای اخوی تفصیلی بیان نمودند. وضع ما با ایشان کج دار مریز است، جنابعالی و سایر رفقا نیز به همین نحو رفتار نمایند.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته
ابوالقاسم الموسوی الخوئی

بسم به الرحمن الرحیم
۹ شهر صفر الحیر
۱۳۸۴

سرمه لکچریند اث و به قایم پیوسته در نامه و دو کج

شرح مطهر سدام بعد باشد اولاً بنابر سنت و در محرم صفر الحیر
۹ شهری اکسب و کسب تشریف عرض تا نیا مگر ان
مضی قبر و سر و بعداً آنکه بابرک نیز رسید و حال
آنکه آنکه نشاء الله رب العالمین چه که رقم شد بعد از
و حال نیز لایک مبنی بر و مردوی نیز ان بعد است
ایده بعضی الهی انکه از قبر حضرت دلیه عصر عجب الله قایم
فرجه شد و بدین اسم و در عهده و در کاسه کج
ابو الهام امروزی

۹ شهر صفر الخیر

۱۳۸۴

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می‌رساند: ان شاء الله تعالی پیوسته در تأیید و ترویج شرع مطهر مستدام بوده باشید. اولاً به مناسبت فوت مرحوم حجة الاسلام آقای عموی آن جناب - قدس سره - تعزیت عرض، ثانیاً تلگراف عالی چندی قبل واصل و بعداً نامه مبارک نیز رسید. تا حال پیش آمد تازه‌ای نشده، البته رعایت جهاتی که مرقوم شده بود، خواهد شد و تا حال نیز کارها مبنی بر تأمل و روی میزان بوده است. امید به فضل الهی این که از قبل حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه - تسدید باشد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
ابوالقاسم الموسوی الخوئی

خود اربع بود ۸۶۰

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم
 چند روز تبرج و بانه کافیه جمله چهارم تنج و
 اسیه عیسی و دوتی در خدمت گو دیر خدمت هم بقیه محبت تنج و
 محبت میزد از تقریرت ادر میگردید و درم چوین قران
 عرف و دعوت و از بدایت محفوظ و میرزا پیر از غایت توجه
 خاصه حضرت و کلمه بنام فرجه بر خود دلد و در کسبه با گذر بسین
 دما میباید بنحیر میزد و از بدایت محفوظ با سینه خیر که در بدایت
 و مانده اند و درازند و در خدمت و در خواب و درم که تو نیستی کجا
 و در کام اهل معرفت و عبادت ختم بخیر و کمال و تفصیل و در خدمت
 با سینه از خوابی چند روز دیگر حرکت و در خدمت خواهد رسید
 طلوع خواهد دلد و در خانه مدخل است که بتلذذ و در خدمت
 مسعود و ماسم و در خدمت و در خدمت و در خدمت و در خدمت

غره ربیع الاول

۸۶

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می‌رساند: چند روز قبل جواب نامه عالی به ضمیمه جلد چهارم تنقیح توسط جناب آقای آقا سید عباس چاووشی ارسال خدمت گردید فعلاً هم بقیه مجلدات تنقیح و سایر مجلدات میسور از تقریرات ارسال می‌گردد. امیدوارم پیوسته قرین عزت و سعادت و از بلیات محفوظ و بیش از پیش از عنایات و توجهات خاصه حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه - برخوردار و در تشیید مبانی دین مبین موفق و به تأییدات غیبی مؤید و از بلیات محفوظ باشید. حقیر بحمدالله به سلامت و تازه‌ای ندارم و از خداوند متعال درخواست دارم که توفیق انجام و اتمام اعمال را مرحمت و عاقبت را ختم به خیر فرماید. تفصیل حال حقیر را خواسته باشید آقای خوانساری چند روز دیگر حرکت و لابد خدمت خواهد رسید، اطلاع خواهد داد. در خاتمه در مظان استجابت از دعا فراموشتان ننموده مستدعی دعا هستم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
ابوالقاسم الموسوی الخوئی

۱۹ رذر ۱۳۸۶

۱۳۸۶

بسم الله الرحمن الرحيم

بفرمایید که من
 و منیر و زکریا و حبیب و جواد و سید و علی و محمد و حسن و حسین و علی و محمد و حسن و حسین
 قسمة غنیمت و غنیمت و غنیمت و غنیمت و غنیمت و غنیمت و غنیمت و غنیمت و غنیمت و غنیمت
 نزد ما و رسول است از غنیمت و غنیمت و غنیمت و غنیمت و غنیمت و غنیمت و غنیمت و غنیمت و غنیمت و غنیمت
 باری که گفته است که این لطف و رحمت است که ما را محرز و مقرر کرده است
 و شکر است که این لطف و رحمت است که ما را محرز و مقرر کرده است
 از دین و دنیا و آخرت و هر چه در این دنیا و آخرت است
 شکر به شما که در این دنیا و آخرت و هر چه در این دنیا و آخرت است
 آیتها و منتهای علم و حکمت و رحمت و مهربانی است
 و به شما که در این دنیا و آخرت و هر چه در این دنیا و آخرت است

۱۹ ذی القعدة الحرام

۱۳۸۶

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می‌رساند: مکتوب شریف واصل و از مضمونش که مبشر سلامتی وجود مبارک و مبنی بر اظهار محبت و احوالپرسی بود اطلاع واصل و موجب خوشوقتی گردید. قبلاً تلگراف حضرتعالی هم رسید و جوابش عرض و قبض شماره ۵۳۴۴۶ نزد ما موجود است. از مضمون نامه چنین استفاده می‌شود که جواب از لحاظ مبارک نگذشته است. به هر حال لطف و محبت حضرتعالی محرز و مورد تقدیر و تشکر است. کسالت بحمدالله برطرف شده است و فعلاً حالم خوب است از وضع اخیر خود مرقوم داشته و اشاره نموده بودید بلی مسموع شد. شکرالله سعیکم و جزاکم عن الاسلام والمسلمین خیراً. در خاتمه در مظان استجابت مستدعی دعا هستم، والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

۲/ مجب المرجب / ۸۹

بسم اللہ الرحمن الرحیم

۱
 فیض کرم
 نب و در کفر و جوارح و در هر جهت و در هر جهت
 نوحه ایست که است بر سر انداخت و در جهت خاصه حضرت ابراهیم
 فرمود و محمد و باقیه اینها که به بدست و داده اند و در هر جهت
 بر سر کفر و در هر جهت و در هر جهت و در هر جهت
 بسیار تا در هر جهت و در هر جهت و در هر جهت
 بهم که کار در هر جهت و در هر جهت و در هر جهت
 به انداز و در هر جهت و در هر جهت و در هر جهت
 و در هر جهت و در هر جهت و در هر جهت
 حضرت عباس و در هر جهت و در هر جهت و در هر جهت
 به هر جهت و در هر جهت و در هر جهت
 و در هر جهت و در هر جهت و در هر جهت
 نشر است و در هر جهت و در هر جهت و در هر جهت
 است و در هر جهت و در هر جهت و در هر جهت
 به هر جهت و در هر جهت و در هر جهت

۲ رجب المرجب

۸۹

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می‌رساند. ان شاء الله تعالی مزاج مبارک در کمال استقامت و عین عافیت بوده و ملالی نخواهید داشت. امید است پیوسته از عنایات و توجهات خاصه حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه - برخوردار باشید. اینجانب بحمدالله به سلامت و تازه‌ای ندارم. پیش آمد ناگواری که برای حضرت تعالی رخ داده بود و به فضل الهی فعلاً مرتفع و برطرف گردیده در حین ابتلا بسیار متأثر بوده و در حقتان دعا نموده و پیوسته جویای حالات و جریان بوده و متأسف بودم که کاری از من ساخته نیست وقتی که بشارت استخلاص جنابعالی را مسموعم شد، بی‌اندازه خوشوقت شده حمد الهی را بجا آوردم و لازم بود فوراً تلگرافاً تبریک و تهنیت عرض و خوشوقتی خود را اظهار دارم ولی به جهت محاذیری که شاید بر جنابعالی مخفی نباشد از این امر خودداری گردید. فعلاً که جناب مستطاب رکن الاسلام آقای باهلی عازم بودند، لازم دیدم بدینوسیله مراتب علاقه خود را به سرکار اعلام و احوالپرسی نمایم و امید است در ذهن حضرت تعالی از اینکه فوراً تلگراف نشده است چیزی نباشد و علتش هم این بود که ذکر شد. در خاتمه در مظان استجابت از دعا فراموشتان ننموده، مستدعی دعا هستم، والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

www.takbook.com

۲۵ شعبان المعظم

۸۹

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض می‌رساند. تعزیت نامه مورخ ماه رجب المرجب واصل و موجب تشکر و تسلی خاطر گردید. از تلگراف نزدن، معذرت خواهی نموده بودید، محبت حضرت تعالی محرز بوده و هست. از اوضاع خود شرحی مرقوم داشته بودید، امید است خداوند فرج کلی عنایت فرماید. به کسالت (زخم اثنا عشری) خود اشاره فرموده بودید، موجب تأثر گردید، شفای عاجل و صحت کامله حضرت تعالی را از درگاه حضرت احدیت - جلت عظمة - خواستارم. در خاتمه موفقیت آن جناب را در قیام و صیام این ماه مبارک رمضان درخواست نموده و از دعا فراموشتان ننموده، مخصوصاً مستدعی دعا هستم.

والسلام علیکم و رحمة الله و بركاته
ابوالقاسم الموسوی الخوئی

www.takbook.com

۲۴ ذی القعدة الحرام

۸۹

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض می‌رساند: ان شاء الله تعالی مزاج مبارک در کمال استقامت و عین عافیت بوده و ملالی نخواهید داشت. امید است پیوسته در اعزاز دین مبین و احیاء و نشر فقه صادق آل محمد - صلوات الله و سلامه علیه و علیهم - موفق و به تأییدات غیبی مؤید و از بلیات محفوظ باشید. اینجانب بحمدالله سلامت و تازه‌ای ندارم. یک نسخه از جلد اول (فقه الصادق) ارسالی جنابعالی به وسیله جناب مستطاب حجة الاسلام آقای حاج میرزا احمد انصاری - دامت تأییداته^۱ - واصل و بی‌نهایت موجب خوشوقتی و تشکر گردید. به خصوص از این که در این فرصت چنین اثر گران‌بهایی از حضرت تعالی صادر شده است و مقداری از آن را مطالعه کردم. امیدوارم در طبع بقیه اجزا موفق شوید. بدیهی است که نسخه ما را خواهید فرستاد.

در خاتمه مزید عمر و عزت و موفقیت حضرت تعالی را از خداوند متعال طالب و از دعا فراموشتان ننموده، مستدعی دعا هستم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
ابوالقاسم الموسوی الخوئی

۱. از علمای نجف اشرف، و از نزدیکان مرحوم آیت الله العظمی خوئی، که به دست رژیم بعث عراق به شهادت رسید.

[illegible]

۲۶ شعبان المعظم

۹۰

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض می‌رساند: مکتوب شریف مورخ ۲۲ رجب المرجب سال جاری که حاکی از سلامتی وجود مبارک بود، واصل و از مضمونش اطلاع حاصل گردید. امید است پیوسته از عنایات و توجهات خاصه حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه - برخوردار بوده، بیش از پیش موفق و مؤید و از بلیات محفوظ باشید. اجازات آقای غفاری را ارسال و اجازه خواسته بودید. اجازه صادر و به ضمیمه اجازات لفأ ارسال گردید. شرحی راجع به شهریه قم مرقوم داشته بودید، بعضی از آقایان دیگر هم پیشنهاد نموده بودند و در اطرافش زیاده فکر شد و نظر به این که مخارج عراق خیلی سنگین است و شهریه نجف نسبت به سابق دو سه برابر شده و بودجه فعلی جوابگوی این مخارج نیست، زمینه برای شهریه ندیده و قرار بر این شد به عنوان ماه مبارک تقسیمی بشود و شاید همین ایام مشغول باشند و در آینده اگر زمینه مساعد شد، ان شاء الله تعالی این موضوع عملی و برقرار خواهد شد. از محبتی که فرموده و آمادگی خود را برای انجام هر کاری اعلام نموده بودید، موجب تشکر گردید. خداوند بر عمر و عزت و سعادت و توفیقات و تأییداتنان بیفزاید. راجع به آقای که با شما مذاکره آیه الله نوشتن در نامه‌ها نموده بودند، شرحی مرقوم داشته بودید، در اطرافش فکر خواهد شد. تقریرات اصول خواسته بودید، آن چه موجود باشد، ارسال خواهد شد. راجع به خروج جلد اول رجال از طبع که خدمتتان عرض شده، خلاف بوده است و تاکنون خارج نشده، بلی تعداد زیادی از آن چاپ شده است، ان شاء الله پس از خروج تقدیم خواهد شد. در خاتمه در مظان استجابت از دعا فراموشتان ننموده، مستدعی دعا هستم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
ابوالقاسم الموسوی الخوئی

۱۲ شهریور ۹۰

بسم الله الرحمن الرحيم

بهرمیران
 مکتوب این مرغ خنجر میامده مهر و دروغ شریک
 هاست و در این است پرست از غایات و در جات فاضل حضرت و اعصار
 عجمی که فرموده بود در بهر شیر و شیر در نسیم باغ و نیم بسین و درون
 غیبی بویار و در از بیات منظر طبعیه از عارفه خود (زخم غم) سرافروزم
 در شسته بویار و در این است خداوند متعال و در دست و در دست
 غایت فرمایید و در این بر وضع تقسیم و در شسته بویار و در دست و در دست
 داده بود و در این بر وجه و در این بر وجه و در این بر وجه و در این
 شود و در این بر وجه و در این بر وجه و در این بر وجه و در این
 کار و در این بر وجه و در این بر وجه و در این بر وجه و در این
 شود و در این بر وجه و در این بر وجه و در این بر وجه و در این
 است و در این بر وجه و در این بر وجه و در این بر وجه و در این

۱۲ شوال المکرم

۹۰

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض می‌رساند: مکتوب شریف مورخ شهر صیام واصل و از مضمونش اطلاع حاصل گردید. امید است پیوسته از عنايات و توجهات خاصه حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه - برخوردار بوده بیش از پیش در تشیید مبانی دین مبین موفق و به تأییدات غیبی مؤید و از بلیات محفوظ باشید. از عارضه خود (زخم اثنا عشری) مرقوم داشته بودید موجب تأثر گردید، امید است خداوند متعال به زودی زود شفای عاجل عنایت فرماید. شرحی راجع به موضوع تقسیم و شهریه مرقوم داشته و تذکراتی داده بودید موجب مزید امتنان گردید، فعلاً کار بی‌اشکال ممکن نیست انجام شود ولی تا آنجا که ممکن است خوب است کم‌اشکال در نظر گرفته شود در این کار هم حضرت تعالی جز یک اشکال به نظر تان نرسیده امید است در آینده تدارک شود. در خاتمه در مظان استجاب از دعا فراموشتان ننموده، مستدعی دعا هستم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
ابوالقاسم الموسوی الخوئی

س
س

بعضی عالی هرنه
انت و الله تعالى در کمال صحت و عافیت

در اعلاء کلمه حق و ترویج دین بین نفع و سود بوده و خوا
دو رقیه نرسیده هر کدام در نوع خود دهل و دوجیت گردید
مذره معلوم گردد به نظر محذ و مکه در نظرات از هر دو کسی معتقد
و سردها با جناب نجم الاسلام در این راه خوی در بر کانه مذکره
و تفصیل آن را بنمایا ابلاغ خواست نمود در موارد تیره از
ادعیه صالحه فراموش ننمایید ایست فراموش ننمایند و
در اسلام حکیم در کمال کمال و ۲۳ در الحیة الحرام ابو الهادی
۱۲۹۰ هـ

بسمه تعالی

به عرض عالی می‌رساند:

ان شاء الله تعالی در کمال صحت و عافیت در اعلاء کلمه حق و ترویج دین مبین موفق و مؤید بوده و خواهید بود. دو رقیمه شریفه، هر کدام در موقع خود واصل و موجب مسرت گردید. مطالب مندرجه معلوم گردید. نظر به محذوری که در نظر است از جواب کتبی معتذرم و مشروحاً با جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای اخوی - دامت برکاته - مذاکره گردید و تفصیل آن را به جنابعالی ابلاغ خواهند نمود. در موارد توجه از ادعیه صالحه فراموشم ننمایید، البته فراموش نخواهید شد. ان شاء الله تعالی.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته
فی ۲۳ ذی الحجة الحرام ۱۳۹۰ هـ
ابوالقاسم الموسوی الخوئی

بہار

www.takbook.com

۳ / ذق

۹۱

بسمه تعالی شأنه

به عرض می‌رساند: مکتوب شریف مورخ ۲ شوال سال جاری که حاکی از سلامتی وجود مبارک بود واصل و از مضمونش که مبنی بر اظهار محبت و احوالپرسی بود، اطلاع حاصل و موجب خوشوقتی و تشکر گردید. امید است پیوسته از عنایات و توجهات خاصه حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه - برخوردار و از بلیات محفوظ باشید. اینجانب بحمدالله سلامت و به جز آلام روحی که روز به روز در شدت و ازدیاد است، تازه‌ای نداشته، انتظار فرج داریم. اوضاع را لابد از قادمین تحقیق نموده و دست آورده‌اید و آن چه مقدور بود، اقدام شده و نتیجه‌اش بسته به لطف حضرت احدیت است. تذکراتی راجع به اقطار اسلامیّه داده بودید. کم و بیش از آن جا مطلع و به اندازه میسر تلفقد و رسیدگی شده و در آینده البته باید توجه بیشتری بشود. از دعاهای سرکار تقدیر نموده و امیدوارم مقرون به اجابت گردد. راجع به رجال تذکر داده بودید تا آن جا که در نظر است در اوایل امر ارسال خدمت شده است. نمی‌دانم چطور شده که نرسیده است. فعلاً ان شاء الله با اولین وسیله تقدیم می‌شود. جزء دوم نیز تحت طبع است. در خاتمه در مظان استجابت از دعا فراموشتان ننموده، مستدعی دعا هستم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته
الخوئی

این نامه از لندن فرستاده می‌شود و ان شاء الله تعالی دوشنبه ۲۸ به نجف اشرف مشرف خواهیم بود.

مورخه ۲۵ ذیحجه سنه ۱۳۹۱

۲۹ / محرم الحرام ۱۳۶۲

سبک‌گشت

بمنزله‌ای میرفتی کرب‌لک‌مورخ ۲۶ ذیحجه ۱۳۶۲ که کار از
 دجوه با رک بعد از ظهر روز مقرر شد بمنزله‌ای که در محبت و جود و
 بعد از ظهر طاهر و در حب خوشتر و در کنگر و در حب و در حب و در حب
 از غایات و در جهات فاضله و در حب و در حب و در حب و در حب
 و در حب و در حب و در حب و در حب و در حب و در حب و در حب و در حب
 و در حب و در حب و در حب و در حب و در حب و در حب و در حب و در حب
 که بعد از ظهر و در حب و در حب و در حب و در حب و در حب و در حب
 فقره‌ای شروع و تازه و در حب و در حب و در حب و در حب و در حب و در حب
 خواسته بود و در حب و در حب و در حب و در حب و در حب و در حب
 از ده فرمودت و در حب و در حب و در حب و در حب و در حب و در حب
 ان شاء الله

۲۹ محرم الحرام

۹۲

بسمه تعالی شأنه

به عرض عالی می‌رساند: مکتوب شریف مورخ ۲۶ ذی الحجة / ۹۱ که حاکی از سلامتی وجود مبارک بود، واصل و از مضمونش که مبنی بر اظهار محبت و احوالپرسی بود، اطلاع حاصل و موجب خوشوقتی و تشکر گردید. امید است پیوسته از عنایات و توجهات خاصه حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه - برخوردار و بیش از پیش در تشیید مبانی دین مبین موفق و به تأییدات غیبی مؤید و از بلیات محفوظ باشید.

اینجانب بحمدالله مدت بیش از یک ماه است که به سلامتی و با بهبود کامل به نجف اشرف مراجعت و دو هفته است بحث فقه را شروع و تازه‌ای نداشته، دعاگو هستم. ضمناً قبضی که خواسته بودید، لفاً تقدیم شد. در خاتمه در مظان استیجابت از دعا فراموشتان ننموده، ملتمس دعا هستم. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

الخوئی

سہیل

در تبریز
 کتابخانه موقوفه بهراری که گزیده شده
 بعد از مرگ حضرت صاحب الامر علیه السلام است و در این کتابخانه
 فاضل حضرت دلاعه علی بن ابی طالب فرموده و میرزا پیر محمد
 بسین توفی است و در دست است حضرت خورشید بر توفی است
 گفته است که در آخرت بعد از این فرزند بر خورده است
 غنا در این شهر بسیار خوب و قسم است که هر که در این شهر
 است در این تقصیر با رعایت شود فاضل در مظان شجاعت
 و برکت از تقصیر خود است که قسم است که هر که در این شهر

۱۷ / ع / ۱ / ۹۲

بسمه تعالی شانه

به عرض می‌رساند: مکتوب شریف مورخ ۵ شهر جاری که حاکی از سلامتی وجود مبارک بود واصل و از مضمونش اطلاع حاصل گردید. امید است پیوسته از عنایات و توجهات خاصه حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه - برخوردار و بیش از پیش در اعزاز دین مبین موفق باشید. ولادت با سعادت حضرت ختمی مرتبت را بدین وسیله تبریک گفته امیدوارم از خیرات و برکات این فرخنده روز برخوردار باشید.

ضمناً دو سه پیشنهاد بسیار خوب مرقوم داشته بودید که موجب تشکر گردید. البته در مواقع مقتضیه باید عملی شوند. در خاتمه در مظان استجابت، از دعا فراموشتان ننموده مستدعی دعا هستم. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

الخوئی

سہل

www.takbook.com

۹ رجب المرجب

۹۲

بسمه تعالی شانہ

به عرض می‌رساند: مکتوب شریف مورخ ۱۸ / ج ۲ / سال جاری که از همدان مرقوم داشته بودید واصل و از مضمونش اطلاع حاصل گردید. امید است پیوسته در اعزاز دین مبین موفق و به تأییدات غیبی، مؤید و از بلیات محفوظ باشید. راجع به حوزه آنجا پیشنهاد تقسیم نموده بودید در این موضوع به جناب مستطاب دانشمند معظم آقای لطفی و جناب مستطاب حجة الاسلام آقای حاج آقا جلال فقیه ایمانی - دامت برکاتهما - مراجعه نمایید. چنانچه زمینه بود و صلاح دیدند انجام خواهند داد. در خاتمه در مظان استجابات، مستدعی دعا هستم، والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

الخوئی

www.takbook.com

۲۶ ذی الحجة

بسمه تعالی شأنه

۹۲

به عرض می‌رساند: مکتوب شریف مورخ ۲ شهر جاری که حاکی از سلامتی وجود مبارک بود، واصل و از مضمونش اطلاع حاصل گردید. امید است پیوسته در اعزاز دین مبین، موفق و به تأییدات غیبی مؤید و از بلیات محفوظ باشید. از نرسیدن جواب نامه قبلی مرقوم داشته بودید، در وقتش عرض شده، دیر یا زود از لحاظ مبارک خواهد گذشت ان شاء الله تعالی. راجع به موضوع جدید شرحی مرقوم داشته و درخواست اقدام جدی نموده بودید. البته پس از مطالعه دقیق آن چه وظیفه اقتضا کند، انجام خواهیم داد. در خاتمه در مظان اجابت از دعا فراموشتان ننموده، مستدعی دعا هستم. خوب بود نوع اقدام آقایان قم - دامت برکاتهم - را مرقوم می‌داشتید.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته
الخوئی

پس از نوشتن نامه، مکتوب مورخ ۱۵ شهر جاری که در جواب نامه قبلی بود، واصل شد. از محبت شما بسیار متشکر و برای موفقیت بیشتران دعا می‌کنیم.

الخوئی

بسم الله الرحمن الرحيم

بعضی می‌رساند انت والله تبارک در کمال صحت و عبادت

موفق بتوفیقات الهیه بوده و خود امید بدو مرقوم شریف نوع
شهر عابر و اصل و موجب خوشحالی گردید که بجنبه اهدا و
برجسته شکر امید است خدایات دینی عبادت علی بن ابی طالب و
ارواح فداء و ازاد علیه التحریز عجل الله تبارک فرجه و شرف خود را
گردید بر هر راجع بوضع بیرون مرقوم شریف بود که مانند سابق
سلام دید بهر است پس از اسراف علی بن ابی طالب علم این را جلوه
سابق می‌بود و اما مدایات و احادیث قصاص و تفسیر و تفسیر
السلام و بعد از آن از جمله رانده شدن بعضی از اصحاب باقیست
بود که بعد از صحت ندارد و تمام رعا موجود و انجام وظایف خود در
و اهدا رانده شده است تا علی بن ابی طالب و الا که عرب خود را
برابر نموده عدل الهی حاضر نماید و نوعی توفیق و کامیابی
دعا فراموش ن بینمایم و سلام علیکم و رحمة الله و بركاته
خدا را شکر

بسمه تعالی

به عرض می‌رساند: ان شاء الله تعالی در کمال صحت و عافیت موفق به توفیقات الهیه بوده و خواهید بود. مرقوم شریف مورخ سوم شهر جاری واصل و موجب خوشوقتی گردید. کتاب فقه الصادق ارسالی موجب تشکر، امید است خدمات دینی جنابعالی منظور نظر حضرت ولی عصر- ارواحنا فداه - و از ادعیه آن حضرت - عجل الله تعالی فرجه الشریف - برخوردار گردید. شرحی راجع به وضع بیرونی مرقوم داشته بودید که مانند سابق نیست. البته معلوم و بدیهی است پس از مسافرت اغلب آقایان اهل علم ایرانی چگونه وضع مانند سابق می‌شود، و اما روایات و احادیث و قضاوت‌های شخصی بسیار است. انما الکلام فی الصحة و السقم. از آن جمله رانده شدن بعضی از اصحاب با کیفیت با شخصیت بود که ابداً صحت ندارد و تمام رفقا موجود و به انجام وظایف خود مشغولند و احدی رانده نشده است.

بر ناقل این قضایا لازم است که جواب خود را در برابر محکمه عدل الهی حاضر نماید. در مواقع توجه ملتمس دعا می‌باشم و ان شاء الله از دعا فراموشتان نمی‌نمایم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

الخوئی

فی ۱۸ رجب سنه ۱۳۹۳ هـ

بسم الله الرحمن الرحيم

بعضی میسراند
 است والله تالی در کمال صحت و عافیت
 مؤید بتباییدات الهیه بوده و خواستید بود مرقوم شریف مؤرخ قتی
 که حال از سلامتی بود نهدم هم هر محرم الحرام سال جاری در اصل و اصل و اصل
 گردید شرفی راجع مجوز علمیه هم مرقوم شد بود معلوم گردید خضایان
 اثر معاشرت طولانی که با اینجانب نموده اید الهیه سبق شد و از سعه
 ذخیره کردن وجوه شرعی را ندادم و بعد از آن که میسرید با آن تقدیر بود
 دیدیم بدون اینکه کسی اید نموده یا اندر گردید و بعد از آن که
 عز وجل بفضل عیم خود عنایتی فرمود و سعه شد است و به تالی علم
 حوزه ما غایب مخصوص حوزه هم از تو سعه دادن و منع نخواهد شد از جرایز
 نسبت بنجایان اهدر اطلاع نداده و بسیار سردم که با جرایز آن
 کت از انجباب گردیده و صفت کامله متعین میباشید در واقع و هم
 میباشم و امید دارم از دعا فرستادن شما هم و هم در حق و در حق
 بر حسب و قدر و حال خ ۷۱ محرم الحرام ۱۳۹۴
 در یافت فرمائید

بسمه تعالی

به عرض می‌رساند:

ان شاء الله تعالی در کمال صحت و عافیت، مؤید به تأییدات الهیه بوده و خواهید بود. مرقوم شریف مورخ ۳۰ ذیحجه ۹۳ که حاکی از سلامتی بود، هفدهم شهر محرم الحرام سال جاری واصل و موجب خوشوقتی گردید. شرحی راجع به حوزه علمیه قم مرقوم داشته بودید. معلوم گردید جنابعالی در اثر معاشرت طولانی که با اینجانب نموده‌اید، البته مسبوق شده‌اید که قصد ذخیره کردن وجوه شرعیه را ندارم و به مقداری که می‌رسد به همان مقدار توسعه داده و می‌دهم. بدون این که کسی ابدأ نموده یا تذکر بدهد و بعداً هم چنان چه خداوند عزوجل به فضل عمیم خود عنایتی فرمود و توسعه‌ای شد، ان شاء الله تعالی نسبت به تمام حوزه‌ها علی‌الخصوص حوزه قم از توسعه دادن دریغ نخواهد شد. از اجراء عملیه نسبت به جنابعالی احدى اطلاع نداده و بسیار مسرورم که به اجرای آن رفع کسالت از آن جناب گردیده و به صحت کامله متنعم می‌باشید. در مواقع توجه ملتئم دعا می‌باشم و امیدوارم از دعا فراموشتان ننمایم. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

الخوئی

فی ۱۷ محرم الحرام ۱۳۹۴ هـ

به موجب ورقه جوف رجال را دریافت فرمایید.

بسم الله الرحمن الرحیم
 ان شاء الله تعالی در کمال محنت و عاصیه نویسد و در
 مرقوم تشریف فرمایید غرض شهر هاجر که هاجی از سلاسی بود و اصل در موجب خوشی و شادی
 کبریا درم توفیق بود و عبادت الهی و تعالی نموده بود که نصف هم مبارک امام علیهم السلام که بنده و بنده
 میگیرد در دیوار دتوره و مرغیه حرف نماید و نویسی الهی و عبادت الهی و تعالی و نامزد و نامیده
 و نسبت به وضع خیم زندگانی و عبادت الهی و تعالی و نامزد و نامیده
 قبل از وصول نامه عبادت الهی و تعالی و نامزد و نامیده
 و پسید دارم از دعا فراموشان نماند و پسید عظیم در همه چیز کائنات و روح الهی و تعالی

بسمه تعالی

به عرض می رساند انشاء الله تعالی در کمال صحت و عافیت مؤید بوده و خواهید بود
مرفوم شریف مؤرخ غره شهر جاری که حاکی از سلامتی بود واصل و موجب خوشوقتی
گردید آقای ولی الله کریمی دام توفیقه به وسیله جنابعالی استجازه نموده بود که نصف
سهم مبارک امام علیه السلام که به ذمه اش تعلق می گیرد در موارد مقرر شرعیه صرف
نماید مؤمی الیه مجاز و مأذون می باشد و نسبت به موضوع فیلم زندگانی حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله تلگرافی قبل از وصول نامه جنابعالی رسیده است تعمق و تأمل در این
امر لازم است در مواقع توجه ملتمس دعا می باشم و امیدوارم از دعا فراموشتان ننمایم
والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته
الخوئی
فی ۲۰ ربيع الاول ۱۳۹۴ هـ

۱۳۳۳

عبر بن میرسانه
اِنَّ اهل البیت را در کمال محبت دعا شد
بایدات الهی بود و خواستید بود مردم شریف کوفه را
که حاکم از سلاطین بود و حمل و عرب خوشنویس کردید السلام از ملک
لبنایید بجهت الهی از محبت مزاج عارفه نبوت و مانند سابق باجماع
استغفار دارم شرمی راجع بسبب دم از باگ مردم شریف بودید معلوم
الهی از این جهات غفلت نمیداد اگر چه مقصد بیان این امر بود
و دلش استند و له سبب وجه بعنوان فردی نبوت راجع باقیست
عباد را به رعنان بی رت داد بودید اسید دارم خداوند عزوجل
دینی شما را قبول فرموده شمول از عکس محبت دل عمر او و صفات و ار
عنایات خاصه آن امام عابد علی الهی را فرمود شریف بر خود را
در خانه اسید دارم از دعا فرمودن تمام و در علم و دین و راه انکس
۱۸۲ هجری قمری

بسمه تعالی

به عرض می‌رساند: ان شاء الله تعالی در کمال صحت و عافیت مؤید به تأییدات الهیه بوده و خواهید بود. مرقوم شریف مورخ ۱۱ شهر جاری که حاکی از سلامتی بود واصل و موجب خوشوقتی گردید. استعلام از حالات بفرمایید بحمدالله تعالی از جهت مزاج، عارضه‌ای نیست و مانند سابق به انجام وظیفه اشتغال دارم. شرحی راجع به سحب وجه از بانک مرقوم داشته بودید معلوم گردید البته از این جهات غفلت نمی‌شود اگر چه متصدیان این امر، مورد اطمینان و وثوق هستند ولی سحب وجه به عنوان فردی نیست. راجع به افتتاح مدرسه بعد از ماه رمضان بشارت داده بودید امیدوارم خداوند عزوجل خدمات دینی شما را قبول فرموده، مشمول ادعیه حضرت ولی عصر - ارواحنا فداه - و از عنایات خاصه آن امام غائب - عجل الله تعالی فرجه الشریف - برخوردار گردید. در خاتمه امیدوارم از دعا فراموشتان ننمایم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
فی ۱۸ رجب سنه ۱۳۹۴
الخوئی

بسم الله الرحمن الرحيم

بعرض میرساند
 انست و الله تعالى در کمال رحمت و عافیت بود
 بوده و خواهید بود استعلا از عادت بنمایند از ناحیه فراج عافیت
 و با بنام و طیفه اشغال دارم مرقوم شریف توفیق یازدهم ماه جاد که حکایت
 سلاستی بود و وصل و بوجوب خود توفیق گردید از محبتها عبادت
 و پسید و دم خداوند غرض جل برآید آستان بنفراید راجع موضع
 اشاره نموده بودید صاحب عظم له استعلا با خود انجانب است و در این
 نسبت چنانچه غیر مسموع شده باشد مقرون بحت نیت و اهد و در این
 مداخله ندارد در خانه پسید دارم از دعا و لغزستان تمام و سلام و در این
 ۲۱ ذی القعدة الحرام ۱۳۹۶ هجری

بسمه تعالی

به عرض می‌رساند: ان شاء الله تعالی در کمال صحت و عافیت مؤید بوده و خواهید بود. استعلام از حالات بفرمایید از ناحیه مزاج عارضه‌ای نیست و به انجام وظیفه اشتغال دارم. مرقوم شریف مورخ یازدهم ماه جاری که حاکی از سلامتی بود، اصل و موجب خوشوقتی گردید. از محبت‌های جنابعالی سپاسگزارم و امیدوارم خداوند عزوجل بر تأییداتان بیفزاید.

راجع به موضوع آقای مصباح اشاره نموده بودید. حساب معظم له مستقیماً با خود اینجانب است و واسطه‌ای در بین نیست. چنان چه چیزی مسموع شده باشد، مقرون به صحت نیست و احدی در حساب ایشان مداخله‌ای ندارد. در خاتمه امیدوارم از دعا فراموشتان ننمایم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته
فی ۲۱ ذی القعدة الحرام، سنه ۱۳۹۴هـ
الخوئی

بسم الله

بعضی میسراند
 بهت والله تعالی در حال گشت و حرکت بود
 و خدا امید بود مرکبم شریف نوزخ بانزد ام محرم الحرام سال چهارم از

بود در ضمن این هفته در اصل گردید
 استقام از حالت بنیاد نه در این المنة از هفت مراجع عارفه نیت دکانه استقام
 و طایفه اشتغال دارم در خانه امید دارم از دعا فرستادن تمام دارم
 علمم در همه بهر و بلاست ۱۷ ص ۱۳۹۵ هـ ۱۳۹۵

بسمه تعالی

به عرض می‌رساند انشاء الله تعالی در کمال صحت و عافیت مؤید بوده و خواهید بود
مرفوم شریف مورخ پانزدهم محرم الحرام سال جاری که حاکی از سلامتی بود در ضمن
این هفته واصل گردید استعلام از حالات بفرمائید له والحمد والمنة از حیث مزاج عارضه
نیست و کما فی السابق به انجام وظیفه اشتغال دارم در خاتمه امیدوارم از دعا فراموشتان
نمایم.

والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته

الخوئی

فی ۱۷ صفر ۱۳۹۵

بعضی می‌نمایند
 است و الله تعالی در کمال صحت و عافیت نبوده
 و خواستید بود و مقوم شریف کسری بهشت ششم ماه ربیع الاول سال چهارم و چهل
 هجری و اصل گردید و برضای آن کمالاً مطلع شدیم ادلاً سگار بر او الله
 انجانب کمال آشتی را داشته و داریم و سید بند بر جمعیت و خون آن را گرد
 می‌زنند و بر عید ارم و سید دارم غذا دهند و جل از توابع آن مرا حفظ و عید ارم
 و با عذر از مغربین و غیر ارم بچگونه اختیار آن نداده و نه و سید الله بعد از آن
 و تمام امور از مال و غیر مال بنظر و شراف انجانب است چه در داخل وجه در خارج و چون
 اذن و اجازه انجانب بچس در جزئی و کلی دخل و تصرف نداشته و ندارد و بچگونه
 اعتماد نشده و نخواهد شد و راجع بحسابات تسکین شده در طهران راجع بوجه
 کنون اصدور انجانب چنانکه نوشته و شما اولین شخصی هستید که اظهار این معنی را نمود
 است و الله تعالی انجانب حسب سوازی شرعی و وظیفه شرعی خود عمل نموده و تمام ارم
 این معنی که نیامدنی بین بهر وظیفه شرعی عمل نموده ام اعتناء بحسابات تسکین شده
 و عدم تسکین نزد خداوند عز و جل در دنیا و آخرت کافی است
 در قلمه سید دارم از دعا خواندن تمام شده است
 ۱۳۹۵ هجری

بسمه تعالی

به عرض می‌رساند: ان شاء الله تعالی در کمال صحت و عافیت، مؤید بوده و خواهید بود. مرقوم شریف مورخ بیست و ششم ماه ربیع الاول سال جاری در ضمن این هفته واصل گردید و بر مضامین آن کاملاً مطلع شدیم. اولاً سرکار بر احوالات و اخلاق اینجانب کمال آشنایی را داشته و دارید و می‌دانید برای مرجعیت و شؤون آن هرگز قدمی برنداشته و برنمی‌دارم و امیدوارم خداوند عزوجل از توابع آن مرا محفوظ و مصون بدارد و به احدی از منسوبین و غیرهم هیچگونه اختیاراتی نداده و ان شاء الله تعالی بعداً هم نمی‌دهم و تمام امور از مالی و غیرمالی به نظر و اشراف اینجانب است چه در داخل و چه در خارج و بدون اذن و اجازه اینجانب هیچ کس در جزئی و کلی دخل و تصرفی نداشته و ندارد و هیچگونه سوء استفاده نشده و نخواهد شد. و راجع به جلسات تشکیل شده در تهران راجع به وجوه، تاکنون احدی به اینجانب چیزی ننوشته و شما اولین شخصی هستید که اظهار این معنی را نموده‌اید انشاء الله تعالی اینجانب بر حسب موازین شرعی و وظیفه شرعی خود عمل نموده و می‌نمایم و با وجود این معنی که فیما بین و بین الله به وظیفه شرعی عمل نموده‌ام اعتنایی به جلسات اگر تشکیل شده ندارم و عدم مسئولیت نزد خداوند عزوجل در دنیا و آخرت کافی است. در خاتمه امیدوارم از دعا فراموشتان ننمایم.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

الخوئی

فی ۲۲ ع ۲ سنة ۱۳۹۵

بسم الله

لعل حضرت میرزای
 است و الله تعالی در کمال محبت و عنایت
 و خواهد بود خانه نورانی ۱۳۴۴ هجری که حکایت از سلاطین بود در این
 هفته و صل گردید استقامت از حالت نباشد در انچه در المنة از حضرت
 عارضه نیت و کراهت سابق با انجام وظایف اشتغال دارم از مطالبی که
 دارد بود بدقت شکر و سپید دارم از دعا فرستادن بنیام و السلام
 ۱۳۹۵ هجری ۱۹۶۲

بسمه تعالی

به عرض می‌رساند: ان شاء الله تعالی در کمال صحت و عافیت، مؤید بوده و خواهید بود. نامه مورخه ۳ / ج ۲ / ۹۵ که حاکی از سلامتی بود در ضمن این هفته واصل گردید، استعلام از حالات بنمایید له الحمد والمنة از حیث مزاج عارضه‌ای نیست و کما فی السابق به انجام وظایف اشتغال دارم. از مطالبی که تذکر داده بودید متشکرم و امیدوارم از دعا فراموشتان ننمایم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

الخوئی

فی ۱۹ ج ۲ سنة ۱۳۹۵

بسم الله

بعضی می‌رسانند
 هفت و الله تعالى در سال هجرت و هجرت بود
 و خواستید بود مرقوم نوزخ چهارم ماه رجب سال هجرت که هجرت از مدینه
 در ضمن این هفته و میل دو عیب فو قری گردید از مدینه به یثرب نمودن
 رسید مگر تعی سه الله تعالى مگر خداوند غر و قبل بر باید آستان بیفرایند
 مطلوب لغا ارسال میگردد در خانه رسید دارم از دعا فرستادن تمام
 در عهده الله در کاتبه نه ۹ رجب ۱۲۹۰ هجری
 ملاحظه نامه جنوف را بقم ارسال داشتیم برگشته متعنی است ابراهیم

بسمه تعالی

به عرض می‌رساند: ان شاء الله تعالی در کمال صحت و عافیت، مؤید بوده و خواهید بود. مرقوم مورخ چهارم ماه رجب سال جاری که حاکی از سلامتی بود در ضمن این هفته واصل و موجب خوشوقتی گردید، از پذیرایی نمودن از نور چشمی آقا سید محمد تقی - سلمه الله تعالی - متشکر، خداوند عزوجل بر تأییداتتان بیفزاید. قبولی مطلوب لفاً ارسال می‌گردد در خاتمه امیدوارم از دعا فراموشتان ننمایم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

الخوئی

فی ۹ رجب ۱۳۹۵

ملحوظه: نامه جوف را به قم ارسال داشتیم برگشته، مقتضی است امر به ایصال نمایید.

www.takbook.com

بسمه تعالی

به عرض می‌رساند: ان شاء الله تعالی در کمال صحت و عافیت مؤید بوده و خواهید بود. مرقوم شریف مورخ ۱۸ شعبان المعظم سال جاری که حاکی از سلامتی بود، واصل و موجب خوشوقتی گردید. استجازه مطلوبه لفاً ارسال می‌شود. راجع به موضوع منهاج شرحی مرقوم داشته بودید. همین معنی در نظر اینجانب بود. چنانچه خداوند عزوجل توفیق عنایت فرماید، عملی خواهد شد. و اما نسبت به موضوع اعزام آقایان طلاب به اطراف، با جناب حجة الاسلام آقای حاج سید جلال الدین فقیه ایمانی - دامت برکاته - مذاکره فرمایید. زیرا که مشاغل جناب دانشمند معظم آقای لطفی - دامت تأییداته - زیاد است و نمی‌تواند به این قبیل امور رسیدگی نماید. و اما موضوع اجازه آقای حاج آقا بزرگ حسینی مرقوم داشته بودید و کالت مطلق در زابل به معظم له داده شود، تاکنون در هیچ نقطه‌ای از نقاط دنیا و کالنامه مطلق به احدی نداده‌ام و بعداً هم نخواهم داد. علاوه بر آن که در زابل جناب آقا شیخ علی مراد بختیاری - دام تأییده - که سال‌ها در نجف بودند، از طرف اینجانب مجاز است. در خاتمه امیدوارم از دعا فراموشتان ننمایم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

الخوئی

فی ۱۴ رمضان المبارک سنه ۱۳۹۶

بسم الله

بعضی می‌نویسند
 ان شاء الله تعالی در کمال محنت و کمال مشقت
 بود و خواهی دید بود مرحوم شریف که معتمد سلطانی بود و در کمال محنت و کمال مشقت
 سرگردید از اجتماع مدرسه و حدیث لایان طلاب و تحصیل مرحوم در کمال مشقت و کمال محنت
 موجب برت گردید و امیدوارم فداات دینی سرکار منور و فخر و کرامت
 و در زادگاه آنحضرت محل الله تعالی فرقه اشرف بر خود را برگزیده
 تمام کردیم بحکم و وجه هر دو کلامه ۱۲۹۷ هجری قمری

بسمه تعالی

به عرض می‌رساند: ان شاء الله تعالی در کمال صحت و عافیت مؤید بوده و خواهید بود. مرقوم شریف که مبشر سلامتی بود، واصل و موجب خوشوقتی گردید. از افتتاح مدرسه و جدیت آقایان طلاب در تحصیل مرقوم داشته بودید، موجب مسرت گردید. امیدوارم خدمات دینی سرکار منظور نظر حضرت ولی عصر- ارواحنا فداه - و از ادعیه آن حضرت - عجل الله تعالی فرجه الشریف - برخوردار گردید. در خاتمه امیدوارم از دعا فراموشتان ننمایم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

الخوئی

فی ۲ ج ۲ - ۹۷

برکت

بعضی میسرند انشاء الله تعالى در کمال صحت و عافیت بودند
 و خواهید بود مرقوم شریف که بشیر سلامتی بود و اصل در وجب خوشنوی
 استقام از حالات نبواید که الحمد لله عارضه از حیت فراج نعت و نعت
 با تمام ذللت و تنفالی دارم نامه شیرازی دست ناسید رسه و اصل گردید و بی قیاس
 ندارد که اسیر از سلاطین بوده است و اما در جمع بر بندهای تمیمی غلامان
 آنجا زندگی است در خانه اسید دارم از دعا فراتر نمانم در سلامتی
 نامه شیرازی را در مجموع بگرد ۱۲۸۲ هجری
 ۹۷

بسمه تعالی

به عرض می‌رساند: ان شاء الله تعالی در کمال صحت و عافیت مؤید بوده و خواهید بود. مرقوم شریف که مبشر سلامتی بود، واصل و موجب خوشوقتی گردید. استعلام از حالات بفرمایید له الحمد والمنة عارضه‌ای از حیث مزاج نیست و مانند سابق به انجام وظیفه اشتغال دارم.

نامه آقای شیرازی - دامت تأییداته - واصل گردید ولی هیچ دلالتی ندارد که اسمی از سرکار برده شده است. و اما راجع به زمین‌های قم تصمیمی برخلاف تصمیم سابق اتخاذ نشده است. در خاتمه امیدوارم از دعا فراموشتان ننمایم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

الخوئی

فی ۲۸ / ج ۲ / ۹۷

نامه آقای شیرازی لفاً مرجوع می‌گردد.

لیس
 خدا بخت قبر دادم و این آیه الله مرعیه خبر صادق رو
 دیت تا سیرت
 لبرض میرساند افشا دادم آتای در کمال صحت و سلامتی بود و معلوم
 و خواسته بود در این باب خبر صحت و الله اعلم رقه بر علیها بیت
 چند ماه از وفات محمد ر. بگذرد و با جی الطباع بوده ام و علی کل حال عظیم
 عرض بنیام و امید دارم خداوند غفور و جل آنز خود را با آنکه اظهار سلام
 محذور و صبر جمیل و اجر جلیل بها عنایت فرماید در خانه ام از دی خزان
 بنیام دادم و بکم در قه هر یک است بخ ۲۵ رجب ۱۲۰۵ اسکول

بسمه تعالی

جناب مستطاب حجة الاسلام والمسلمین آية الله آقای حاج سید محمد صادق روحانی
دامت تأییداته

به عرض می‌رساند: ان شاء الله تعالی در کمال صحت و سلامتی، مؤید بوده و خواهیید
بود. در این ایام خبر رحلت والدۀ معظمه - رحمة الله علیها - مسموع و ضمناً معلوم شد، چند
ماه از وفات مخدّره می‌گذرد و ما بی اطلاع بوده ایم و علی کل حال تعزیت عرض می‌نمایم
و امیدوارم خداوند عزّوجل آن مرحومه را با ائمه اطهار - سلام الله علیهم - محشور و صبر
جمیل و اجر جزیل به شما عنایت فرماید. در خاتمه از دعا فراموشتان نمی‌نمایم.
والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته
الخوئی
فی ۲۵ رجب سنه ۱۴۰۵ هـ

حجاب است آیة الهی حاج سید محمد صادق رو
 در کتب تائیدیه
 بفرمایند اسید دارم که آن حجاب قریب نیست
 گردد استعمال از حالات نیز مائید که الحمد لله المنة عارضه از رعیت فراموش
 و مانند سابق با انجام وظیفه مشغول میباشم در خانه اسید دارم صادر
 غرض صلوات عاجل کامل به شما عنایت فرماید و السلام بر شما و بر کائنات
 ۲۵ جمادی الثانی ۱۲۹۹ هـ


بسمه تعالی

جناب مستطاب آیه الله آقای حاج سید محمد صادق روحانی دامت تأییداته
به عرض می‌رساند: امیدوارم کسالت آن جناب مرتفع و ضعف مبدل به قوت گردد.
استعلام از حالات بفرمایید له الحمد و له المنّة عارضه‌ای از حیث مزاج نیست و مانند سابق
به انجام وظیفه مشغول می‌باشم. در خاتمه امیدوارم خداوند عزّوجلّ شفای عاجل کامل به
شما عنایت فرماید.

والسلام علیکم و رحمة الله و بركاته

ابوالقاسم الموسوی

فی ۲۵ ج ۲ سنه ۱۴۰۹ هـ